



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

پلرده
کتابخانه
پروانمون

مکتبہ اہل سنت
میانہ کٹی، کلاں، خیبر پختونخوا
پروفیسر عبدالرشید خان صاحب

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

یازده گفتار پیرامون بیداری اسلامی

نویسنده:

آیت الله العظمی سید علی خامنه ای

ناشر چاپی:

انقلاب اسلامی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۸	یازده گفتار پیرامون بیداری اسلامی
۱۸	مشخصات کتاب
۱۹	اشاره
۲۳	فهرست
۳۳	مقدمه
۳۵	گفتار اول : بیانات در دیدار میهمانان خارجی مراسم دهه ی فجر انقلاب اسلامی
۳۵	اشاره
۳۷	اثبات سخنان انقلاب در جهان
۳۷	اولین سخن انقلاب؛ آغاز حاکمیت ارزشهای معنوی
۳۸	دومین سخن انقلاب؛ عجز قدرتهای مادی از مقابله با ارادهی انسانها
۳۹	امروز؛ روز فداکاری همهی مسلمین برای اسلام
۳۹	دو وظیفهی دنیای اسلام؛ احساس خطر استکبار و احساس توانمندی برای مقابله با استکبار
۴۱	لزوم قیام مسلمین برای احیای اسلام و تأمین استقلال
۴۱	تجربههای جمهوری اسلامی؛ مشوق ملتها
۴۳	گفتار دوم : پیام به مناسبت برگزاری کنگره عظیم عبادی سیاسی حج
۴۳	اشاره
۴۵	حج؛ سرچشمه ی جوشان تقوی و معنویت و خیر و برکت
۴۵	هوسها و تردیدهای درونی و دشمنان؛ دو آسیب جوامع بشری
۴۶	حج؛ عامل دور سازندهی آسیبهای درونی و دشمنان خارجی
۴۷	تهدیدهای نابودکننده در برابر جهان اسلام
۴۷	فهرستی از مشکلات و امکانات دنیای اسلام
۴۸	امکانات جهان اسلام
۴۹	مشکلات جهان اسلام

- ۵۰ ظرفیت حج برای درمان مشکلات جهان اسلام
- ۵۱ حج؛ در صدر اقدامات بین المللی حکومت جمهوری اسلامی
- ۵۲ نفی جامعیت حج؛ نفی عزت و استقلال مسلمین
- ۵۳ درمان ضعف کنونی دولتهای مسلمان نیازمند استفاده از ظرفیت حج
- ۵۳ دفاع از اسلام؛ دلیل خشم استکبار از جمهوری اسلامی
- ۵۵ توصیه به حجاج و روحانیون حج
- ۵۷ گفتار سوم: بیانات در دیدار مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی و سفرای کشورهای اسلامی در سالروز مبعث پیامبر گرامی اسلام
- ۵۷ اشاره
- ۵۹ مبعث؛ یک عید حقیقی
- ۵۹ هدف مبعث؛ خروج انسان از ظلمت به نور
- ۵۹ ظرفیت گستردهتر جهان امروز برای فهم پیام نبوی
- ۶۰ وظیفهی مسلمین در تبلیغ عملی پیام مبعث
- ۶۰ بیداری فلسطین پس از کوتاهی گذشتگان
- ۶۱ حقیقت قضیهی فلسطین؛ ناکامی تلاش دشمنان در حذف ملت فلسطین
- ۶۲ اولین قدم؛ معرفت
- ۶۲ وظیفه ی دولتها و ملتهای اسلامی برای کوتاه شدن راه آزادی فلسطین
- ۶۳ لزوم انجام حمایتهای همه جانبه
- ۶۳ امریکا؛ شریک جرم اسرائیل
- ۶۳ ملت و دولت ایران؛ پیشتاز حمایت از فلسطین
- ۶۵ گفتار چهارم: بیانات در دیدار مسؤولان و کارگزاران نظام به مناسبت سالروز هفدهم ربیع الاول
- ۶۵ اشاره
- ۶۷ ولادت پیامبر صلی الله علیه و آله؛ طلیعهی رحمت الهی
- ۶۷ انحراف امت اسلامی از اسلام ناب
- ۶۸ شروع بیداری اسلامی در جهان اسلام
- ۶۸ فایدهی بیداری اسلامی برای دولتهای اسلامی
- ۶۹ مخالفت استکبار با بیداری و عزت اسلامی

- تنها راه نجات امت اسلامی؛ بازگشت به اسلام ۷۰
- گفتار پنجم: بیانات در دیدار اندیشمندان و علمای کشورهای اسلامی شرکت کننده در نوزدهمین کنفرانس بین المللی وحدت اسلامی ۷۳
- اشاره ۷۳
- آیندهی دنیای اسلام در گرو برنامه‌های نخبگان مسلمان ۷۵
- وحدت اسلامی؛ راه حل مشکلات جهان اسلامی ۷۵
- تلاش دشمنان برای ایجاد اختلاف میان مسلمین ۷۶
- تشدید اختلاف افکنی دشمنان پس از موفقیت‌های جمهوری اسلامی ۷۶
- استفادهی از امکانات جهان اسلام؛ عامل قطع نفوذ استعمار ۷۷
- اهمیت بحث وحدت ۷۷
- لزوم تدوین منشور وحدت توسط نخبگان جهان اسلام ۷۸
- منظور از وحدت صحیح ۷۸
- دعوت قرآن کریم به اعتصام به جبل الله با ایمان به خدا و کفر به طاغوت ۷۸
- امریکا؛ طاغوت اعظم دنیا ۷۹
- عدم امکان تمسک به عروهی وثقا بدون کفر به طاغوت ۷۹
- پیشرفت علمی و سیاسی در گرو حفظ وحدت ۸۰
- وظیفه‌ی دولتمردان و نخبگان جهان اسلام در برابر فرصت ویژه‌ی بیداری اسلامی ۸۱
- مسئله‌ی فلسطین نتیجه تلقین ناتوانی به جهان اسلام توسط استعمارگران ۸۱
- قدرت توده‌های ملت‌های مسلمان؛ عامل شکست بیگانگان ۸۲
- لزوم پرهیز از ناامیدی و اختلاف ۸۳
- ایستادگی؛ عامل خنثی کردن تهدیدها ۸۴
- گفتار ششم: بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی در روز عید سعید مبعث ۸۵
- اشاره ۸۵
- عید مبعث؛ شروع راه رسیدن به خواسته‌های فطری و تاریخی ۸۷
- عدالت؛ خواسته‌ی بزرگ بشریت ۸۷
- صلح و آرامش؛ خواسته‌ی اساسی بشر ۸۷
- اسلام؛ دین فطرت ۸۸

- ۸۸ مخالفان صلح و عدالت؛ دشمنان اسلام
- ۹۰ دعوت اسلام؛ دعوت معنوی
- ۹۰ جاهلیت مدرن؛ گرفتاری دنیای امروز
- ۹۱ منفعت جنگ برای ابرقدرتها
- ۹۲ زوال جاهلیت مدرن با بیداری ملت‌ها
- ۹۳ دشمنی دشمنان بشریت با بیداری اسلامی
- ۹۳ زوال پذیر بودن قدرتهای باطل
- ۹۵ گفتار هفتم: خطبه های نماز جمعه تهران در سالروز شهادت حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام
- ۹۵ اشاره
- ۹۷ خطبه ی اول
- ۹۷ اشاره
- ۹۷ تقوا؛ عامل گشوده شدن همه ی راه های بسته
- ۹۸ بیداری اسلامی کشورهای عربی؛ انعکاس صدای ملت ایران
- ۹۸ انقلاب اسلامی؛ برهم زنده ی معادلات مستکبران
- ۱۰۰ توطئه های استکبار برای شکست انقلاب اسلامی
- ۱۰۰ الف) به سقوط کشاندن انقلاب
- ۱۰۱ ب) استحاله ی انقلاب
- ۱۰۱ ج) نفوذ عناصر ضعیف النفس در نظام
- ۱۰۲ بیداری نخبگان و ملت؛ عامل به شکست کشاندن توطئه ها
- ۱۰۲ تغییرات اساسی برخاسته ی از انقلاب
- ۱۰۲ اشاره
- ۱۰۳ الف) تبدیل نظام اسلام ستیز کشور به نظام اسلامی
- ۱۰۳ ب) تبدیل کشور از یک وابسته به یک کشور مستقل
- ۱۰۴ ج) تبدیل نظام سلطنتی به نظام مردم سالار
- ۱۰۵ د) تبدیل کشور از وابسته ی علمی، صنعتی و نظامی به کشوری خودکفا
- ۱۰۵ ه) تبدیل کشور از عنصر بی تأثیر به کشوری تأثیرگذار در مسائل جهانی

- و) تغییر کشور از مقلد محض در زمینه ی فرهنگ ۱۰۶
- ثمرات انقلاب؛ پایه های بنای تمدنی عظیم ۱۰۶
- قانون اساسی و کارنامه ی موفقیت‌های جمهوری اسلامی؛ شکننده ی تابوهای غرب ۱۰۶
- اشتباه سیاسی غرب؛ عامل افزایش محبوبیت جمهوری اسلامی ۱۰۷
- ثبات و ایستادگی انقلاب، مهم ترین عامل برای الگوشدن آن ۱۰۸
- مواردی از ایستادگی انقلاب ۱۰۹
- اشاره ۱۰۹
- الف) ایستادگی بر اسلامیت نظام ۱۰۹
- ب) ایستادگی بر جمهوریت نظام ۱۱۰
- ج) ایستادگی در استقرار عدالت اجتماعی ۱۱۱
- د) ایستادگی در استکبارستیزی ۱۱۳
- انعکاس صدای ملت ایران در مصر ۱۱۴
- خطبه ی دوم ۱۱۵
- اشاره ۱۱۵
- توصیه ی به تقوا ۱۱۵
- حوادث مصر و تونس؛ یک زلزله ی واقعی ۱۱۵
- علت نگرانی اسرائیل از بیداری اسلامی در مصر و تونس ۱۱۵
- اسلام ستیزی و وابستگی بن علی به امریکا دلیل قیام ملت تونس ۱۱۶
- مشخصات و مفاخر ملت مصر ۱۱۷
- خیانت‌های مبارک در مصر ۱۱۸
- عامل اصلی قیام مردم مصر ۱۱۸
- برخورد آمریکا با مهره های سوخته ی خود ۱۱۹
- ترجمه ی خطبه ی عربی ۱۲۰
- اشاره ۱۲۰
- بیداری اسلامی؛ زمینه ساز بازگشت ملتها به اسلام و کرامت ۱۲۰
- قیام مصر و تونس بر سر دو راهی ۱۲۰

- ۱۲۱ لزوم ادامه ی انقلابها تا خروج همه ی وابستگان حاکمان خائن
- ۱۲۱ مفاخر مصر
- ۱۲۲ بزرگترین جنایت نظام مبارک در مصر
- ۱۲۲ علت اصلی قیام مردم مصر
- ۱۲۲ ارتباط سرنوشت کشورهای منطقه با فلسطین
- ۱۲۳ خیانت مبارک؛ تبدیل مصر از حامی فلسطین به حامی اسرائیل
- ۱۲۴ قیام ملت مسلمان مصر؛ یک حرکت اسلامی و آزادیخواهانه
- ۱۲۴ تجربیات قابل استفاده ی قیام ملت ایران برای قیامهای مردمی
- ۱۲۴ اشاره
- ۱۲۴ الف) جنگ؛ جنگ اراده ها
- ۱۲۵ ب) تلاش دشمن برای ناامیدکردن مردم از رسیدن به اهداف
- ۱۲۵ ج) تلاش دشمن بر ایجاد هراس بر مردم
- ۱۲۵ د) اتحاد؛ سلاح ملتها برای غلبه بر دشمن
- ۱۲۶ ه) لزوم هوشیاری در برابر فریبکاری غرب برای نفوذ مهره های خود
- ۱۲۶ و) لزوم همکاری فعال علما با انقلاب
- ۱۲۶ ز) لزوم پیوستن ارتش به ملت
- ۱۲۶ ح) لزوم بدبینی به آمریکا
- ۱۲۷ توطئه ی دشمنان برای محروم کردن ملتها از تجربیات انقلاب اسلامی ایران
- ۱۲۹ گفتار هشتم: خطبه های نماز جمعه تهران + ترجمه خطبه عربی
- ۱۲۹ اشاره
- ۱۳۱ خطبه ی اول
- ۱۳۱ اشاره
- ۱۳۱ رعایت تقوا؛ عامل نزول همه ی الطاف الهی
- ۱۳۱ شکر خدا و تشکر از ملت به خاطر پیروزی انقلاب اسلامی
- ۱۳۲ خروج ملت ایران از غربت با پیروزی انقلابهای اسلامی
- ۱۳۲ فهرست فرمایشات در خطبه

- ۱۳۳ خطوط اساسی و دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران
- ۱۳۳ اشاره
- ۱۳۳ الف) تبدیل رژیم ضد اسلام وابسته ی مستبد به نظام اسلامی مستقل مردم سالار
- ۱۳۳ ب) به عزت رساندن ملت
- ۱۳۴ ج) بالابردن رشد و آگاهی های سیاسی ملت
- ۱۳۴ بقای شعارهای روز اول انقلاب تا کنون
- ۱۳۵ لزوم شناخت نقاط قوت و ضعف انقلاب
- ۱۳۵ نقاط قوت و ضعف نظام
- ۱۳۵ اشاره
- ۱۳۵ الف) نقاط قوت:
- ۱۳۵ ۱. مهم ترین نقطه ی قوت نظام؛ غلبه ی بر چالشها
- ۱۳۶ ۲. گسترش خدمات عمومی به ملت
- ۱۳۶ ۳. پیشرفت علمی
- ۱۳۷ ۴. پیشرفتهای کشور در ایجاد زیرساختهای فنی و مهندسی و صنعتی
- ۱۳۷ ۵. انتقال ارزشهای انقلاب به نسل دوم و سوم
- ۱۳۸ ۶. ارتقاء جهش وار در اثرگذاری در مسائل عمده ی منطقه و مسائل جهان
- ۱۳۸ ۷. بنیه ی قوی و ساخت محکم کشور و نظام در مواجهه ی با دشمنی ها
- ۱۳۸ ۸. ارتقاء کمتی و کیفی مراکز علمی
- ۱۳۹ تحقق نقاط قوت در شرایط تحریم
- ۱۳۹ ب) نقاط ضعف و خطرهای بر سر راه:
- ۱۳۹ اشاره
- ۱۳۹ ۱. گرایش مسؤولین و مردم به دنیاطلبی
- ۱۴۰ ۲. اسراف زدگی و مصرف زدگی
- ۱۴۰ ۳. کندی پیشرفت اخلاقی در مقایسه ی با پیشرفت علمی
- ۱۴۱ ۴. عدم تحقق عدالت اجتماعی مطلوب اسلام
- ۱۴۱ راهکارهای از بین بردن ضعفها

- ۱۴۳ ----- حادثه ی مهم به زیر کشیدهدشدن طواغیت در جهان اسلام
- ۱۴۳ ----- رای مردم مصر و تونس به اسلام؛ نشانه ی شکست اسلامهراسی غرب
- ۱۴۴ ----- انزوی رژیم صهیونیستی و نشاط فلسطینیان؛ از آثار بیداری اسلامی
- ۱۴۴ ----- مظلومیت ملت بحرین
- ۱۴۴ ----- عدم دخالت ایران در بحرین
- ۱۴۵ ----- ضعف و شکست همهجانبه ی آمریکا
- ۱۴۶ ----- ضعف اروپاییان در زمینه ی سیاسی و اقتصادی
- ۱۴۶ ----- شکست غرب در تحریم ایران
- ۱۴۷ ----- فواید تحریمها برای ایران
- ۱۴۷ ----- اشاره
- ۱۴۷ ----- الف) خودکفایی
- ۱۴۷ ----- ب) شکستهدشدن هیبت غرب در جهان با توجه به ایستادگی ایران
- ۱۴۸ ----- پیش بینی نهضت عظیم اجتماعی در اروپا
- ۱۴۸ ----- ضرر تهدید نظامی ایران برای امریکا
- ۱۴۹ ----- پاسخ ایران؛ تهدید در برابر تهدید
- ۱۴۹ ----- ثمرهی حضور مردمی برای کشور
- ۱۵۰ ----- تلاش دشمن برای بحرانی نشان دادن کشور
- ۱۵۰ ----- لزوم انجام رقابت سالم در انتخابات
- ۱۵۱ ----- تذکر به شورای نگهبان در بررسی صلاحیتها
- ۱۵۱ ----- ضرورت تسلیم بودن در برابر قانون
- ۱۵۱ ----- نبود ملازمه بین رد صلاحیت برای نامزدی مجلس با رد صلاحیت کلی
- ۱۵۲ ----- لزوم هوشیاری نسبت به توطئه دشمن در امر انتخابات
- ۱۵۲ ----- خطبه ی دوّم
- ۱۵۲ ----- اشاره
- ۱۵۳ ----- ترجمه ی خطبه ی عربی
- ۱۵۳ ----- بیداری اسلامی با ضربه ی بر جبهه ی امریکا و صهیونیستها

- ۱۵۴ الهام جوانان غربی از بیداری اسلامی
- ۱۵۴ بیداری اسلامی با بازگشت به اسلام
- ۱۵۴ درستترین راه؛ ترکیبی از معنویت، عدالت، عقلانیت و مردمسالاری
- ۱۵۵ خصوصیت طواغیت رژیمهای عربی
- ۱۵۵ جنبشی اسلامی با شعار الله اکبر
- ۱۵۵ تلاش غرب برای تبدیل انقلاب به ضد انقلاب
- ۱۵۶ تلاش غرب برای تحریف مبانی و معارف اسلامی
- ۱۵۶ تشکیل دو قطبی مستضعفین و مستکبرین
- ۱۵۶ چشم همه به بیداری اسلامی از جزیره العرب تا شمال آفریقا
- ۱۵۷ سه گروه در اطراف انقلابها
- ۱۵۷ اشاره
- ۱۵۷ ۱. آمریکا، ناتو، رژیم صهیونیستی و متحدین و وابستگانشان در برخی رژیمهای عربی
- ۱۵۹ ۲. ملتها و جوانان
- ۱۶۰ ۳. احزاب و نخبگان سیاسی
- ۱۶۱ دو آفت پیروزی؛ غرور و سادهانگاری
- ۱۶۱ ضرورت پرهیز از اعتماد کردن به آمریکا و ناتو
- ۱۶۲ خواست ملتها از نخبگان؛ بازگشت به اسلام حقیقی در برابر اسلام تکفیری و لائیک
- ۱۶۳ دموکراسی مطلوب و نامطلوب
- ۱۶۳ سلفی گری صحیح
- ۱۶۳ لزوم بدبینی به اسلام مطلوب غرب
- ۱۶۴ غرب در صدد انتقام از ملت‌های انقلابی
- ۱۶۴ اعلام آمادگی نظام و ملت ایران برای همکاری با نهضت‌های اسلامی
- ۱۶۴ حقیقت در مورد ایران
- ۱۶۴ اشاره
- ۱۶۴ الف) ایستادگی بی سابقه در دفاع از اسلام و مسلمین
- ۱۶۴ اشاره

- ۱۶۵ ----- تهمت امپیرالیسم ایرانی و شیعی به انقلاب اسلامی
- ۱۶۵ ----- (ب) تغییر معادله ی مقاومت در منطقه
- ۱۶۶ ----- هدف ایران؛ احیاء امت اسلامی و نه شیعی کردن مسلمین
- ۱۶۷ ----- گفتار نهم: بیانات در اجلاس بین المللی بیداری اسلامی
- ۱۶۷ ----- اشاره
- ۱۶۹ ----- تعریف بیداری اسلامی
- ۱۶۹ ----- تکیه ی تحولات بزرگ اجتماعی بر پشتوانه های تاریخی، معرفتی و تجربه ای
- ۱۷۰ ----- جایگاه انقلاب اسلامی ایران در تحولات منطقه
- ۱۷۰ ----- بیداری اسلامی؛ جریان ریشه دار و نه موجی گذرا
- ۱۷۰ ----- خلاصه ی مطالب
- ۱۷۱ ----- قیامهای اسلامی اخیر؛ قیامهای مردمی
- ۱۷۲ ----- انتظار تحقق زودتر قیام از ملت مصر
- ۱۷۲ ----- پیش بینی موفقیت همه ی نهضت‌های مردمی
- ۱۷۳ ----- اصول انقلابهای منطقه:
- ۱۷۳ ----- اشاره
- ۱۷۳ ----- ۱. احیاء و تجدید عزّت و کرامت ملی
- ۱۷۳ ----- ۲. برافراشتن پرچم اسلام
- ۱۷۳ ----- ۳. ایستادگی در برابر نفوذ و سلطه ی آمریکا و اروپا
- ۱۷۳ ----- ۴. مبارزه با رژیم غاصب و دولت جعلی صهیونیست
- ۱۷۴ ----- مردمی بودن این انقلابها؛ مهمترین عنصر در تشکیل هویت آنها
- ۱۷۴ ----- تأثیر مخرب دخالت غرب در لیبی
- ۱۷۴ ----- مردم و نخبگان انقلابی صاحب انقلابها
- ۱۷۴ ----- راه مصونیت در برابر خطرها
- ۱۷۵ ----- دسته بندی آسیبهای نهضتها:
- ۱۷۵ ----- اشاره
- ۱۷۵ ----- آسیبهای درونی:

- ۱۷۶ آسیبه‌های بیرونی؛
- ۱۷۸ بیان تجربه‌هایی به ملت‌های انقلابی
- ۱۷۸ اشاره
- ۱۷۸ الف) برداشتن موانع با توکل و خرد و عزم و شجاعت -
- ۱۷۹ ب) بازخوانی دائمی اصول انقلاب
- ۱۷۹ ج) پرهیز از اختلافات مذهبی و قومی
- ۱۸۰ د) نظام‌سازی بر اساس مبانی اسلام با هدف ایجاد تمدن اسلامی و آزادی فلسطین
- ۱۸۰ ه) اعتماد به نسل جوان و استفاده از تجربه‌ی پیران
- ۱۸۱ دو نکته‌ی مهم
- ۱۸۱ لزوم تشکیل نظام مردمسالار دینی
- ۱۸۱ ب) لزوم تمییز اسلام‌گرای با تجر و تعصب‌های جاهلانه
- ۱۸۱ جلو بردن بیداری اسلامی با تقوا، سرپیچی از فرمان کافران و منافقان پیروی از وحی و توکل بر خدا
- ۱۸۳ گفتار دهم: بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی «جوانان و بیداری اسلامی»
- ۱۸۳ اشاره
- ۱۸۵ جوانان انقلابی؛ حاملان بشارتهای بزرگ برای آینده
- ۱۸۵ بشریت بر سر پیچ بزرگ تاریخی تحول از سیطره‌ی دیکتاتوری جهانی به آزادی ملت‌ها و حاکمیت ارزشهای الهی
- ۱۸۶ قیام بر ضد دیکتاتورهای وابسته؛ مقدمه‌ی قیام علیه دیکتاتوری جهانی
- ۱۸۶ عدم استبعاد شکست دیکتاتوری جهانی
- ۱۸۸ احساس ناتوانی استکبار جهانی در برابر بیداری اسلامی
- ۱۸۸ مبارزه‌ی با استکبار؛ مبارزه‌ی هم‌تھا و اراده‌ها
- ۱۸۹ پیشرفت جمهوری اسلامی به برکت اسلام و تلاش جوانان
- ۱۸۹ آفت تهاجم فرهنگی؛ دو تصور غلط و انحرافی
- ۱۹۰ این قرن؛ قرن اسلام و معنویت
- ۱۹۰ توطئه‌ی دشمن در مقابل ضربه‌ی بیداری اسلامی
- ۱۹۰ وعده‌ی نصرت الهی برای ملت‌های مقاوم
- ۱۹۱ نهضت اسلامی فراتر از مذاهب و قومیتها با اهداف مشترک

- ۱۹۱ حرکت در مسیر منافع اسرائیل و امریکا؛ ملاک نادرستی حرکت
- ۱۹۲ تلاش دشمن بر منزوی کردن مردم بحرین
- ۱۹۲ استقامت؛ رمز پیروزی
- ۱۹۳ آفاق روشن آیندهی حرکت
- ۱۹۶ گفتار یازدهم: بیانات در کنفرانس حمایت از انتفاضه فلسطین
- ۱۹۶ اشاره
- ۱۹۸ فلسطین؛ مسئله ی اول در میان همه ی موضوعات مشترک کشورهای اسلامی
- ۱۹۸ مشخصات منحصر به فرد مسئله ی فلسطین
- ۱۹۸ اشاره
- ۱۹۸ ۱. غصب یک کشور و تشکیل جامعه ای جعلی
- ۱۹۹ ۲. جنایت و اهانت بی سابقه
- ۱۹۹ ۳. توهین و تخریب قبله ی اول و مراکز دینی
- ۱۹۹ ۴. اسرائیل؛ پایگاه نظامی و سیاسی استکبار در قلب جهان اسلام
- ۱۹۹ ۵. خطر اخلاقی، سیاسی و اقتصادی اسرائیل برای بشریت
- ۱۹۹ ۶. هزینهی مالی و انسانی سنگین ظلم بر فلسطین برای جهان اسلام
- ۲۰۰ ۷. نهضت بیداری اسلامی با انگیزه ی دشمنی با اسرائیل
- ۲۰۰ ظلم اسرائیل، همراهی حکام وابسته و پیروزی مقاومت از عوامل بیداری اسلامی
- ۲۰۱ نگاهی به گذشته و حال و ترسیم نقشه ی راه برای آینده
- ۲۰۱ گذشته ی خونبار فلسطین
- ۲۰۲ علت اساسی شکست سازمان آزادی بخش فلسطین؛ دوری از اسلام
- ۲۰۳ انحراف مبارزان و خیانت دولتهای عرب
- ۲۰۳ از هدفهای انقلاب اسلامی؛ آزادی سرزمین فلسطین و قطع غده ی سرطانی اسرائیل
- ۲۰۴ مبارزه با تکیه بر ایمان در فلسطین بعد از انقلاب اسلامی ایران
- ۲۰۴ قراردادهای ننگین سران عرب برای خاموش کردن شعله ی مقاومت
- ۲۰۵ نصرت الهی برای مقاومتان مسلمان
- ۲۰۶ دو نکته ی اساسی

- ۲۰۶ ----- هدف ما آزادی همه ی فلسطین و حذف اسرائیل و تحقّق شعار از نهر تا بحر
- ۲۰۷ ----- لزوم بکارگیری صبر و تدبیر برای آزادی فلسطین
- ۲۰۷ ----- طرح جمهوری اسلامی برای حل قضیه ی فلسطین
- ۲۰۸ ----- وظیفه ی دولتهای اسلامی در قطع روابط آشکار و پنهان با اسرائیل
- ۲۰۸ ----- تکلیف سازمانهای مقاومت اسلامی
- ۲۰۹ ----- غرب بر سر دو راهی در قبال مسئله ی فلسطین
- ۲۰۹ ----- چرایی اعلام امنیت اسرائیل به عنوان خط قرمز آمریکا
- ۲۱۰ ----- تهدید واقعی برای اسرائیل؛ عزم مسلمانان و نه موشکهای ایران و مقاومت
- ۲۱۱ ----- درباره مرکز

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: یازده گفتار پیرامون بیداری اسلامی [کتاب]: حضرت آیت الله العظمی سیدعلی خامنه ای (مدظله العالی) رهبر معظم انقلاب اسلامی / [تهیه کننده] موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه ای «مدّ ظله العالی».

مشخصات نشر: تهران: موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری: ۱۹۱ ص.

شابک: ۴۰۰۰۰ ریال : ۸-۴۶-۲۹۵۱-۹۶۴-۹۷۸؛ ۶۵۰۰۰ ریال (چاپ دوم)

وضعیت فهرست نویسی: فاپا

یادداشت: چاپ دوم: ۱۳۹۲.

عنوان دیگر: حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مدّ ظله العالی) رهبر معظم انقلاب اسلامی.

موضوع: خامنه ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸ - -- دیدگاه درباره اصلاح طلبی در اسلام

موضوع: خامنه ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸ - -- پیام ها و سخنرانی ها

موضوع: اسلام -- تجدید حیات فکری

شناسه افزوده: موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی. دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه ای "مد ظله العالی"

شناسه افزوده: موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی. دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه ای "مد ظله العالی". انتشارات انقلاب اسلامی

رده بندی کنگره: DSR۱۶۹۲ / الف ۳۶۶ ی ۱۳۹۱ ۲

رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴۴

شماره کتابشناسی ملی: ۲۷۴۹۲۰۶

یازده گفتار پیرامون بیداری اسلامی

حضرت آیت الله العظمی سیدعلی خامنه ای (مدظله العالی) رهبر معظم انقلاب اسلامی

ص: ۳

۱۵مقدمه
۱۷گفتار اول / بیانات در دیدار میهمانان خارجی مراسم دهمی فجر انقلاب اسلامی
۱۹اثبات سخنان انقلاب در جهان
۱۹اولین سخن انقلاب؛ آغاز حاکمیت ارزشهای معنوی
۲۰دومین سخن انقلاب؛ عجز قدرتهای مادی از مقابله با ارادهی انسانها
۲۱امروز؛ روز فداکاری همهی مسلمین برای اسلام
۲۱دو وظیفهی دنیای اسلام؛ احساس خطر استکبار و احساس توانمندی برای مقابله با استکبار
۲۳لزوم قیام مسلمین برای احیای اسلام و تأمین استقلال
۲۳تجربههای جمهوری اسلامی؛ مشوق ملتها
۲۵گفتار دوم / پیام به مناسبت برگزاری کنگرهی عظیم عبادی سیاسی حج
۲۷حج؛ سرچشمهی جوشان تقوی و معنویت و خیر و برکت
۲۷هوسها و تردیدهای درونی و دشمنان؛ دو آسیب جوامع بشری
۲۸حج؛ عامل دور سازندهی آسیبهای درونی و دشمنان خارجی
۲۹تهدیدهای نابودکننده در برابر جهان اسلام
۲۹فهرستی از مشکلات و امکانات دنیای اسلام
۳۰امکانات جهان اسلام
۳۱مشکلات جهان اسلام
۳۲ظرفیت حج برای درمان مشکلات جهان اسلام
۳۳حج؛ در صدر اقدامات بین‌المللی حکومت جمهوری اسلامی
۳۴نهی جامعیت حج؛ نفی عزت و استقلال مسلمین
۳۵درمان ضعف کنونی دولتهای مسلمان نیازمند استفاده از ظرفیت حج
۳۵دفاع از اسلام؛ دلیل خشم استکبار از جمهوری اسلامی
۳۷توصیه به حجاج و روحانیون حج

۳۹	گفتار سوم / بیانات در دیدار مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی
۴۱	مبعث؛ یک عید حقیقی
۴۱	هدف مبعث؛ خروج انسان از ظلمت به نور
۴۱	ظرفیت گسترده‌تر جهان امروز برای فهم پیام نبوی
۴۲	وظیفه‌ی مسلمین در تبلیغ عملی پیام مبعث
۴۲	بیداری فلسطین پس از کوتاهی گذشتگان
۴۳	حقیقت قضیه‌ی فلسطین؛ ناکامی تلاش دشمنان در حذف ملت فلسطین
۴۴	اوّلین قدم؛ معرفت
۴۴	وظیفه‌ی دولتها و ملت‌های اسلامی برای کوتاه شدن راه آزادی فلسطین
۴۵	لزوم انجام حمایت‌های همه جانبه
۴۵	امریکا؛ شریک جرم اسرائیل
۴۵	ملت و دولت ایران؛ پیشتاز حمایت از فلسطین
۴۷	گفتار چهارم / بیانات در دیدار مسؤولان و کارگزاران نظام به مناسبت
۴۹	ولادت پیامبر صلی الله علیه و آله؛ طلیعه‌ی رحمت الهی
۴۹	انحراف امت اسلامی از اسلام ناب
۵۰	شروع بیداری اسلامی در جهان اسلام
۵۰	فایده‌ی بیداری اسلامی برای دولتهای اسلامی
۵۱	مخالفت استکبار با بیداری و عزت اسلامی
۵۲	تنها راه نجات امت اسلامی؛ بازگشت به اسلام
۵۵	گفتار پنجم / بیانات در دیدار اندیشمندان و علمای کشورهای اسلامی
۵۷	آینده‌ی دنیای اسلام در گرو برنامه‌های نخبگان مسلمان
۵۷	وحدت اسلامی؛ راه حل مشکلات جهان اسلامی
۵۸	تلاش دشمنان برای ایجاد اختلاف میان مسلمین
۵۸	تشدید اختلاف افکنی دشمنان پس از موفقیت‌های جمهوری اسلامی
۵۹	استفاده‌ی از امکانات جهان اسلام؛ عامل قطع نفوذ استعمار
۵۹	اهمیت بحث وحدت
۶۰	لزوم تدوین منشور وحدت توسط نخبگان جهان اسلام
۶۰	منظور از وحدت صحیح
۶۰	دعوت قرآن کریم به اعتصام به حبل الله با ایمان به خدا و کفر به طاغوت
۶۱	امریکا؛ طاغوت اعظم دنیا

- ۶۱ عدم امکان تمسک به عروهی وثقا بدون کفر به طاغوت
- ۶۲ پیشرفت علمی و سیاسی در گرو حفظ وحدت
- ۶۳ وظیفه‌ی دولتمردان و نجبگان جهان اسلام در برابر فرصت ویژه‌ی بیداری اسلامی
- ۶۳ مسئله‌ی فلسطین نتیجه تلقین ناتوانی به جهان اسلام توسط استعمارگران
- ۶۴ قدرت توده‌های ملت‌های مسلمان؛ عامل شکست بیگانگان
- ۶۵ لزوم پرهیز از ناامیدی و اختلاف
- ۶۶ ایستادگی؛ عامل خشی کردن تهدیدها
- ۶۷ گفتار ششم / بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی
- ۶۹ عید مبعث؛ شروع راه رسیدن به خواسته‌های فطری و تاریخی
- ۶۹ عدالت؛ خواسته‌ی بزرگ بشریت
- ۶۹ صلح و آرامش؛ خواسته‌ی اساسی بشر
- ۷۰ اسلام؛ دین فطرت
- ۷۰ مخالفان صلح و عدالت؛ دشمنان اسلام
- ۷۲ دعوت اسلام؛ دعوت معنوی
- ۷۲ جاهلیت مدرن؛ گرفتاری دنیای امروز
- ۷۳ منفعت جنگ برای ابرقدرتها
- ۷۴ زوال جاهلیت مدرن با بیداری ملت‌ها
- ۷۵ دشمنی دشمنان بشریت با بیداری اسلامی
- ۷۵ زوال پذیر بودن قدرتهای باطل
- ۷۷ گفتار هفتم / خطبه‌های نماز جمعه تهران در سالروز شهادت
- ۷۹ خطبه‌ی اول
- ۷۹ تقوا؛ عامل گشوده شدن همه‌ی راه‌های بسته
- ۸۰ بیداری اسلامی کشورهای عربی؛ انعکاس صدای ملت ایران
- ۸۰ انقلاب اسلامی؛ برهم زنده‌ی معادلات مستکبران
- ۸۲ توطئه‌های استکبار برای شکست انقلاب اسلامی
- ۸۲ الف) به سقوط کشاندن انقلاب
- ۸۳ ب) استحالی انقلاب
- ۸۳ ج) نفوذ عناصر ضعیف النفس در نظام
- ۸۴ بیداری نجبگان و ملت؛ عامل به شکست کشاندن توطئه‌ها
- ۸۴ تغییرات اساسی برخاسته‌ی از انقلاب

- الف) تبدیل نظام اسلام‌ستیز کشور به نظام اسلامی ۸۵
- ب) تبدیل کشور از یک وابسته به یک کشور مستقل ۸۵
- ج) تبدیل نظام سلطنتی به نظام مردم‌سالار ۸۶
- د) تبدیل کشور از وابسته‌ی علمی، صنعتی و نظامی به کشوری خودکفا ۸۷
- ه) تبدیل کشور از عنصر بی‌تأثیر به کشوری تأثیرگذار در مسائل جهانی ۸۷
- و) تغییر کشور از مقلد محض در زمینه‌ی فرهنگ ۸۸
- ثمرات انقلاب؛ پایه‌های بنای تمدنی عظیم ۸۸
- قانون اساسی و کارنامه‌ی موفقیت‌های جمهوری اسلامی؛ شکننده‌ی تابوهای غرب ۸۸
- اشتباه سیاسی غرب؛ عامل افزایش محبوبیت جمهوری اسلامی ۸۹
- ثبات و ایستادگی انقلاب، مهم‌ترین عامل برای الگو شدن آن ۹۰
- مواردی از ایستادگی انقلاب ۹۱
- الف) ایستادگی بر اسلامیت نظام ۹۱
- ب) ایستادگی بر جمهوریت نظام ۹۲
- ج) ایستادگی در استقرار عدالت اجتماعی ۹۳
- د) ایستادگی در استکبارستیزی ۹۵
- انعکاس صدای ملت ایران در مصر ۹۶
- خطبه‌ی دوم ۹۷
- توصیه‌ی به تقوا ۹۷
- حوادث مصر و تونس؛ یک زلزله‌ی واقعی ۹۷
- علت نگرانی اسرائیل از بیداری اسلامی در مصر و تونس ۹۷
- اسلام‌ستیزی و وابستگی بن علی به آمریکا دلیل قیام ملت تونس ۹۸
- مشخصات و مفاخر ملت مصر ۹۹
- خیانت‌های مبارک در مصر ۱۰۰
- عامل اصلی قیام مردم مصر ۱۰۰
- برخورد آمریکا با مهره‌های سوخته‌ی خود ۱۰۱
- خطبه‌ی عربی ۱۰۲
- بیداری اسلامی؛ زمینه‌ساز بازگشت ملت‌ها به اسلام و کرامت ۱۰۲
- قیام مصر و تونس بر سر دو راهی ۱۰۲
- لزوم ادامه‌ی انقلاب‌ها تا خروج همدی وابستگان حاکمان خائن ۱۰۳
- مفاخر مصر ۱۰۳

- بزرگترین جنایت نظام مبارک در مصر..... ۱۰۴
- علت اصلی قیام مردم مصر..... ۱۰۴
- ارتباط سرنوشت کشورهای متعلقه با فلسطین..... ۱۰۴
- خیانت مبارک: تبدیل مصر از حامی فلسطین به حامی اسرائیل..... ۱۰۵
- قیام ملت مسلمان مصر؛ یک حرکت اسلامی و آزادیخواهانه..... ۱۰۶
- تجربیات قابل استفاده‌ی قیام ملت ایران برای قیامهای مردمی..... ۱۰۶
- الف) جنگ؛ جنگ اراده‌ها..... ۱۰۶
- ب) تلاش دشمن برای ناامیدکردن مردم از رسیدن به اهداف..... ۱۰۷
- ج) تلاش دشمن بر ایجاد هراس بر مردم..... ۱۰۷
- د) اتحاد؛ سلاح ملتها برای غلبه بر دشمن..... ۱۰۷
- ه) لزوم هوشیاری در برابر فریبکاری غرب برای نفوذ مهره‌های خود..... ۱۰۸
- و) لزوم همکاری فعال علما با انقلاب..... ۱۰۸
- ز) لزوم پیوستن ارتش به ملت..... ۱۰۸
- ح) لزوم بدبینی به آمریکا..... ۱۰۸
- توطئه‌ی دشمنان برای محروم کردن ملتها از تجربیات انقلاب اسلامی ایران..... ۱۰۹
- گفتار هشتم / خطبه‌های نماز جمعه تهران + ترجمه خطبه عربی..... ۱۱۱
- خطبه‌ی اول..... ۱۱۳
- رعایت تقوا؛ عامل نزول همه‌ی الطاف الهی..... ۱۱۳
- شکر خدا و تشکر از ملت به خاطر پیروزی انقلاب اسلامی..... ۱۱۳
- خروج ملت ایران از غربت با پیروزی انقلابهای اسلامی..... ۱۱۴
- فهرست فرمایشات در خطبه..... ۱۱۴
- خطوط اساسی و دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران..... ۱۱۵
- الف) تبدیل رژیم ضد اسلام وابسته‌ی مستبد به نظام اسلامی مستقل مردم‌سالار..... ۱۱۵
- ب) به عزت رساندن ملت..... ۱۱۵
- ج) بالابردن رشد و آگاهی‌های سیاسی ملت..... ۱۱۶
- بقای شعارهای روز اول انقلاب تا کنون..... ۱۱۶
- لزوم شناخت نقاط قوت و ضعف انقلاب..... ۱۱۷
- نقاط قوت و ضعف نظام..... ۱۱۷
- الف) نقاط قوت:..... ۱۱۷
- تحقق نقاط قوت در شرایط تحریم..... ۱۲۱

۱۲۱	ب) نقاط ضعف و خطرهای بر سر راه:
۱۲۳	راهکارهای از بین بردن ضعفها
۱۲۵	حادثه‌ی مهم به‌زیر کشیده‌شدن طواغیت در جهان اسلام
۱۲۵	رای مردم مصر و تونس به اسلام؛ نشانه‌ی شکست اسلام‌هراسی غرب
۱۲۶	انزوای رژیم صهیونیستی و نشاط فلسطینیان؛ از آثار بیداری اسلامی
۱۲۶	مظلومیت ملت بحرین
۱۲۶	عدم دخالت ایران در بحرین
۱۲۷	ضعف و شکست همه‌جانبه‌ی آمریکا
۱۲۸	ضعف اروپاییان در زمینه‌ی سیاسی و اقتصادی
۱۲۸	شکست غرب در تحریم ایران
۱۲۸	فواید تحریمها برای ایران
۱۲۹	الف) خوردگفایی
۱۲۹	ب) شکسته‌شدن هیئت غرب در جهان با توجه به ایستادگی ایران
۱۳۰	پیش‌بینی نهضت عظیم اجتماعی در اروپا
۱۳۰	ضرر تهدید نظامی ایران برای آمریکا
۱۳۱	پاسخ ایران؛ تهدید در برابر تهدید
۱۳۱	ثمره‌ی حضور مردمی برای کشور
۱۳۲	تلاش دشمن برای بحرانی نشان دادن کشور
۱۳۲	لزوم انجام رقابت سالم در انتخابات
۱۳۲	تذکر به شورای نگهبان در بررسی صلاحیتها
۱۳۳	ضرورت تسلیم بودن در برابر قانون
۱۳۳	نبود ملازمه بین رد صلاحیت برای نامزدی مجلس با رد صلاحیت کلی
۱۳۴	لزوم هوشیاری نسبت به توطئه دشمن در امر انتخابات
۱۳۴	خطبه‌ی دوم
۱۳۵	ترجمه‌ی خطبه‌ی عربی
۱۳۵	بیداری اسلامی با ضربه‌ی بر جبهه‌ی آمریکا و صهیونیستها
۱۳۶	الهام جوانان غربی از بیداری اسلامی
۱۳۶	بیداری اسلامی با بازگشت به اسلام
۱۳۶	درست‌ترین راه؛ ترکیبی از معنویت، عدالت، عقلانیت و مردم‌سالاری
۱۳۷	خصوصیت طواغیت رژیمهای عربی

۱۳۷	جنبشی اسلامی با شعار الله اکبر
۱۳۷	تلاش غرب برای تبدیل انقلاب به ضد انقلاب
۱۳۸	تلاش غرب برای تحریف مبانی و معارف اسلامی
۱۳۸	تشکیل دو قطبی مستضعفین و مستکبرین
۱۳۸	چشم همه به بیداری اسلامی از جزیره العرب تا شمال آفریقا
۱۳۹	سه گروه در اطراف انقلابها
۱۳۹	۱. آمریکا، ناتو، رژیم صهیونیستی و متحدین و وابستگانشان در برخی رژیمهای عربی
۱۴۰	۲. ملتها و جوانان
۱۴۲	۳. احزاب و نخبگان سیاسی
۱۴۳	دو آفت پیروزی؛ غرور و ساده‌انگاری
۱۴۳	ضرورت پرهیز از اعتماد کردن به آمریکا و ناتو
۱۴۴	خواست ملتها از نخبگان؛ بازگشت به اسلام حقیقی در برابر اسلام تکفیری و لائیک
۱۴۵	دموکراسی مطلوب و نامطلوب
۱۴۵	سلفی‌گری صحیح
۱۴۵	لزوم بدبینی به اسلام مطلوب غرب
۱۴۶	غرب در صدد انتقام از ملت‌های انقلابی
۱۴۶	اعلام آمادگی نظام و ملت ایران برای همکاری با نهضت‌های اسلامی
۱۴۶	حقیقت در مورد ایران
۱۴۶	الف) ایستادگی بی‌سابقه در دفاع از اسلام و مسلمین
۱۴۷	تهمت امپریالیسم ایرانی و شیعی به انقلاب اسلامی
۱۴۷	ب) تغییر معادله‌ی مقاومت در منطقه
۱۴۸	هدف ایران؛ احیاء امت اسلامی و نه شیعی کردن مسلمین
۱۴۹	گفتار نهم / بیانات در اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی
۱۵۱	تعریف بیداری اسلامی
۱۵۱	تکیه‌ی تحولات بزرگ اجتماعی بر پشتوانه‌های تاریخی، معرفتی و تجربه‌ای
۱۵۲	جایگاه انقلاب اسلامی ایران در تحولات منطقه
۱۵۲	بیداری اسلامی؛ جریانی ریشه‌دار و نه موجی گذرا
۱۵۲	خلاصه‌ی مطالب
۱۵۳	قیام‌های اسلامی اخیر؛ قیام‌هایی مردمی
۱۵۴	انتظار تحقق زودتر قیام از ملت مصر

۱۵۴	پیش‌بینی موفقیت هم‌دی نهضت‌های مردمی
۱۵۵	اصول انقلاب‌های مطلقه
۱۵۵	۱. احیاء و تجدید عزت و کرامت ملی
۱۵۵	۲. برافراشتن پرچم اسلام
۱۵۵	۳. ایستادگی در برابر نفوذ و سلطه‌ی آمریکا و اروپا
۱۵۵	۴. مبارزه با رژیم غاصب و دولت جعلی صهیونیست
۱۵۶	مردمی بودن این انقلابها؛ مهمترین عنصر در تشکیل هویت آنها
۱۵۶	تأثیر مخرب دخالت غرب در لیبی
۱۵۶	مردم و نخبگان انقلابی صاحب انقلابها
۱۵۶	راه مصونیت در برابر خطرها
۱۵۷	دسته‌بندی آسیب‌های نهضتها
۱۵۷	آسیب‌های درونی
۱۵۸	آسیب‌های بیرونی
۱۶۰	بیان تجربه‌هایی به ملت‌های انقلابی
۱۶۰	الف) برداشتن موانع با توکل و خرد و عزم و شجاعت
۱۶۱	ب) بازخوانی دائمی اصول انقلاب
۱۶۱	ج) پرهیز از اختلافات مذهبی و قومی
۱۶۲	د) نظام‌سازی بر اساس مبانی اسلام با هدف ایجاد تمدن اسلامی و آزادی فلسطین
۱۶۲	هـ) اعتماد به نسل جوان و استفاده از تجربه‌ی پیران
۱۶۳	دو نکته‌ی مهم
۱۶۳	لزوم تشکیل نظام مردمسالار دینی
۱۶۳	ب) لزوم تمییز اسلام‌گرای با تحجر و تعصب‌های جاهلانه
۱۶۳	جلو بردن بیداری اسلامی با تقوا، سرپیچی از فرمان کافران و منافقان
۱۶۵	گفتار دهم / بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی «جوانان و بیداری اسلامی»
۱۶۷	جوانان انقلابی؛ حاملان بشارت‌های بزرگ برای آینده
۱۶۷	بشریت بر سر بیج بزرگ تاریخی تحول از سیطره‌ی دیکتاتوری
۱۶۸	قیام بر ضد دیکتاتورهای وابسته؛ مقدمه‌ی قیام علیه دیکتاتوری جهانی
۱۶۸	عدم استبعاد شکست دیکتاتوری جهانی
۱۷۰	احساس ناتوانی استکبار جهانی در برابر بیداری اسلامی
۱۷۰	مبارزه‌ی با استکبار؛ مبارزه‌ی هم‌تها و اراده‌ها

۱۷۱	پیشرفت جمهوری اسلامی به برکت اسلام و تلاش جوانان
۱۷۱	آفت تهاجم فرهنگی؛ دو تصور غلط و انحرافی
۱۷۲	این قرن؛ قرن اسلام و معنویت
۱۷۲	توطئه دشمن در مقابل ضربه‌ی بیداری اسلامی
۱۷۲	وعده‌ی نصرت الهی برای ملت‌های مقاوم
۱۷۳	نهضت اسلامی فراتر از مذاهب و قومیتها با اهداف مشترک
۱۷۳	حرکت در مسیر منافع اسرائیل و امریکا؛ ملاک نادرستی حرکت
۱۷۴	تلاش دشمن بر مزوی کردن مردم بحرین
۱۷۴	استقامت؛ رمز پیروزی
۱۷۵	آفاق روشن آینده‌ی حرکت
۱۷۷	گفتار یازدهم / بیانات در کنفرانس حمایت از انتفاضه فلسطین
۱۷۹	فلسطین؛ مسئله‌ی اول در میان هم‌دلی موضوعات مشترک کشورهای اسلامی
۱۷۹	مشخصات منحصر به فرد مسئله‌ی فلسطین
۱۷۹	۱. غصب یک کشور و تشکیل جامعه‌ای جعلی
۱۸۰	۲. جنایت و اهانت بی‌سابقه
۱۸۰	۳. توهین و تخریب قبله‌ی اول و مراکز دینی
۱۸۰	۴. اسرائیل؛ پایگاه نظامی و سیاسی استکبار در قلب جهان اسلام
۱۸۰	۵. خطر اخلاقی، سیاسی و اقتصادی اسرائیل برای بشریت
۱۸۰	۶. هزینه‌ی مالی و انسانی سنگین ظلم بر فلسطین برای جهان اسلام
۱۸۱	۷. نهضت بیداری اسلامی با انگیزه‌ی دشمنی با اسرائیل
۱۸۱	ظلم اسرائیل، همراهی حکام وابسته و پیروزی مقاومت از عوامل بیداری اسلامی
۱۸۲	نگاهی به گذشته و حال و ترسیم نقشه‌ی راه برای آینده
۱۸۲	گذشته‌ی خونبار فلسطین
۱۸۳	علت اساسی شکست سازمان آزادی بخش فلسطین؛ دوری از اسلام
۱۸۴	انحراف مبارزان و خیانت دولتهای عرب
۱۸۴	از هدفهای انقلاب اسلامی؛ آزادی سرزمین فلسطین و قطع غده‌ی سرطانی اسرائیل
۱۸۵	مبارزه با تکیه بر ایمان در فلسطین بعد از انقلاب اسلامی ایران
۱۸۵	قراردادهای ننگین سران عرب برای خاموش کردن شعله‌ی مقاومت
۱۸۶	نصرت الهی برای مقاومتان مسلمان
۱۸۷	دو نکته‌ی اساسی

- هدف ما آزادی همهی فلسطین و حذف اسرائیل و تحقّق شعار از نهر تا بحر ۱۸۷
- لزوم بکارگیری صبر و تدبیر برای آزادی فلسطین ۱۸۸
- طرح جمهوری اسلامی برای حل قضیهی فلسطین ۱۸۸
- وظیفهی دولتهای اسلامی در قطع روابط آشکار و پنهان با اسرائیل ۱۸۹
- تکلیف سازمانهای مقاومت اسلامی ۱۸۹
- غرب بر سر دو راهی در قبال مسئلهی فلسطین ۱۹۰
- چرایی اعلام امنیت اسرائیل به عنوان خط قرمز آمریکا ۱۹۰
- تهدید واقعی برای اسرائیل؛ عزم مسلمانان و نه موشکهای ایران و مقاومت ۱۹۱

برقراری نظام جمهوری اسلامی به تعبیررسای بنیانگذار آن، حضرت امام خمینی (ره)، از نعمت های بزرگ الهی بر مردم این سرزمین و تمامی مستضعفین جهان بوده است. مروری بر تاریخ پرافتخار این نهضت و شکل گیری نظام مقدس جمهوری اسلامی به روشنی نقش و تأثیر اصل مترقی ولایت فقیه و رهبری حکیمانه ی حضرت امام (ره) و پس از آن حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه ای، رهبر انقلاب اسلامی، را در هدایت انقلاب در دوران حوادث گوناگون روزگار نشان میدهد. مؤسسه ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی که وظیفه ی حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری را برعهده دارد، در اجرای همین وظیفه اقدام به انتشار کتابهای موضوعی به منظور نشر بیانات، دیدگاه ها و رهنمودهای معظم له در مقاطع، مناسبتها و موضوعات مختلف می نماید.

کتاب حاضر شامل یازده گفتار از بیانات مقام معظم رهبری در سالهای گذشته است که موضوع اصلی و مشترک آنها ریشه ها، زمینه ها، علل و تحلیل جریان اصیل بیداری اسلامی در جهان اسلام می باشد.

مطالعه ی این بیانات که تنها بخش کوچکی از تحلیل ها و نظرات معظم له که در سالهای مختلف است بخوبی نشان دهنده ی اصالت بیداری اسلامی، نقش انقلاب اسلامی در آن، و تحقق وعده های تخلف ناپذیر الهی در هدایت ها و امدادهای خداوند متعال نسبت به حرکتهای منطبق با فطرت مسلمانان در بیداری و احیای حقوق و ارزشهای غارت شده به دست مستکبران در طول تاریخ می باشد.

لازم به ذکر است که بزودی مجموعه کامل دیدگاهها و بیانات مقام معظم رهبری در موضوع بیداری اسلامی از سوی همین مؤسسه منتشر خواهد شد. انشاءالله

و من الله التوفیق

گفتار اول: بیانات در دیدار میهمانان خارجی مراسم دهه ی فجر انقلاب اسلامی

اشاره

۱۷/۱۱/۱۳۶۹

ص: ۱۷

اولاً- به همه ی شما برادران و خواهران و میهمانان عزیز جمهوری اسلامی خوشامد میگویم و امیدوارم که ان شاءالله پیوند برادری و صمیمیت بین مسلمین عالم، بر اساس تعالیم بلند قرآن، روزه روز مستحکم تر شود.

اثبات سخنان انقلاب در جهان

این روزها برای ملت ایران و نیز برای همه ی کسانی که حقیقت این انقلاب بزرگ را شناختند و قدر آن را دانستند، روزهای خاطره انگیز بسیار بزرگی است. دوازده سال از آن روزهای درخشان میگذرد. انقلابی که مثل این روزها به رهبری قائد عظیم الشان و امام بزرگوار ما (رضوان الله تعالی علیه) بر اصول قرآن و پایه های اسلام، در این سرزمین و میان این ملت واقع شد، روزه روز ابعاد گسترده تری پیدا کرده است و سخن انقلاب در تجربه های این دوازده سال، یکایک و پی در پی به ثبوت رسیده است.

اولین سخن انقلاب؛ آغاز حاکمیت ارزشهای معنوی

اولین سخن این انقلاب این بود که دوران حاکمیت ارزشهای معنوی آغاز شده است. کسانی که بتوانند این حرف را بفهمند و باور کنند، کم بودند؛ چون دنیا را امواج مادیگری و قدرتهای مبتنی بر مادیت قبضه کرده بودند. امروز کسانی که این حقیقت را لمس میکنند و میفهمند، بسیارند. امروز در همه جای عالم ارزشهای معنوی رو به احیاء شدن مجدد هستند و بسیاری از آنها احیاء شده اند و مادیگری در شکلهای مختلفش - چه به شکل تفکرات مارکسیستی، و چه به شکل خطرناک تر آن؛ یعنی حاکمیت ماده، توأم با پول و زور و تبلیغات، که در استکبار

جهانی و بیش از همه در حکومت آمریکا متجلی است - ناکامی و ناتوانی خود را نشان داده است.

دومین سخن انقلاب؛ عجز قدرتهای مادی از مقابله با ارادهی انسانها

پیام دیگر انقلاب ما این بود که قدرتهای مادی از مقابله ی با ارزشهای معنوی و حرکت و اراده ی انسانها عاجزند. امروز کسانی که در دنیا این حقیقت را نفهمیده باشند، کمند؛ مگر آنهایی که به حوادث عالم با دقت نظر نمیکنند. بزرگترین نشانه ی ضعف دستگاه های استکباری متکی به قدرت مادی همین است که این انقلاب و این نظام و اسلام ناب در کشور ایران اسلامی ماند و روزه روزه قوی تر و ریشه دارتر شد. اینکه یک نظام اسلامی در عالم به وجود بیاید و بتواند بماند و روزه روزه قوی تر شود، نشانه ی پوچی و ناتوانی قدرتهای مادی است؛ زیرا آنها صبر و تحمل نمیکنند و نمیتوانند بگذارند چنین قدرتی بماند؛ با همه ی توان با آن روبه رو میشوند و شدند.

دوازده سال است که دستگاه های استکبار با همه ی وسایل میسور برای خودشان، در مقابله ی با اسلام انقلابی و انقلاب اسلامی به میدان آمده اند. امروز که برای تبلیغات غربی و صهیونیستی زمینه اقتضاء میکند، بسیاری از اسرار هشت سال جنگ تحمیلی علیه ما، افشاء میشود. امروز همه اعتراف میکنند که در طول هشت سال که همسایه ی ما به مرزهای جمهوری اسلامی تجاوز کرده بود، با انواع وسایل به او کمک کردند. آنچه ما در طول هشت سال جنگ میگفتیم که همه ی دستگاه های استکباری پشت سر متجاوز قرار دارند، امروز در سخن خود آنها به اثبات میرسد.

در عین حال جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی و پیام اسلام ماند و عمیق تر شد و گسترش پیدا کرد. شما امروز در آسیا و آفریقا و مناطق دیگری که مسلمانان در آنجا هستند، نشانه های تمایل و رغبت شدید مسلمانان برای بازگشت به مبانی اسلام را می بینید؛ این معنایش این است

که جبهه‌ی استکبار قادر به مقابله نیست.

امروز؛ روز فداکاری همی مسلمان برای اسلام

اما این کافی نیست. من به شما برادران و خواهران و به همه‌ی مسلمانان، بخصوص کسانی که میتوانند در هدایت توده‌های مردم نقشی ایفاء کنند، عرض میکنم؛ امروز روزی است که اسلام به فداکاری و اقدام همه‌جانبه‌ی ملت‌ها احتیاج دارد؛ امروز روزی است که استکبار با خبیث‌ترین و پلیدترین چهره‌اش، خود را در مقابل ملت‌ها به نمایش در آورده است؛ امروز روزی است که استکبار با غرور تمام آماده است که ملت‌ها و کشورهایی را در راه مطامع خود قربانی کند.

شما بینید در همین منطقه‌ی خلیج فارس قدرتهای غربی چه میکنند. آنها برای دست یافتن به منافع خودشان، بر انسان و حیوان و محیط زیست و فضا و آب دریا و به هیچ چیز دیگر ابقاء نمیکنند. امروز قدرت مستکبر آمریکا برای همه‌ی ملت‌های دنیا یک خطر، آن هم یک خطر جدی شده است. دولتی که به خود حق میدهد در همه‌ی مسائل جهانی، مسائل کشورها و مسائل مناطق مختلف دخالت کند و قدرتمندانه و قلدرانه حرف خود را به کرسی بنشاند، وقتی چنین قلدری‌ای در سطح دنیا مجاز و مشروع شناخته شود، برای ملت‌ها مجال زندگی باقی نمیماند. به حدی قانع نیستند و در جائی متوقف نمیشوند. در زیر سایه‌ی خود، لاشخورها و نوکرصفت‌ها و مطیع‌ها را علیه ملت‌ها تجهیز میکنند و کرده‌اند و خواهند کرد و بیشتر خواهند کرد؛ مگر اینکه ملت‌ها با استعانت از اسلام در مقابل اینها بایستند.

دو وظیفه‌ی دنیای اسلام؛ احساس خطر استکبار و احساس توانمندی برای مقابله با استکبار

دنیای اسلام باید دو چیز را احساس کند: اول، خطر جدی و بسیار بزرگی که از ناحیه‌ی استکبار جهانی - امروز و بخصوص و بیش از همه

آمریکا - وجود و حیثیت و اسلام و حیات و استقلال او را بیش از همیشه تهدید میکند. اینها امروز بدتر و وحشی تر و متجاوزتر از گذشته شده اند و بیشتر خواهند شد. دنیای اسلام این خطر را باید احساس کند. صهیونیستها و رژیمهایی که در دست آنها و زیر بالشان هستند و همچنین بسیاری از پادشاهان و رؤسائی که منافع خودشان را در اتصال به آمریکا و استکبار جهانی و حاکمیت غرب تشخیص داده اند، دشمنان بالفعل و نقد دنیای اسلام هستند و خطر بزرگی برای ملت‌های مسلمان و دنیای اسلام محسوب میشوند. البته بحمدالله دنیای اسلام بیدار شده است و امروز این خطر را به میزان زیادی احساس میکند.

نکته ی دوّم این است که اگر مسلمانان اراده کنند، میتوانند این خطر را مهار بزنند و متوقف کنند. ابرقدرتها وانمود کرده بودند که اراده ی آنها تخلف ناپذیر است. یک بار در انقلاب ما، یک بار در طول هشت سال جنگ تحمیلی، و بارها در حوادث گوناگون، و امروز در قضایای خلیج فارس، بوضوح معلوم شد که این ادعا پوچ است. ابرقدرتها با تشر و هیبت و ابهت ابرقدرتی کارشان را از پیش میبرند؛ و الاّ از لحاظ قدرت محسوس و ملموس اگر ملتی بخواهد و اراده کند، میتواند آنها را ناکام کند.

امروز در خلیج فارس تجربه ی دیگری نشان داده میشود. معلوم شد آنطور که ادعا میشد و آمریکا خیال میکرد و ادعا و محاسبه میکرد - که مثل بسیاری از مواقع، این محاسبه هم غلط از آب در آمد - نتوانست ظرف چند روز کارش را از پیش ببرد. چند ماه انتظار و الاّ این هم هفته ها جنگ؛ معلوم میشود قدرت اینها آن نیست که تبلیغ و وانمود میکنند؛ آن نیست که میخواهند ملت‌ها آن را باور کنند؛ اینها ضعیف تر از این حرف‌ها هستند. بنابراین همه ی ملت‌ها و دولتها و کشورها در آفریقا و آسیا و در همه ی مناطق دیگر عالم، حتی آنجائی که مسلمانان در اقلیت هستند، میتوانند در مقابل آمریکا بایستند و از تحمیلها شانه خالی کنند.

لزوم قیام مسلمین برای احیای اسلام و تأمین استقلال

ملت‌های اسلامی برای احیای اسلام، برای تجدید حیات عملی اسلام، برای کم کردن نفوذ دشمن، برای تأمین استقلال ملت‌های خودشان و برای وحدت بزرگ اسلامی و ایجاد قدرت عظیمی که ملت‌های مسلمان میتوانند به وجود بیاورند، باید قیام کنند. امروز این یک مسئولیت و یک وظیفه به عهده ی آحاد ملت، مخصوصاً علما و روشنفکران و گویندگان و جوانان آگاه و هوشمند و همه ی کسانی است که میتوانند در این راه نقشی ایفاء کنند.

تجربهای جمهوری اسلامی؛ مشوق ملت‌ها

جمهوری اسلامی نشان داد که میشود حرکت و ایستادگی کرد. تمام نیروهای عالم در مقابل امام راحل عظیم الشان ما ایستادند و او با اتکاء و توکل به خدا و با پشتیبانی ملت‌ش توانست یکنه همه ی این نیروها را شکست دهد و نام اسلام و انقلاب اسلامی را در عالم بلندآوازه کند. ملت‌ها میتوانند. اسلام و مسلمین میتوانند پیش بروند. امروز این مسئولیت و وظیفه ی ماست و جمهوری اسلامی این راه را ادامه داده است و ادامه خواهد داد. تجربه های شیرین و هیجان انگیز و موفقیت آمیز ما مشوق این ملت است، برای اینکه راه خدا و اسلام و قرآن را همچنان ادامه دهد.»

امیدواریم که خداوند متعال به همه ی ما و همه ی ملت‌های مسلمان توفیق دهد و شر دشمنان را با اراده و جهاد و مبارزه ی قدرتمندانه ی ملت‌های مسلمان از سر ملت‌های اسلامی کوتاه کند و ان شاءالله دل‌های مسلمین بیش از پیش با هم مهربان باشند.

والسلام علیکم ورحمهالله و برکاته

گفتار دّوم : پیام به مناسبت برگزاری کنگره عظیم عبادی سیاسی حج

اشاره

۰۴/۰۲/۱۳۷۵

ص: ۲۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

و الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سى-دالاولين و الاخرين محمد المصطفى و آله الميامين و السّلام على بقيهائه فى الارضين.

حج؛ سرچشمه ی جوشان تقوی و معنویت و خیر و برکت

حج، سرچشمه ی جوشان تقوی و معنویت و خیر و برکت، همه ساله تا ابد، فیضان خود را بر جهان اسلام و بر یکایک مسلمانان موفق جاری می سازد تا هر کس و هر مجموعه، به اندازه ی ظرفیت و قابلیت خود از آن بهره بگیرد.

حجاج بیت الله الحرام، تنها بهره مندان از این سرچشمه ی فیاض نیستند. اگر این فریضه ی عظیم به درستی شناخته و عمل شود ملتها و آحاد مسلمان در همه جای جهان، مشمول برکات آن خواهند شد.

هوسها و تردیدهای درونی و دشمنان؛ دو آسیب جوامع بشری

«افراد و مجموعه های بشری همواره از دو سو آسیب می بینند، اول از درون خود که منشاء آن ضعفهای بشری و هوسهای مهار گسیخته و تردیدها و بی ایمانی ها و خصصلتهای منهدم کننده است، و دوم از دشمنان بیرونی که بر اثر طغیان و افزون طلبی و تجاوز و ددمنشی، محیط زندگی را بر انسانها و ملتها تنگ و فشار آلود می سازند و با جنگ و ظلم و تحمیل و زور گویی، بلای جان آنان می شوند.

محیط اسلامی - چه افراد و چه ملتها - همواره در معرض این دو گونه تهدید قرار داشته و امروز بیش از همیشه قرار دارد. ترویج متعمدانه ی فساد در کشورهای اسلامی و تحمیل فرهنگ غربی که از سوی برخی رژیم های وابسته نیز به آن کمک می شود و از رفتار فردی تا

شکل شهرسازی و محیط عمومی زندگی و مطبوعات و غیره را در بر می گیرد، از یکسو و فشارهای نظامی و سیاسی و اقتصادی بر بعضی ملت‌های مسلمان و کشتارهای لبنان و فلسطین و بوسنی و کشمیر و چینستان و افغانستان و غیره از سوی دیگر، شاهد بارز وجود این دو گونه تهدید در محیط‌های اسلامی است.

حج؛ عامل دور سازندهی آسیب‌های درونی و دشمنان خارجی

حج، آن شط همیشه جاری و آن عطیه‌ی بی زوال الهی است که مسلمانان تا ابد می‌توانند غبار رنج و مرارت و آلودگی و بیماری خود را در آن بسترند، و به کمک این ذخیره‌ی ابدی، هر دو نوع آسیب‌پذیر را در همه‌ی زمانها از خود دور سازند.

در حج، عنصر تقوا و ذکر و حضور و خشوع و توجه به حق متعال، متکفل مقابله با تهدید اول است و عنصر تجمع و وحدت و احساس عظمت و قدرت در امت بزرگ اسلامی که حج مظهر آن است، عهده دار مقابله با تهدید دوم.

هر چه این دو جنبه در حج تقویت شود، مصونیت و مقاومت افراد و جامعه‌های اسلامی در مقابل آن دو گونه تهدید، بیشتر خواهد شد. و هر گاه یکی از این دو جنبه یا هر دو، ضعیف یا منتفی گردد، به همان نسبت امت اسلامی - چه افرادش و چه ملت‌ها و کشور‌هایش - آسیب‌پذیرتر می‌گردند.

در متون شرع مقدس اسلام و در نص قرآن کریم، به هر دو جنبه‌ی حج تصریح شده و برای چشم‌های بینا و دل‌های با انصاف، جای تردید گذاشته نشده است. در کنار فرمان: «فاذکروا الله کذا کرکم آباءکم او اشد ذکراً»، دستور: «و اذان من الله و رسوله الی الناس یوم الحج الاکبر ان الله بری من المشرکین و رسوله» آمده، و هماهنگ با کریمه‌ی حکمت آمیز: «لن ینال الله لحومها و لادماؤها و لکن یناله التقوی منکم کذا لکم سخرها لکم لتکبروا الله علی ما هداکم و بشرالمحسنین» آهنگ امید بخش: لیشهدوا منافع لهم نازل گردیده است.

هر توصیه و تبلیغ و کوشش برای کمرنگ کردن یا کنار گذاشتن هر یک از این دو جنبه، مقابله با آیات و فرامین قرآن کریم است.

هیچ خسارتی برای اُمّت اسلامی، سنگین تر از آن نیست که تعالیم و رهنمودهای اسلام که ذخیره های حیاتی ابدی برای مسلمانان و همه ی بشریت است، دستخوش غفلت و جهالت رهبران دینی و سیاسی آنان گردد و مجال بهره مندی مردم از آن، سلب شود.

حج یکی از این ذخیره های ابدی است، و بر همه ی مسلمین واجب است که آن را بهتر شناخته و بیشتر مورد بهره برداری اُمّت اسلامی قرار دهند.

تهدیدهای نابودکننده در برابر جهان اسلام

امروز جهان اسلام دچار مشکلات بزرگ و تهدید کننده یی است که اگر مسلمانان با نیروی ایمان و مجاهدت و توکل و با همتهای بلند و چشمهای باز و استفاده از ذخائری که خداوند در این دین حنیف قرار داده است، این مشکلات را بر طرف نسازند دشمنان مستکبر اسلام که به سلاح قدرت سیاسی و نظامی و تکنولوژی مسلح اند، هر روز دایره ی مشکلات را تنگتر خواهند کرد و آزادی و نجات را برای ملت‌های اسلامی باز هم دهها سال بلکه قرن‌ها به عقب خواهند انداخت و شاید برخی ملت‌ها را بکلی استحاله کرده، خصوصیت اسلامی آنان را با تحمیل و ترویج نیمه ی فاسد و مفسد فرهنگ غربی، بتدریج نابود خواهند ساخت.

فهرستی از مشکلات و امکانات دنیای اسلام

امروزه - پس از قیام جمهوری اسلامی در کشور ایران و شکوفا شدن نهضت بیداری اسلامی در بسیاری از کشورهای اسلامی - پرده از روی بسیاری از حقایق تلخ و شیرین برداشت شده و افراد زیادی در سراسر جهان اسلام قادر بر تحلیل حوادث و فهم واقعیات اند. ولی باید قبول کرد که دست جادویی تبلیغ رادیو و تلویزیون و مطبوعات که در سطح

جهان، عمدتاً از آستین صهیونیستها و همکاران غربی شان و احیاناً مزدوران ظاهراً مسلمان دولتهای مستکبر، خارج می شود، بسیاری از حقایق روشن را واژگونه می سازد. لذا بجاست که فهرست مجملی از مشکلات و نیز امکانات دنیای اسلام آورده شود:

امکانات جهان اسلام

در بخش امکانات باید از جمعیت یک میلیارد و چند صد میلیونی مسلمین آغاز کرد که بیش از پنجاه دولت، و سرزمین گسترده یی در میانه ی اقیانوس آرام و اقیانوس اطلس را در اختیار دارند. در میان این جمعیت عظیم، ملت‌هایی که معروف به هوش سرشارند. و تمدن‌هایی که دارای سابقه ی چند هزار سال است، و شخصیت‌های بارز علمی و سیاسی وجود دارند. این مجموعه که نامش امت اسلامی است دارای فرهنگی غنی با میراثی زخار و همراه با شکوفایی و درخشندگی استثنایی است و در عین تنوع و گوناگونی گسترده، از وحدت و هم آهنگی شگفت آوری بهره مند است که از احاطه و نفوذ اسلام و توحید خاص و خالص آن در همه ی اجزاء و ارکان و زوایایش، پدید آمده است. این ملت‌های برادر و هم‌دل که از نژادهای سیاه و سفید و زرد تشکیل شده و به دهها زبان سخن می گویند، همه خود را اجزاء برابر امت بزرگ اسلامی می دانند و به آن افتخار می کنند و همه روزه به یک مرکز رو کرده با یک زبان خدا را نیایش کرده، از یک کتاب آسمانی درس و الهام می گیرند. و آن کتاب آسمانی متضمن تبیین همه ی حقایق و مشتمل بر دستور همه ی نیازها و تکالیف آنهاست: «و نزلنا علیک الکتاب تبیاناً لکل شیء و هدی و رحمه و بشری للمسلمین» منطقه ی جغرافیایی این مجموعه ی بشری، یکی از غنی ترین - اگر نگوییم غنی ترین - سرزمینهای جهان از لحاظ منابع طبیعی است، و بطور ویژه منابع نفت آن پشتبان تمامی چرخ و پر تمدن ماشینی امروز جهان است، یعنی اگر این مجموعه برای چند ماه نفت خود را به روی مشتریان ببندد، بیشترین بخش جهان و از جمله کشورهایی که دولتهای

آنان از قرن‌ها و هم اکنون، سرنوشت ملت‌های مسلمان را بازیچه‌ی آزمندی و زورگویی خود کرده‌اند، در تاریکی و سرما و واماندگی غرق خواهند شد.

بجز اینها، فهرست امکانات امت اسلامی، مشتمل بر صدها عنوان و سرفصل برجسته‌ی انسانی، فرهنگی، مادی و اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است که هر کسی با ژرف بینی و بازنگری می‌تواند از آن آگاه شود.

مشکلات جهان اسلام

اکنون به مشکلات بزرگ این مجموعه‌ی عظیم - یعنی امت اسلامی - نظر بیفکنیم؛ مشکلاتی که موجب شده است این واحد پر استعداد، نتواند از آنهمه امکانات استثنایی و کارساز بهره‌برد و در نتیجه ملت‌ها و کشورهای اسلامی از قافله‌ی دانش بشری عقب؛ و از ثروت عظیم مادی خود بی‌بهره؛ و در مسابقه‌ی بزرگ فرهنگی جهان، مقهور فرهنگ‌های بیگانه؛ و در عرصه‌ی سیاست بین‌المللی، تابع دیگران؛ و از لحاظ نظامی غالباً در معرض تجاوز و سرکوب قدرتهای استکباری، بوده باشد.

این مشکلات که بیشتر بر اثر کوتاهی و غفلت یا بد کرداری و خیانت از درون امت اسلامی، پدید آمده است، فهرست طولانی‌یی را تشکیل می‌دهد، که به عنوان ردیف‌های اول آن می‌توان اینها را بر شمرد:

- اختلافات فرقه‌یی که بیشتر به وسیله‌ی علمای سوء و نویسندگان مزدور ترویج و تشدید می‌شود.

- اختلافات قومی و ملی ناشی از ملی‌گرایی افراطی که بیشتر به دست روشنفکران وابسته دامن زده می‌شود.

- تسلیم در برابر قدرتهای مداخله‌گر که برخی کشورها را به اقمار قدرتهای بزرگ بدل ساخته است.

- تسلیم در برابر فرهنگ فاسد غرب و حتی ترویج آن با انگیزه‌های سیاسی یا عقیدتی.

- بی‌اعتقادی و بی‌اعتنایی برخی از دولتها به مردم خود و اراده و

عقیده و نیازهای آنان، و خودکامگی در برابر آنان.

- مرعوب بودن بسیاری از شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی دنیای اسلام از قدرتهای مسلط جهان و امروز مشخصاً از امریکا.

- حضور دولت غاصب صهیونیستی در قلب منطقه ی اسلامی که خود عامل بسیاری از مشکلات دیگر است.

- ترویج جدایی دین از سیاست و معرفی اسلام به عنوان یک تجربه ی فردی که هیچ کاری به مسائل زندگی از قبیل: حکومت و سیاست و اقتصاد و غیره ندارد.

اینها و دهها مشکل بزرگ و اساسی دیگر که غالباً با وجود ریشه های تاریخی، در صورتی که رهبران سیاسی و دینی از خود اخلاص و همت و آزادگی نشان می دادند قابل علاج می بود، منشأ گرفتاریهای کنونی جهان اسلام شده و در پی خود، فقر و جهل و تبعیض و فرو دستی سیاسی و عقب ماندگی و جنگ و ویرانی و خرافه و تعصب به ارمغان آورده است.

ظرفیت حج برای درمان مشکلات جهان اسلام

سخن آن است که حج اگر درست و کما فرض الله اقامه شود قادر است همچون دارویی شفابخش، همه ی این بیماریهای اصلی و علت‌های ناکامی را درمان کند. این کار یکباره اتفاق نمی افتد، ولی در طول سالهای دراز، اجتماع میلیونی برادران و خواهران از چهار گوشه ی جهان اسلام در یک نقطه، آنهم در عرصه ی اعمالی هماهنگ و پر معنی، و در زیر لوای با عظمت توحید، و همراه با تجدید خاطره های صدر اسلام و یاد آوری بدر و احد، و زیارت مسجدی که نغمه ی روح بخش آیات قرآن از حنجره ی مبارک رسول الله (صلی الله علیه و آله) هنوز از در و دیوار آن به گوش می رسد، و نوای پر قدرت الله اکبر مجاهدان صدر اسلام در آن موج می زند، و در فضایی لبریز از ذکر و حضور و مناجات خدای عزوجل، که انسانها را از نفس ضعیف و خود خواه و کج اندیش جدا

کرده، به معدن مجد و عظمت و قدرت ربوبی متصل می سازد سرچشمه ی شفابخشی است که دلها را قوی، و همتها را بلند، و اراده ها را استوار، و جانها را سرشار از اعتماد، و دیده ها را وسیع، و آرمانها را نزدیک، و برادران را متحد، و شیطان را خوار، و کید او را ضعیف می سازد.

آری، حج درست و کامل، حج توحیدی، حجی که منبع عشق به خدا و مؤمنین و برائت از شیطانها و بتها و مشرکین باشد، رشد همه ی مشکلات امت اسلامی را ابتدا متوقف و سپس آن را مرتفع می سازد و منشأ عزت اسلام و شکوفایی زندگی مسلمین و استقلال و آزادی کشورهای اسلامی از شر اجانب می شود.

حج؛ در صدر اقدامات بین المللی حکومت جمهوری اسلامی

بر پایه ی همین درک درست از اهمیت حج بود که پس از پیروزی انقلاب کبیر اسلامی در ایران، مسأله ی حج در صدر اقدامات بین المللی حکومت جمهوری اسلامی قرار گرفت و دولت کریمه، جنبه ی سیاست الهی این فریضه را که مظهر عزت و قدرت حضرت حق است با جنبه ی عبادت الهی آن که جلوه گاه غفران و رحمت ربوبی است، به هم آمیخته، حج امروز را به حج صدر اسلام نزدیک ساخت، و به عنوان نمادی از این همه، مراسم برائت از مشرکین را در حج، بار دیگر زنده کرد و تاکنون با وجود همه ی سختگیری های سیاسی و شدت عملهای ناشی از انگیزه های غیر اسلامی، این وظیفه ی اسلامی را دنبال کرده است.

جمهوری اسلامی به عنوان نظامی که علیرغم تبلیغات و تلاشهای ضد اسلامی صد سال اخیر، حیات و پویایی و قدرت اسلام را در اداره ی جوامع عظیم بشری، ثابت کرده است، به حج نه همچون وسیله یی برای خود، بلکه همچون عرصه یی برای بیداری مسلمین و دمیدن روح تقوا و ایمان به اجرای شریعت اسلام و عزت و استقلال مسلمانان جهان، نظر

نفی جامعیت حج؛ نفی عزت و استقلال مسلمین

آنان که تحرک و جامعیت حج را نفی و رد می کنند، در واقع عزت و استقلال مسلمانان و نجات آنان از پنجه ی خونین استکبار و صهیونیسم را رد می کنند. هر گونه فتوی و نظریه ی دینی در این باره، حکم به غیر ما انزل الله است که به گمان زیاد، از روی جهل به حقایق جهان و محیط و نداشتن چشم باز و بصیرت لازم در امور مسلمین صادر می شود.

امروز هر کس وضع دشوار ملت‌های مسلمان و تسلط دولت جبار ایالات متحده بر آنان را بداند، هر کس از جنایات صهیونیستها و توطئه های پنهان آنان علیه کشورهای مسلمان آگاه باشد، هر کس از پیشرفت این غده ی بدخیم سرطانی در ارکان اقتصادی و سیاسی دولتهای منطقه احساس خطر کند، هر کس وضع تیره ی ملت فلسطین را ببیند که در اردوگاههای غربت، رنج می برند و خانه و کاشانه ی خود را در تصرف جلادان خویش می بینند، هر کس از وضع جنوب لبنان و منطقه ی اشغالی آن به دست صهیونیستها و مناطق دائماً در معرض تهاجم آن با خبر باشد، هر کس فاجعه آفرینی اخیر در لبنان را شنیده باشد که صهیونیستها با پشتیبانی دولت امریکا اکنون دوازده روز است که یکسره از هوا و زمین و دریا بیش از نیمی از این کشور را بمباران می کنند و کودکان و زنان و مردم غیر نظامی را قتل عام می کنند؛ هر کس از بوسنی و افغانستان و کشمیر و تاجیکستان و چینستان مطلع باشد، هر کس توطئه های پی در پی و اقدامات خصمانه ی امریکای طغیانگر و صهیونیسم ضد بشر را بر ضد جمهوری اسلامی که امروز مظهر حاکمیت قرآن و اسلام است، بداند، آری هر کس این حقایق را دانسته و از غیرت اسلامی و احساس وظیفه ی دینی برخوردار باشد، تردید نخواهد کرد که از دست دادن ذخیره ی عظیم حج و ضایع کردن این پشتوانه ی مستحکم الهی برای اسلام و مسلمین، خسارتی بی جبران و گناهی بی غفران است.

درمان ضعف کنونی دولتهای مسلمان نیازمند استفاده از ظرفیت حج

ضعف کنونی دولتهای مسلمان، و تفرقه‌ی مصیبت‌بار کشورهای اسلامی، واقعیاتی نیستند که بشود کتمان یا انکار کرد. امروز جهان عرب به دست خود، خود را در شرائطی قرار داده است که متأسفانه قادر نیست حتی برای یک روز پای در میدان جنگ با دشمن غاصب سرزمینهایش بگذارد و از ملت لبنان که قربانی جنایت دولت غاصب صهیونیست است دفاع کند. امروز در حالی که ابزارهای جنگ هوایی و دفاع هوایی با قیمت‌های افسانه‌ی بی‌از کارخانجات غربی در انبارهای این کشورها انباشته شده، هواپیماهای صهیونیست‌های خونخوار آزادانه خانه و کاشانه‌ی مردم عرب را بر سر آنان ویران می‌کنند و هیچیک از این دولتها نمی‌توانند راه آن را ببندند. این حقائق تلخ باضافه‌ی نفوذ سیاسی قدرتهای استکباری در بسیاری از این کشورها؛ و هجوم بدون مانعی که برای تسخیر فرهنگی کامل آن کشورها می‌شود و مصائب فراوان و هشدار دهنده‌ی دیگر، برای هر وجدان پاک و عقل سالمی کافی است تا تشخیص دهد که کشورها و ملت‌های اسلامی و مجموعه‌ی نمونه برداشته‌ی آن که اینک در گرد کعبه‌ی شریف و در مواقف متبرک سرزمین وحی حضور دارند، بیش از همیشه به معنی و روح حج و به ذخیره‌های انباشته‌ی آن نیازمندند و حتم است که از آن بهره‌بردارند. این است سخن ما و این است داعیه‌ی ما درباره‌ی حج و درباره‌ی دیگر شعائر نجاتبخش اسلامی.

دفاع از اسلام؛ دلیل خشم استکبار از جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی به خاطر همین موضع استوار و شجاعانه در دفاع از اسلام و احکام اسلامی، از آغاز تاکنون مورد خشم و انزجار قدرتهای استکباری و در رأس آنان شیطان بزرگ امریکا قرار داشته و دارد.

آنها جمهوری اسلامی را به توسعه طلبی و جنگ طلبی و صدور ناامنی

متهم می کنند تا در برابر افکار عمومی مردم جهان و مسلمین، دلیلی برای کین توزی و دشمنی خباثت آمیز خود تراشیده باشند. رادیوهای مزدور آنان و مطبوعاتی که با سرمایه های صهیونیستها یا دست نشاندهگان امریکا و صهیونیسم در همه جا از جمله در کشورهای اسلامی منتشر می شود، بی وقفه تهمتها و شایعه ها و تحلیلها و خبرهای دروغ و غرض آلود را بر ضد جمهوری اسلامی منتشر می کنند، تا مدّ نفوذ معنوی انقلاب اسلامی و قداست و محبوبیت نام امام راحل ما (قدس الله نفسه) را بشکنند و متوقف کنند. آنها با مدرن ترین روشنهای تبلیغی نامردانه می کوشند با لجن پراکنی بر ضد جمهوری اسلامی، طرفدارانش در دنیای اسلام را از آن رویگردان کنند و حائلی از دروغ و تهمت میان ایران سربلند اسلامی و دیگر کشورهای اسلامی که آنان از تکرار تجربه ی ایران در آنها می هراسند پدید آورند. رسواترین تروریستهای عالم یعنی سران حکومت غاصب صهیونیست و حامیان بد سرشت آنان در دولت امریکا، ایران اسلامی را به تروریسم متهم می کنند. سردمداران امریکا و اسرائیل به هر بهانه یا بی بهانه، انگشت اشاره ی تهمت آمیز خود را به سوی جمهوری اسلامی نشانه می روند و در هر چند کلمه ی سیاسی خود یک بار، نام مقدس و عزیز و درخشان ایران اسلامی را با خشم و نفرت بر زبان می آورند.

این مایه ی افتخار ما است که بدسیرتان و روسیاهان مشهور عالم از ما متنفر باشند. ما نیز از آنان و کردارهای زشت و دستهای آلوده ی آنان متنفر و بیزاریم. خدا و رسولش هم از آنان متنفر و بیزارند. «ان الله بری من المشرکین و رسوله» امروز جمهوری اسلامی به فضل الهی و به رغم دشمنی و کارشکنی بدخواهان، با قدرت و عزّت و با اراده و عزم استوار به پیش می رود. کشوری با ثبات، سازندگی و آبادانی یی روز افزون، مدیریتی محبوب و محشور با مردم، حضور و عزّتی بسزا در جهان، ایمانی پرشور به اسلام، جوانانی زنده و با نشاط و رها از گرفتاریهای غم انگیز جوانان بسیاری از کشورها، مردمی هوشمند و شجاع و آماده ی دفاع از اسلام و

ایران، معنویتی دامن گستر در کنار زندگی بی رو به توسعه و رشد، و بالاخره وحدت کلمه بی کم نظیر و مثال زدنی. «

و بحمدالله چنین است که حجم انبوه تبلیغ دشمن بر ضد ما، نشانه ی عظمت و اقتدار روز افزون ملت و کشور ماست.

توصیه به حجاج و روحانیون حج

در پایان، همه ی حجاج عزیز را به اغتنام فرصت این ایام بزرگ فراخوانده، همگان را به تدبیر در حج و توشه برداری معنوی و روحی برای بقیه ی عمر دعوت می کنم. از آقایان روحانیون محترم می خواهم که این مضامین را در جمع کاروانهای ایرانی و غیر ایرانی به گونه های مناسب مطرح فرمایند و دلها و جانها را به معنویت حج و نیز به مضمون سیاسی آن متوجه سازند.

از خداوند متعال عزت اسلام و مسلمین و استقلال واقعی کشورهای اسلامی و رهایی آنان از نفوذ سیاسی و اقتصادی مستکبران عالم را مسألت می کنم و بقاء مجد و عظمت ایران اسلامی را در زیر سایه ی الطاف و عنایات ویژه ی حضرت بقیهالله الاعظم (روحی فداه) از حضرت احدیت طلب می نمایم.

والسلام علی جمیع اخواننا المؤمنین

علی الحسینی الخامنه ای

چهارم ذی الحجه ۱۴۱۶ هجری قمری

برابر با چهارم اردیبهشت ۱۳۷۵ هجری شمسی

ص: ۳۷

گفتار سّوم: بیانات در دیدار مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی و سفرای کشورهای اسلامی در سالروز مبعث
پیامبر گرامی اسلام

اشاره

۰۴/۰۸/۱۳۷۹

ص: ۳۹

مبعث؛ یک عید حقیقی

عید بزرگ مبعث را به همه ی مسلمانان سراسر جهان، به همه آزادیخواهان عالم، به همه ی عدالت طلبان روی زمین، به ملت بزرگ و شجاع ایران و به شما حضار محترم - مسؤولان و مدیران بخشهای مختلف کشور و میهمانان کشورهای اسلامی - تبریک عرض می کنم.

مبعث حقیقتاً یک عید است؛ یک جشن بزرگ است؛ هم برای مسلمانان در همه ی ادوار و عهدها، هم برای همه ی انسانها؛ اگر درست در پیام اسلام بیندیشند.

هدف مبعث؛ خروج انسان از ظلمت به نور

حرکت مبعث نبوی، راه نویی در مقابل بشر گذاشت؛ «هوَالَّذِي يَصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَةٌ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ». مبعث برای این است که انسانها را از ظلمات خارج و به نور هدایت کند. این ظلمات شامل همه ی تاریکیهایی است که در سطح جهان، در فضای زندگی انسانها و در همه ی تاریخ به وجود می آید؛ ظلمات شرک و کفر، ظلمات جهل و حیرت، ظلمات ستم و بی عدالتی و تبعیض، ظلمات دوری از اخلاق اسلامی و آلوده شدن به لجنزار فساد اخلاقی، ظلمات برادرکشی، ظلمات بدفهمی و کج فهمی و انواع و اقسام تاریکیها. اسلام انسانها را برای خروج از این ظلمتها هدایت می کند و بتدریج بشر با فراگیری، با حرکت، با تصمیم، با درست اندیشیدن و موانع را شناختن، این راه را پیدا خواهد کرد.

ظرفیت گستردهتر جهان امروز برای فهم پیام نبوی

«امروز ظرفیت عالم برای فهم پیام نبوی، از گذشته بسیار بیشتر است.

هرچه علم بشر بیشتر شود، توفیق پیام اسلام محتملتر می شود. هرچه قدرتمندان عالم - در هر کجای دنیا - از ابزارهای حیوانی و وسیع گونه بیشتر استفاده کنند برای سرکوب کردن احساسات انسانی، برای به تسخیر کشیدن انسانها - که ظلم قدرتها به بشر، به این ترتیب آشکارتر شود - جا برای شناسایی نور اسلام بیشتر باز خواهد شد و انسانها بیشتر تشنه خواهند شد. امروز ما آثار تشنگی بشریت را به پیام اسلام - که پیام توحید است، پیام معنویت است، پیام عدالت است، پیام کرامت انسان است - احساس می کنیم؛ انسانها مشتاقند.

وظیفه‌ی مسلمین در تبلیغ عملی پیام بعثت

البته وظیفه‌ی ما مسلمانهاست که با رفتار خود، با گفتار خود، با عزم و اراده‌ی خود، این پیام را در مقابل چشم مردم جهان قرار دهیم. هر جا که انسانهای مؤمن به اسلام در درون امت اسلامی یک حرکت همراه با فضیلت از خود نشان دهند، اسلام در چشم مردم دنیا نورانی تر و مطلوبتر خواهد شد. هر جا که از آحاد امت اسلامی، ضعفها و زبونیها و ذلتها و پستیها و عقب ماندگیها به چشم برسد، این برای شأن اسلام موجب فروافتادن و کاهش خواهد شد. امروز اگر امت اسلامی و قدرتمندان امت اسلامی - کسانی که می توانند کاری بکنند - سخن و عملی سرزنند که نشانه‌ی انحطاط باشد، این در چشم مردم دنیا، اهانت به اسلام است. لذا وظیفه‌ی سیاستمداران مسلمان، امروز بسیار سنگین است؛ وظیفه‌ی علمای اسلام، بسیار سنگین است؛ وظیفه‌ی روشنفکران و هنرمندان و نویسندگان و ادیبان مسلمان، بسیار سنگین است؛ وظیفه‌ی آحاد مردمی که در کشورهای اسلامی می توانند در محیط خود اثر بگذارند، بسیار سنگین است. امروز روزی است که می شود در مقابل جهان، در مقابل انسانیت مظلوم و انسان حیرت زده، پیام اسلام را بر سر دست گرفت و گفت: این است راه نجات شما؛ اینها واقعیات است.

بیداری فلسطین پس از کوناه‌ی گذشتگان

امروز برای امت اسلام روز عید است؛ لیکن عید مبعث امسال ما

متأسفانه آمیخته شده است با خون مظلومان فلسطین. حادثه ی فلسطین، حادثه ی بزرگی است. بیش از نیم قرن است که دنیای اسلام در قبال این حادثه ی عظیم قرار دارد. در این دهها سال، زمانهایی پیش آمد که مسؤولان دنیای اسلام و کسانی که می توانستند تصمیمی بگیرند، اگر تصمیم خوبی می گرفتند، شاید این مشکل یا برطرف می شد یا لاقلاً برطرف کردنش آسانتر می نمود. در طول این سالهای متمادی، کوتاهیهای زیادی شده است. امروز یکی از همان فصلهای تعیین کننده است. امروز از آن دوره هایی است که سرنوشت ملت فلسطین می تواند یک زاویه پیدا کند به سمت آنچه که مطلوب دنیای اسلام است. چرا؟ چون یک نسل در فلسطین بیدار شده است. یک حزب را می شود سرکوب کرد، یک مجموعه را می شود از میدان خارج کرد، تعدادی انسان را می شود از مجاهدتشان یا از شجاعت ورزیدنشان پشیمان کرد؛ اما یک نسل رو به رویش را به هیچ قیمتی نمی توان از راهی که شناخته است و به آن رو آورده است، منصرف کرد. امروز مسأله این است. این نسلی که امروز بار مسأله ی فلسطین را بر دوش گرفته است، بیدار شده و حقیقت را فهمیده است.

حقیقت قضیه ی فلسطین؛ ناکامی تلاش دشمنان در حذف ملت فلسطین

حقیقت به چیست؟ حقیقت این است که قدرتمندان، سیاستمداران و ثروتمندان دنیا، در برهه ای از زمان تصمیم گرفتند یک ملت را از روی زمین محو و یک کشور را از نقشه ی جغرافیا خارج کنند و به خیال خودشان توانستند این کار را بکنند. عده ای را کشتند، عده ای را بیرون کردند، عده ای را سرکوب کردند؛ خیال کردند قضیه تمام شد؛ در حالی که یک ملت را، آن هم ملتی مثل ملت فلسطین؛ ملتی با سابقه ی درخشان، با فرهنگ غنی و عمیق اسلامی، با استعدادهای درخشانی که در میان این ملت وجود دارد - فلسطینیها ملت برجسته ای هستند و مردمان با استعداد و شخصیت‌های بزرگ در میانشان کم نیستند - قدرتهای

دنیا؛ انگلیس و امریکا و صهیونیستها و فلان کمپانی دار و فلان محفل قدرتمند جهانی بخواهند از عرصه ی وجود خارج کنند، این شدنی نیست؛ کما این که نشد.

آنها اشتباه کردند که خیال کردند ملت فلسطین و کشور فلسطین تمام شد. فلسطین باقی مانده است؛ ملت فلسطین باقی مانده است. در کنار وجود ملت فلسطین، یک غصب بزرگ هم وجود دارد. عده ای را از اطراف دنیا جمع کردند، یک ملت جعلی و دروغین تشکیل دادند، اسمی هم روی آن گذاشته اند، با ابزارهای قدرت هم آن را مجهز کرده اند.

اولین قدم؛ معرفت

این در کنار واقعیت ملت فلسطین، امروز خودنمایی می کند؛ این حقیقت را نسل فلسطینی، امروز با همه ی وجودشان درک کرده اند؛ اولین قدم معرفت است؛ این معرفت را پیدا کرده اند و فهمیده اند که آن موجود جعلی، با همه ی پشتیبانیهای جهانی، غیرقابل شکست نیست؛ درست هم فهمیده اند؛ لذا وارد میدان شده اند.

وظیفه ی دولتها و ملت‌های اسلامی برای کوتاه شدن راه آزادی فلسطین

امروز وظیفه ی همه ی دولتهای اسلامی و همه ی ملت‌های اسلامی این است که هر چه می توانند، به اینها کمک کنند. من ادعا نمی کنم که قضیه ی فلسطین در کوتاه مدت تمام خواهد شد؛ اما ادعا می کنم بدون شک فلسطین به فلسطینیها برخواهد گشت. زمان، ممکن است کوتاه یا بلند شود؛ بهایی که پرداخته می شود، ممکن است سنگین یا سنگین تر باشد؛ اما این واقعه اتفاق خواهد افتاد.

آنچه که تأثیر می گذارد، رفتار ما مسؤولان کشورهای اسلامی و ما ملت‌های مسلمان است. اگر ما خوب رفتار کنیم، این زمان کوتاهتر و این هزینه کمتر خواهد شد. اگر ما بد رفتار کنیم، این زمان طولانی تر خواهد

شد؛ این هزینه سنگین تر خواهد شد و این هزینه فقط بر دوش ملت فلسطین بار نخواهد شد؛ بر دوش همه ی دنیای اسلام بار خواهد شد. همان کسانی که کوتاهی می کنند، همان کسانی که به ظالم کمک می کنند، خودشان هزینه ی این کار را خواهند پرداخت؛ خودشان خسارت این را خواهند داد و تلخیش را خواهند چشید. لذا امروز همه ی مسلمانها وظیفه دارند.

لزوم انجام حمایت‌های همه جانبه

این وظیفه چیست؟ این وظیفه عبارت است از کمک. کمک چگونه است؟ این البته شکلهای مختلفی دارد؛ کمکهای سیاسی، کمکهای مالی، کمکهای بین المللی؛ انواع و اقسام کمکها را می شود به آنها کرد. این بایستی در مجامع بالای دنیای اسلام تصمیم گیری شود. این باید در بین مسؤولان و مقتدران دنیای اسلام رویش تصمیم گیری شود. اگر آنها تصمیم گیری نکردند، آن وقت ملتهای مسلمان احساس خواهند کرد که وظیفه ی مستقیم متوجه آنهاست.

امریکا؛ شریک جرم اسرائیل

یقیناً در این جرائم، رژیم صهیونیستی تنها نیست. بلاشک شریک جرم او دولت ایالات متحده ی امریکاست. هر کسی امروز به آن ظالم کمک کند، در جرم او شریک است. ممکن است امروز اثری بر این مترتب نشود، اما از حافظه ی ملتها و حافظه ی تاریخ پاک نخواهد شد.

ملت و دولت ایران؛ پیشتاز حمایت از فلسطین

ملت عزیز ما مسأله ی فلسطین را با همه ی وجود درک کرده است؛ ظلمی را که به دنیای اسلام شده، احساس کرده است؛ وظیفه ای را که خودش در این زمینه دارد، درک کرده است. دولت جمهوری اسلامی، همیشه در این قسمت پیشتاز بوده است؛ احساس وظیفه کرده است و آنچه را که می توانسته، انجام داده است. یقیناً این، نتایج بزرگی به دنبال

خواهد داشت و ما امیدواریم - نشانه هایش را هم می بینیم - که تدریجاً دولتهای اسلامی بعضی حقایق را بیشتر لمس می کنند؛ بعضی به متن قضیه نزدیکتر می شوند و راه را به سمت آنچه که وظیفه ی اُمّت اسلامی است، نزدیکتر می کنند.

امیدواریم که خداوند به همه ی مسؤولان کشورهای اسلامی و به همه ی ملت‌های مسلمان که درباره ی این قضیه ی بزرگی که امروز در جریان است و نمی توان نسبت به آن بی تفاوت بود، احساس مسؤولیت می کنند، توفیق دهد. همه ی ما را در این راه هدایت و کمک کند و ان شاءالله مشکل مردم فلسطین را - که مشکل دنیای اسلام است - با قدرت بالغه ی خود، با عزّت و قوّت خود، به حلّ نهایی نزدیک کند.»

والسّلام علیکم ورحمهالله و برکاته

ص: ۴۶

گفتار چهارم: بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام به مناسبت سالروز هفدهم ربیع الاول

اشاره

۲۹/۰۲/۱۳۸۲

ص: ۴۷

ولادت پیامبر صلی الله علیه و آله؛ طلیعهی رحمت الهی

عید ولادت منجی بشریت و هدیه ی الهی برای تاریخ انسانیت، نبی مکرم اسلام حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله وسلم و همچنین ولادت امام صادق علیه الصلاه والسلام را به همه ی امت بزرگ اسلامی و به ملت عزیز ایران و به شما حضار محترم، بخصوص میهمانان مکرمی که از سرتاسر کشورهای اسلامی در این جا حضور دارید و همچنین سفرای کشورهای اسلامی که در این جا تشریف دارند، تبریک عرض می کنم.

این ولادت برای تاریخ بشریت، طلیعه ی رحمت الهی بود. در قرآن از وجود پیغمبر به عنوان «رحمة للعالمین» تعبیر شده است. این رحمت، محدود نیست؛ شامل تربیت، تزکیه، تعلیم و هدایت انسانها به صراط مستقیم و پیشرفت انسانها در زمینه ی زندگی مادی و معنویشان هم هست. مخصوص مردم آن زمان هم نیست؛ متعلق به طول تاریخ است: «و آخرین منهم لئما يلحقوا بهم». راه رسیدن به آن هدف، عمل کردن به معارف و قوانین اسلام است که برای بشر مشخص شده است.

انحراف امت اسلامی از اسلام ناب

امت بزرگ اسلامی در طول قرنهای متمادی، چالشها و انحرافهایی داشته است. ما خود را از اسلام دور کرده و سرگرم چیزهایی کردیم که اسلام ما را از آن برحذر داشته بود. در طول این تاریخ طولانی، سرگرم جنگهای داخلی شدیم؛ به وسیله ی قدرتهای طاغوتی سرگرم شدیم. نتیجه این شد که امت بزرگ اسلامی در طول قرنهای متمادی بعد از قرون اولیه ی اسلام، نتوانست خود را به هدف و غایتی که پیغمبر اسلام

و اسلام عزیز برای او پیش بینی کرده و در نظر گرفته بود، برسانند. با این که خدای متعال ثروت‌های مادی زیادی را در کشورهای اسلامی ذخیره کرده و می‌توانست وسیله‌ی پیشرفت ما باشد، اما در علم و صنعت و بسیاری از شاخص‌های پیشرفت، جزو بخش‌های عقب افتاده‌ی عالم شدیم. این چیزی نبود که اسلام برای ما مقدر کرده بود؛ این چیزی بود که عمل بد و رفتار و غفلت ما مسلمانان برای ما پیش آورده بود: «ما اصابك من سيئه فمن نفسك»؛ ما بودیم که بر اثر غفلت‌هایمان در طول زمان، خود را به این وضعیت دچار کردیم.

شروع بیداری اسلامی در جهان اسلام

امروز اوضاع در دنیای اسلام تفاوت کرده است؛ بیداری اسلامی در سرتاسر دنیای اسلام محسوس است؛ حرکت و نهضت عظیمی در مراحل مختلف در همه‌ی دنیای اسلام مشاهده می‌شود؛ میل برگشت به اصول و مبانی اسلامی، که مایه‌ی عزت و پیشرفت و ترقی است. روشنفکران، علما و سیاسیون دنیای اسلام این حرکت را باید تقویت کنند.

فایده‌ی بیداری اسلامی برای دولتهای اسلامی

خطاست اگر کسانی در دنیای اسلام تصوّر کنند که حرکت بیداری اسلامی در بین جوانان، به ضرر دولتهای اسلامی است؛ نه، دولتهای اسلامی به برکت بیداری اسلامی می‌توانند عزتی را که قدرتهای استکباری از آنها گرفته‌اند، به خودشان برگردانند. یک نمونه، کشور و انقلاب و امام ماست. ما بعد از آن که قرنهای متمادی دچار استبداد و دو قرن تمام دچار سلطه‌ی بیگانگان بودیم به خود آمدیم و امام بزرگوار توانست عزت را به مردم ما برگرداند. انگلیسیها، روسها و امریکاییها به ترتیب در این کشور سیادت و حکمفرمایی حقیقی کردند. ولو به صورت ظاهر در رأس حکومت نبودند؛ اما کارها در دست آنها و همه چیز کشور

در اختیارشان بود. مردم ما از حقوق، منابع، عزّت و طعم حقیقی دین خود محروم بودند.

امام بزرگوار ما توانست سلطه ی بلندمدّت استبداد و استعمار را با برگشت به اسلام و تمسّک به اسلام، از سر کشورمان کم کند و به ما عزّت ببخشد؛ به مردم ما احساس هویت اسلامی بدهد تا احساس کنند که می توانند روی پای خود بایستند؛ می توانند خودشان تصمیم بگیرند و انتخاب کنند؛ می توانند خودشان در مسائل سرنوشت ساز، «لا» و «نعم» بگویند. مردم ما قرن‌ها بود که چنین چیزی را نچشیده بودند؛ این را اسلام به آنها داد. در هر نقطه ای از نقاط دنیا که حرکت بیداری اسلام تقویت شود و پا بگیرد و مردم و جوانان آن کشور احساس کنند که به سمت اسلام نزدیک می شوند، همین تجدید هویت و عزّت به وجود خواهد آمد.

مخالفت استکبار با بیداری و عزّت اسلامی

البته دشمنان اسلام این را نمی خواهند. فرمود: «انّ الشّیطان لکم عدوّ فاتّخذوه عدوّاً». امروز در رأس دشمنان اسلام، امریکاست که شرّ و شیطان مجسم است. امروز دشمن اساسی دنیای اسلام، استکبار جهانی است که در رأسش هم امریکاست. این جزو معارف رایج انقلاب و نظام ماست. انقلاب اسلامی بیست و چهار سال است که این را فریاد می زند؛ لیکن امروز مردم دنیا و جوامع مسلمین این را حس کرده و خودشان لمس می کنند. قضایای فلسطین و فجایعی که به پشتیبانی امریکا، هر شب و روز در فلسطین اتفاق می افتد، جلو چشم مردم است. امت اسلام چگونه می تواند چشمش را ببندد و این فجایع را نبیند؟ آنچه در عراق در جریان است، جلو چشم مردم دنیاست؛ این آزمایشگاه تاریخی و سیاسی در مقابل چشم مردم دنیا و بخصوص امت اسلامی است. امریکاییها با نام دمکراسی و آزادی به رژیم صدام حمله کردند؛ اما امروز به مردم عراق اجازه نمی دهند سرنوشت خود را در دست بگیرند؛

می گویند ما باید باشیم!

یک ملت و یک کشور اسلامی را از همه ی حقوق متداول و رایج پذیرفته شده ی جهانی محروم می کنند؛ با این عنوان که شما نمی توانید و ما باید باشیم؛ ما باید به شما دموکراسی بدهیم! کدام دموکراسی و چه طور دموکراسی ای؟! این دموکراسی و مردم سالاری و حقوق مردم است؟ آن هم بعد از کشتار عظیمی که در بین مردم عراق انجام گرفت!

گفتند ما دنبال سلاح کشتار جمعی آمده ایم. برای امت اسلامی این سؤال مطرح شد که سلاح شیمیایی و کشتار جمعی و وسایل جنایت را چه کسی به صدام داده بود؟ مگر غیر از خودشان کسی اینها را به صدام داده بود؟! صدام را خودشان برای ضربه زدن به اسلام و انقلاب تجهیز کردند. تا وقتی از او امید همکاری و کمک بود، هرچه توانستند، تجهیزش کردند؛ بعد از آن که از خاصیت افتاد و دیدند دیگر از او برای مقابله با انقلاب اسلامی و حرکت بیداری اسلام کاری بر نمی آید، چنین صحنه ای را راه انداختند!

امت اسلامی این مسائل را می بیند؛ این آزمایشگاه است. امت اسلامی چگونه می تواند چشم خود را ببندد؟ اینها تجربه است.

تنها راه نجات امت اسلامی؛ بازگشت به اسلام

امروز دنیای اسلام برای به دست آوردن عزت و موجودیت و هویت خود یک راه بیشتر ندارد و آن برگشت به اسلام است؛ البته اسلام واقعی، نه یک اسلام متحجر آمیخته با خرافات که دشمنان اسلام تبلیغ می کنند و می گویند اسلام این است - این طور اسلامی کارآمد نیست - و نه اسلام تطبیق داده شده ی با اصول امریکایی و مورد نظر غربیها که آن هم اسلام نیست؛ هر دوی اینها اسلام امریکایی است، که امام بزرگوار ما تقابل ایجاد کردند و فرمودند: «اسلام امریکایی» و «اسلام ناب محمدی». اسلام ناب و خالص، اسلام توحید و وحدت بین امت اسلامی، اسلام «و لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلا»، اسلام «الاسلام يعلو ولا يعلو عليه»،

اسلامی که می گوید: «و لو ان اهل القرى امنوا و اتقوا لفتحنا عليهم بركات من السماء و الارض». برگشت به این اسلام، تنها علاج و نسخه ی درمان امت اسلامی است و این ممکن است. امروز حرکت به سمت این اسلام، از شرق تا غرب دنیای اسلام، همه جا را فراگرفته و این همان چیزی است که دشمنان اسلام را دستپاچه کرده است.

به هیاهوی تبلیغاتی استکبار و جنجال و قدرت نمایی ای که می کنند، نگاه نکنید؛ آنها از اسلام ترسیده اند و حرکت عظیم اسلامی، آنها را سراسیمه کرده است؛ لذا مجبورند به قوه ی قهریه متوسل شوند. قوه ی قهریه هم به دردشان نمی خورد و کارشان را علاج نمی کند. قوه ی قهریه می تواند دولتها و حکومتها را از بین ببرد، ولی نمی تواند حرکت عظیم اسلامی و مردمی را از بین ببرد. امت اسلامی در حال بیدار شدن و برخاستن است؛ آنها این موضوع را فهمیده اند. آینده ی امت اسلامی، آینده ای است که اسلام ترسیم کرده است. ما به عنوان روشنفکر، به عنوان عالم دین، به عنوان مأمور دولت و مسؤول سیاسی موظفیم این آینده را ترسیم کرده و این پیشرفت را تسریع و تسهیل کنیم.

امیدواریم ان شاءالله این عید شریف برای امت اسلامی برکت و وسیله ی بیداری برای همه ی ما باشد و خداوند متعال توفیقاتش را بر ما نازل کند و توجهات حضرت بقیهالله ارواحنا فداه را شامل حال ما گرداند.

والسلام علیکم و رحمهالله و برکاته

گفتار پنجم: بیانات در دیدار اندیشمندان و علمای کشورهای اسلامی شرکت کننده در نوزدهمین کنفرانس بین المللی
وحدت اسلامی

اشاره

۳۰/۰۵/۱۳۸۵

ص: ۵۵

آیندهی دنیای اسلام در گرو برنامه‌های نخبگان مسلمان

به همه ی برادران و خواهرانی که تشریف دارید، خوش آمد عرض می کنم و مبعث حضرت ختمی مرتبت، رسول اعظم و مطلع نورانیت تاریخ بشر را تبریک عرض می کنم. همچنین به همه ی شما و همه ی مسلمانان، پیروزی درخشان برادرانمان در لبنان در مقابله ی با رژیم صهیونیستی را، که در حقیقت پیروزی اسلام بود، تبریک عرض می کنم. برادران ما در جنوب لبنان و در مقابله ی با متجاوزان صهیونیست، خط مقدم امت اسلامی بودند.

این جلسه، بسیار جلسه ی مهم و با عظمتی است. شما از مجموعه دنیای اسلام در این جا گرد آمدید. بدون شک آینده ی دنیای اسلام را باید از برنامه های زبدگان دنیای اسلام شناخت؛ زبدگان علمی و زبدگان دینی و زبدگان سیاسی. این جمع و جماعت‌های برجسته ی دنیای اسلام اگر با نگاه حقیقت بین و دردشناس به امت اسلامی نگاه کنند و دنبال علاج باشند، امت اسلامی آینده ی خوبی خواهد داشت. اگر ما وظایف خودمان را نشناسیم، یا به آن عمل نکنیم، باز هم سالهای طولانی دنیای اسلام به همان دردهایی که امروز دچار آن هست، دچار خواهد بود. وظیفه ی ما سنگین است.

وحدت اسلامی؛ راه حل مشکلات جهان اسلامی

موضوع بحث شما اقلیت های اسلامی در کشورهای غیراسلامی است. البته موضوع مهمی است و جای آن هست که درباره ی این موضوع، مجمع تقریب و برجستگان دنیای اسلام فکر و برنامه ریزی کنند. من از آنچه که در این زمینه شما انجام دادید، تقدیر می کنم؛ ولیکن نکته ای را می خواهم عرض بکنم و آن، این است که مسأله ی اول ما در

دنیای اسلام، «وحدت امت اسلامی» است. اگر ما بتوانیم بر کید دشمن فائق بیاییم و نقشه‌ی او را در ایجاد اختلاف خنثی کنیم، بسیاری از مشکلات ما برطرف خواهد شد. مشکل اقلیت‌های اسلامی هم از جمله‌ی این مشکلاتی است که برطرف خواهد شد.

ما دچار یک بیماری مهلکی هستیم که باید همت کنیم و این بیماری را از خودمان دفع کنیم. اختلافات بین دنیای اسلام و ناهماهنگی‌ها و دامن زدن به دشمنی‌ها، بیماری بسیار خطرناکی است.

تلاش دشمنان برای ایجاد اختلاف میان مسلمین

و من به شما عرض کنم که اگر در طول زمانهای گذشته این بیماری به طور طبیعی در جسم دنیای اسلام و امت اسلامی وجود داشت، امروز دستهای سیاسی بشدت به دنبال تشدید این بیماری هستند. ما نمونه‌های آن را در دنیای اسلام داریم می‌بینیم، که انسان به خود می‌لرزد. ما از دشمنهای بیرونی نمی‌ترسیم. هیبت امریکا و قدرتهای استکباری تا حالا ما را دچار ترس و تردید نکرده؛ لشگرکشی‌های خصمانه، تبلیغاتی و سیاسی و نظامی و اقتصادی ما را مطلقاً در موضع انفعال قرار نداده و قرار نخواهد داد؛ اما از این بیماری درون دنیای اسلام، ما به خودمان می‌لرزیم و می‌ترسیم. این را علاج کنید.

تشدید اختلاف افکنی دشمنان پس از موفقیت‌های جمهوری اسلامی

از وقتی پرچم اسلام در ایران بلند شد و جمهوری اسلامی با هدف تحقق بخشیدن به اهداف اسلامی تشکیل شد، دشمنان اسلام نقشه‌ی اختلاف را با دقت طراحی کردند و دنبال می‌کنند؛ چون وقتی مسلمانها احساس شرف و عزت کردند، وقتی دیدند می‌شود پرچم اسلام را بلند کرد، وقتی روح هویت اسلامی در آنها بیدار و زنده شد، وقتی توده‌های مسلمان شعار اسلام را در همه جا سر دادند، فهمیدند که خطر برای منافع استکبار در این منطقه‌ی عظیم اسلامی، خطر جدی است و منافع متجاوزانه‌ی آنها تهدید می‌شود.

استفاده‌ی از امکانات جهان اسلام؛ عامل قطع نفوذ استعمار

دنیای اسلام، تقریباً با یک میلیارد و نیم جمعیت، با امکانات فراوان اقلیمی و جغرافیایی و طبیعی و انسانی و سرمایه‌های بی نظیری که در اختیار دارد، می‌تواند یک مجموعه عظیم و متحد را تشکیل بدهد. امروز بیش از دویست سال است که کیسه‌ی استعمار غربی از این منطقه پیوسته پُر می‌شود؛ چه در دوران استعمار، چه در دوران استعمار نو، چه در دوران جدید، به شکلی این منطقه در خدمت اهداف سیاسی دنیای استکبار بوده، که در رأس آن امریکاست. اگر امت اسلامی وحدت خود را به دست بیاورد، اگر قدرت اسلامی به معنای حقیقی کلمه خود را نشان بدهد، اگر استقلال اسلامی، استقلال حقیقی، در این مناطق به معنای واقعی کلمه تحقق پیدا کند، تسلط و سیطره‌ی اقتصادی و سیاسی و فرهنگی دشمن قطع خواهد شد. اینها به این راضی نیستند و با همه‌ی وجود تلاش می‌کنند این اتفاق نیفتد. راهی که آنها پیدا کردند، ایجاد اختلاف است و این بیماری متأسفانه در جسم دنیای اسلام نفوذ کرده. من از شما درخواست می‌کنم به این مسأله به طور جدّ بیندیشید.

اهمیت بحث وحدت

ما اسم وحدت اسلامی را خیلی می‌آوریم و همه دم از وحدت اسلامی می‌زنیم؛ همه دم از برادری اسلامی می‌زنیم؛ در عمل هم مجموعه‌ای از زبندگان دنیای اسلام، حقیقتاً احساس برادری می‌کنند - الان در این جلسه، روح برادری و اخوت موج می‌زند - ما همه یکدیگر را از خود می‌دانیم و بین خودمان فاصله‌ای قائل نیستیم. این، واقعیتی است؛ اما ما نماینده و نشان دهنده‌ی واقعیت‌های دنیای اسلام در صحنه‌ی سیاست، در صحنه‌ی حکومتها، در میان توده‌های مردم، به معنای واقعی کلمه، نیستیم. دشمنان بذر اختلاف را در بین امت اسلامی می‌پاشند و سیاسیون ناخالص، تعصبهای غلط، ندیدن آفاق بلند دنیای اسلام و محدود شدن در ظرفهای کوچک، زمینه رشد این تعصبهاست.

بعضی از دوستان به عراق اشاره کردند. ببینید در عراق چه اتفاقی دارد می افتد. امروز در عراق، در برخی از کشورهای دیگر، کسانی از برادران سنی و شیعه در مقابل هم قرار دارند و متقرباً الی الله با هم دشمنی می کنند! چرا؟ چه کسی این انگیزه های باطل را در میان اینها تزریق کرده؛ اینها که از اسلام نیست.

لزوم تدوین منشور وحدت توسط نخبگان جهان اسلام

بیا بید وحدت اسلامی را عملی کنید و منشوری را که همه ی علمای اسلام، همه ی روشنفکران دنیای اسلام، همه ی برجستگان سیاسی با اخلاص دنیای اسلام آن را تأیید و تصدیق کنند و برای عملی کردن آن تلاش کنند، تهیه کنید، تا دیگر مسلمانی جرئت نکند متکلم به کلمه ی توحید را که در یک مذهب یا در یک جناح دیگر است، تکفیر کند؛ تا برادران با هم باشند.

منظور از وحدت صحیح

مراد ما از وحدت اسلامی، یکی شدن عقاید و مذاهب اسلامی نیست. میدان برخورد مذاهب و عقاید اسلامی و عقاید کلامی و عقاید فقهی - هر فرقه ای عقاید خودش را دارد و خواهد داشت - میدان علمی است؛ میدان بحث فقهی است؛ میدان بحث کلامی است و اختلاف عقاید فقهی و کلامی می تواند هیچ تأثیری در میدان واقعیت زندگی و در میدان سیاست نداشته باشد. مراد ما از وحدت دنیای اسلام، عدم تنازع است: «ولاتنازعوا فتفشلوا». تنازع نباشد، اختلاف نباشد.

دعوت قرآن کریم به اعتصام به حبل الله با ایمان به خدا و کفر به طاغوت

قرآن می فرماید: «واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا». اعتصام به حبل الله برای هر مسلمان یک وظیفه است؛ اما قرآن اکتفا نمی کند به این

که ما را به اعتصام به حبل الله امر کند، بلکه به ما می گوید که اعتصام به حبل الله را در هیئت اجتماع انجام بدهید؛ «جمعاً»؛ همه با هم اعتصام کنید. و این اجتماع و این اتحاد، یک واجب دیگر است. بنابراین، علاوه بر این که مسلمان باید معتصم به حبل الله باشد، باید این اعتصام را به همراه دیگر مسلمانها و همدست با آنها انجام دهد. ما این اعتصام را درست بشناسیم و آن را انجام دهیم. آیه ی شریفه ی قرآن می فرماید: «فمن یکفر بالطاغوت و یؤمن بالله فقد استمسک بالعروه الوثقی». این، اعتصام به حبل الله را برای ما معنا می کند. تمسک به حبل الله چگونه است؟ با ایمان بالله و کفر به طاغوت.

امریکا؛ طاغوت اعظم دنیا

امروز طاغوت اعظم در دنیا، رژیم ایالات متحده امریکاست؛ زیرا صهیونیسم را او به وجود آورده است و آن را تأیید می کند. امریکا جانشین طاغوت اعظم قبلی یعنی انگلیس است. امروز تجاوز رژیم ایالات متحده و همفکرانش و همکارانش، دنیای اسلام را در وضعیت دشواری قرار داده است و دنیای اسلام در پیشرفت خود، در موضعگیری خود، در ترقی مادی و معنوی خود، زیر فشار امریکا و همکاران و همفکران اوست. در همین تجاوز رژیم صهیونیستی به لبنان در این یک ماه اخیر - که به این حماسه بزرگ اسلامی از سوی حزب الله منتهی شد و نصرت الهی بر اینها نازل شد - امریکا صریحاً وارد میدان جنگ شد و فقط به حمایت زبانی و مالی و سیاسی اکتفا نکرد و برای رژیم صهیونیستی تسلیحات فراهم کرد، فرستاد و کمک کرد. در واقع این جنگ را امریکاییها خواستند و آنها شروع کردند. امروز طاغوت اعظم آمریکاییها هستند.

عدم امکان تمسک به عروهی وثقا بدون کفر به طاغوت

در بسیاری از بخشهای امت اسلامی ایمان بالله هست؛ اما کفر به

طاغوت نیست. کفر به طاغوت لازم است. بدون کفر به طاغوت، تمسک به عروه ی و ثقای الهی امکانپذیر نیست. ما کشورها و دولت‌ها و ملت‌ها را به این که به جنگ با امریکا بشتابند، دعوت نمی‌کنیم؛ ما دعوت می‌کنیم که تسلیم امریکا نشوند. ما دعوت می‌کنیم که با دشمن اسلام و مسلمین همکاری نکنند. یکی از اقسام همکاری نکردن همین است که به وسوسه‌های آنها در زمینه ی وحدت امت اسلامی اعتنا نکنند و امت اسلامی را با اتحاد خودش حفظ کنند.

پیشرفت علمی و سیاسی در گرو حفظ وحدت

امروز به نظر ما مهمترین مسأله ی دنیای اسلام، مسأله ی اتحاد است. اگر این اتحاد انجام شد، ما پیشرفت علمی هم می‌توانیم پیدا کنیم؛ پیشرفت سیاسی هم می‌توانیم پیدا کنیم. شما می‌بینید دشمنان دنیای اسلام چه فشاری بر روی مسأله انرژی هسته ای در ایران دارند. آنها می‌دانند که ما دنبال بمب اتم نیستیم. آنها از پیشرفت علم در این کشور، از پیشرفت فناوری در یک کشور اسلامی ناراحتند. یک کشور اسلامی ای که نشان داده که تسلیم سیاست‌های امریکا نیست؛ نشان داده که از امریکا نمی‌ترسد. این کشور اسلامی باید به پیشرفت مهمترین تکنولوژی امروز دنیا - یعنی تکنولوژی هسته ای - مجهز نباشد. آنها به خاطر این، فشار را وارد می‌کنند. البته ما تصمیم خودمان را گرفته ایم. ملت ایران در طول بیست و هفت سال بعد از انقلاب، با تجربه فهمیده است که تنها راه خلاصی از کید دشمنان، توکل به خدا و صبر در میدان و مجاهدت است. ما این راه را تا امروز رفته ایم و ثمرات شیرین آن را چشیدیم و به حول و قوه ی الهی در ادامه هم همین راه را با قوت تمام خواهیم رفت، که آثارش را هم می‌بینیم.

وظیفه‌ی دولتمردان و نخبگان جهان اسلام در برابر فرصت ویژه‌ی بیداری اسلامی

برادران و خواهران عزیز! امروز دنیای اسلام در یک وضع استثنایی است. می‌توان گفت قرن‌هاست که این فرصتی که امروز دنیای اسلام دارد، گیر دنیای اسلام نیامده است. امروز فرصت بسیار بزرگی در مقابل ماست؛ ملت‌های اسلامی بیدار شده‌اند، موج بیداری اسلامی به زوایای دنیای اسلام کشیده شده، ملت‌های اسلامی به حقوق خودشان واقف شده‌اند و بسیاری از رهبران اسلامی - ولو تظاهر نکنند - در باطن خودشان سرشار از بغض و دشمنی با استکبارند، که این را ما می‌بینیم. در بسیاری از کشورهای اسلامی سران و رهبران و سیاستمداران و مسؤولان، بسیار دلگیر و ناراحت از رفتارهای امریکا و قدرتهای استکباری هستند. این، یک فرصت بزرگ برای دنیای اسلام است و از این فرصت باید استفاده کرد. یک وظیفه سیاستمداران دارند، یک وظیفه هم رهبران فکری و فرهنگی دارند. این وظیفه‌ی دوّم از وظیفه‌ی اوّل کم اهمیت تر نیست. علمای اسلام، روشنفکران و اساتید دنیای اسلام، متفکران برجسته‌ی دنیای اسلام، این کسانی که تریبون‌های مردمی در اختیار آنهاست و می‌توانند افکار مردم خودشان را بسازند، وظیفه‌ی بزرگی دارند و باید قدرت ملی، قدرت توده‌ی مردم در دنیای اسلام را بدرستی به آنها تفهیم کنند.

مسئله‌ی فلسطین نتیجه تلقین ناتوانی به جهان اسلام توسط استعمارگران

چند قرن است - از اوّل دوران استعمار تا حالا - که دستگاه استکبار خواسته است به ملت‌های مسلمان تفهیم کند که از شماها کاری ساخته نیست؛ شماها توانایی مقابله‌ی با ما را ندارید. البته استعمار توانسته این مسأله را در مدتی طولانی به جمع زیادی از مردم مسلمان بیاوراند و خیانت بعضی از سیاستمداران هم به این کمک کرد. نتیجه‌ی این باور غلط، گرفتاریهای بزرگی شد که در رأس آن، مسأله‌ی قدس شریف و مسأله‌ی فلسطین است.

الان نزدیک به شصت سال است که فلسطین، خانه ی اسلام، متضمن قبله ی اوّل مسلمانان، از دست مسلمانها، از دست صاحبان خودش، خارج شده و فلسطینی ها آواره در کشورها شده اند و یا در خانه ی خودشان، در زیر فشار آن غاصب مدعی هستند که با پُرویی تمام آنجا نشسته و دشمنان اسلام هم از طرف او را تأیید می کنند. این غصه ی بزرگ، این مصیبت بزرگ، به خاطر این به وجود آمد که مسلمانها از توانایی های خودشان غافل بودند. اگر این بیداری ای که امروز در دنیای اسلام هست، در دهه های ۳۰ و ۴۰ میلادی وجود داشت، قضیه ی فلسطین اتفاق نمی افتاد و دولت غاصب انگلیس، آن روز جرئت نمی کرد یک کشور اسلامی را یکجا از مردمش غصب کند و به یک بیگانه بسپارد. حالا امروز باید از آنچه خسارت خورده ایم، بتدریج جبران کنیم. و این کار با برنامه ریزی ممکن است؛ این کار با عقل و تدبیر ممکن است؛ این کار با عزم راسخ ممکن است؛ ولی با میل به انفعال و تسلیم، هیچ وقت دنیای اسلام به اهداف خود نخواهد رسید؛ با ترس از دشمن و بی اعتقادی به نیروی مردم، هرگز مقاصد دنیای اسلام و امت اسلامی برآورده نخواهد شد.

قدرت توده های ملت‌های مسلمان؛ عامل شکست بیگانگان

این توده های میلیونی مردم که در کشورهای اسلامی می بینید، یک قدرت عظیمی است که اگر این قدرت فعال بشود، هیچ قدرت بیگانه ای در مقابل آن نمی تواند ایستادگی کند. نمونه اش همین اتفاقی است که افتاد و خدای متعال حجت را بر ما تمام کرد. حادثه ی لبنان و پیروزی واضح حزب الله که حقیقتاً مصداق «کم فئه قلیله غلبت فئه کثیره باذن الله و الله مع الصّیابرین» بود، حجت را بر ما تمام کرد. البته دشمنان اسلام نیروی مردم را انکار کردند و سیاستمداران را به نیروی ملت‌های خودشان بی اعتقاد کردند. به نظر ما یکی از بزرگترین هنرهای امام راحل ما این بود که این نیروی مردم را شناخت و آن را کشف کرد و از آن بهره گرفت؛ و به مردم اعتماد کرد.

وضع ایران قبل از پیروزی انقلاب، وضع خوبی نبود؛ مردم در حال بی تکلیفی، دشمنان مسلط، اینجا پایگاه اسرائیل و استراحتگاه سران رژیم صهیونیستی، که می آمدند می بردند، می خوردند و استفاده ی سیاسی و مالی می کردند. آن روزی که بعضی از کشورهای عرب تصمیم گرفتند که از نفت علیه اسرائیل استفاده کنند، شاه ایران دل صهیونیستها را گرم کرد و گفت من به شما نفت می دهم. وضع ایران در آن روز این گونه بود و کسی امیدی نداشت؛ اما امام راحل ما (قدّس الله نفسه الزّکیه) وقتی همت گماشت و بر این مبارزه عزم کرد، هیچ نیرویی جز نیروی مردم نداشت. او به این نیرو معرفت پیدا کرد؛ به این نیرو تکیه کرد و خدای متعال هم که همه چیز دست اوست - که «و ما رمیت اذ رمیت و لکنّ الله رمی» - دلها را منقلب کرد. وقتی دلها متوجه به این حقیقت شد، نیروها به میدان آمدند و قدرت رژیم طاغوتی و وابسته شاه متزلزل شد و نظام اسلامی در این کشور سر بلند کرد. ما در حساسترین نقطه ی دنیای اسلام و بر سر چهارراه قرار داریم و بیشترین نقطه اعتماد امریکا و استکبار در این منطقه، بر رژیم سلطنتی شاه بود.

نیروی مردم را باید شناخت. این نیرو، نیروی عظیمی است. برای به میدان آوردن این نیرو، همت و عزم و اخلاص و مجاهدت لازم است. اگر مردم داخل میدان شوند و سیاستمداران و زمامداران کشورها با توده های میلیونی مردم کشورهاشان نزدیک شوند، هیچ قدرتی نمی تواند در مقابل آنها ایستادگی کند و هیچ تهدیدی روی آنها تأثیر نخواهد گذاشت. البته بدون جهاد، بدون تحمل سختی، انسان به جایی نمی رسد و امت اسلامی باید سختی هایی را تحمل کند، تا بتواند به اهداف بلند خودش برسد؛ اینها وظایف مهمّ امروز ما در دنیای اسلام است.

لزوم پرهیز از ناامیدی و اختلاف

خدا را شکر می کنیم که دلهای جماعت کثیری از ملت‌های مسلمان و برجستگان و علما و زبندگان را به سمت راه درست هدایت کرده است.

اساس کار این است که نگذارید ملت‌ها ناامید شوند؛ نگذارید افق را در مقابل آنها تیره و تار کنند و نگذارید هیبت استکبار، سایه سنگین خود را بر روی دل‌ها و عزم‌ها و اراده‌های ما بیندازد؛ و نگذارید اختلاف ما را ناتوان کند. امروز انسان متأسفانه می‌بیند که حرف‌های امریکا و انگلیس از زبان بعضی از سیاستمداران دنیای اسلام تکرار می‌شود! همان چیزی که آنها می‌خواهند، اینها تکرار می‌کنند و به آتش اختلاف شیعه و سنی و اختلافات فرقه‌ای دنیای اسلام دامن می‌زنند. این، درست بر طبق آن چیزی است که دشمنان اسلام می‌خواهند. باید با این کار مقابله کرد.

ایستادگی؛ عامل خنثی کردن تهدیدها

از خداوند متعال می‌خواهیم که همه‌ی ما را بر آنچه که رضای اوست، موفق بدارد و کمک کند تا ان شاءالله بتوانیم تکلیفمان را انجام بدهیم. ما در جمهوری اسلامی از انجام وعده‌های الهی، با همه‌ی وجود خوشحال هستیم و پی‌درپی انجام وعده‌های الهی را می‌بینیم. البته ماها را تهدید می‌کنند و دائماً تهدید هست؛ هیچ چیز تازه‌ای وجود ندارد - از اول انقلاب، جمهوری اسلامی را تهدید کردند؛ اما جمهوری اسلامی با ایستادگی خود، توانسته این تهدیدها را خنثی کند، بعد از این هم همین جور خواهد بود؛ بعد از این هم تهدیدها خنثی خواهد شد - و هر یک از کشورهای مسلمان که در مقابل تهدیدهای استکبار بایستند و خود را نوازند، این تجربه موفق را دارند که پیروزی را به چشم ببینند؛ انجام وعده‌های الهی را به چشم خودشان مشاهده کنند.

ما دست برادری به سوی همه‌ی اُمتهای اسلامی، به سوی همه‌ی رهبران فکری و رهبران سیاسی دنیای اسلام دراز می‌کنیم و از آنها می‌خواهیم که این پیوند برادری را بیش از پیش مستحکم کنند و امیدواریم خدای متعال چشم دنیای اسلام را به پیروزیهای بیشتری، در زمینه‌های مختلف، ان شاءالله روشن کند.

والسلام علیکم ورحمهالله وبرکاته

گفتار ششم: بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی در روز عید سعید مبعث

اشاره

۱۹/۰۴/۱۳۸۹

ص: ۶۷

تبریک عرض میکنیم این عید بزرگ را به همه ی شما برادران و خواهران عزیز، مسئولین کشور، میهمانان عزیزمان - سفرای کشورهای اسلامی - که در جلسه حضور دارند، و همچنین به ملت بزرگ و مؤمن و مخلص ایران، و به همه ی مسلمانان عالم، و به همه ی آزادگان جهان.

عید مبعث؛ شروع راه رسیدن به خواسته‌های فطری و تاریخی

عید مبعث از این جهت بزرگترین خاطره های تاریخی ماندگار است که یک مقطع فوق العاده حساسی را در تاریخ بشر به وجود آورده است و بر بشریت یک مسیر و راهی را عرضه کرده است که اگر آحاد بشر در این راه حرکت کنند، همه ی خواسته های فطری و طبیعی و مطلوبهای تاریخی طبیعی بشریت برآورده خواهد شد.

عدالت؛ خواستهی بزرگ بشریت

در طول تاریخ که نگاه کنید، بشریت از نبود عدالت مینالیده است. یعنی عدالت، خواسته ی بزرگ همه ی آحاد بشر در طول تاریخ است. امروز اگر کسی پرچم عدالت را به دست بگیرد، در حقیقت یک خواسته ی تاریخی طولانی طبیعی فطری انسان را مطرح کرده است. آئین اسلام، حرکت اسلام، بعثت نبی مکرم، در وهله ی اول و جزو فهرست اولین هدفها، به دنبال عدالت است؛ مثل همه ی پیغمبران دیگر.

صلح و آرامش؛ خواسته ی اساسی بشر

یک خواسته ی مهم بزرگ اساسی دیگر بشر، صلح و امنیت و آرامش است. انسانها برای زندگی، برای پرورش فکر، برای پیشرفت عمل، برای آسایش روان، احتیاج دارند به آرامش، به محیط و فضای امن و آرام؛ چه

در درون خودشان، چه در محیط خانواده، چه در محیط جامعه، چه در محیط بین الملل. آرامش و امنیت و سلامت و صلح، یکی از خواسته های اساسی بشر است. اسلام پیام آور امنیت و صلح و سلامت است.

اسلام؛ دین فطرت

اینکه ما به تبع قرآن و با تعلیم قرآن میگوئیم اسلام دین فطرت است، یعنی این. آن راهی را که اسلام در مقابل بشر میگذارد، راه فطرت است؛ راه برآوردن نیازهای فطری انسان است. با این جامعیت، با این دقت، با این اهتمام، بعثت پیغمبر اکرم از سوی پروردگار عالم به وجود آمد و فلاح بشریت را به او وعده و مژده داد؛ «بشیرا و نذیرا». بشارت، در درجه ی اول، بشارت به همین زندگی آرام، زندگی همراه با عدالت، زندگی متناسب با ساخت بشر است. البته دنبال این هم، بشارت ثواب الهی است که مربوط به زندگی دائم انسان است. لذا بعثت پیغمبر در واقع بعثت رحمت است. با این بعثت، رحمت الهی شامل حال بندگان خدا شد؛ این راه، جلوی انسانها باز شد؛ عدالت را مطرح کرد، امنیت و سلامت را مطرح کرد؛ «قد جائکم من الله نور و کتاب مبین. یهدی به الله من اتبع رضوانه سبیل السیلام و یخرجهم من الظلمات الی النور». با این دستورها، با این تعالیم، پیغمبر اکرم راه های سلامت را، راه های امنیت را به انسانها نشان داد. این سبیل سلام - راه های امان، راه های آرامش، راه های امنیت - مربوط به همه ی محیطهائی است که برای انسان اهمیت دارد؛ از محیط درونی قلبی انسان بگیرید تا محیط جامعه، محیط خانواده، محیط کسب و کار، محیط زندگی جمعی، تا محیط بین المللی. این آن چیزی است که اسلام به دنبال آن است.

مخالفان صلح و عدالت؛ دشمنان اسلام

آنچه که در اسلام به عنوان هدف دشمنی معرفی شده است، دقیقاً عبارت است از آن نقاطی که با این خطوط اصلی زندگی بشر در

معارضه هستند. کسانی که با عدالت مخالفند، کسانی که با صلح و امنیت و آرامش مخالفند، کسانی که با صفا و روح مصفا و متعالی انسانی مخالفند، اینها نقطه ی مقابل دعوت پیغمبرند. برای عدالت است که خدای متعال جهاد را بر مسلمانان واجب کرده است. مخصوص اسلام هم نیست؛ جهاد در همه ی ادیان الهی وجود داشته است. آن کسانی مقابل دعوتند که با آسایش مردم، با آرامش مردم، با آسایش جامعه، با تعالی جامعه مخالفت و معارضه میکنند و دشمن منافع انسانها هستند؛ این همان نقطه ای است که اسلام آن را هدف قرار میدهد. از اول بعثت هم نبی مکرم اسلام، با آیاتی که وحی الهی به اوست، نقاط روشنی را مشخص کرده است.

در همین سوره ی مبارکه ی «اقرأ» که آیات اول آن ظاهراً اولین آیاتی است که بر پیغمبر نازل شده است - آیات بعدی با فاصله نازل شده است، ولی مربوط به همان اوائل بعثت است - میفرماید: «كَلَّا لئن لم ينته لنسفعا بالناصیه. ناصیه كاذبه خاطئه. فلیدع نادیه. سندع الزبانیه». آن کسانی که در مقابل دعوت رحمت، دعوت عزت، دعوت آرامش و امنیت ایستاده اند، در اولین سوره ی قرآن مورد تهدید قرار میگیرند.

یا در سوره ی مبارکه ی «مدثر» که آن هم جزو اولین سوره هائی است که بر پیغمبر نازل شده است، بر روی عنصر معارض با زندگی مردم تکیه میشود: «ذرنی و من خلقت وحیداً. و جعلت له مالا ممدوداً. و بنین شهوداً. و مهّدت له تمهیداً. ثمّ یطمع ان ازید. کلاً انه کان لأیاتنا عنیداً. سأرهقه صعوداً». در مقابل آن کسی که معارض با پیغمبر است، آن کسی که معارض با منافع جامعه ی انسانهاست، آن کسی که معارض راه حق است، اشاره میشود به ایستادگی این حرکت عظیم و این معارضه. لذا در اسلام مبارزه هست، جهاد هست؛ منتها این جهاد، جنگ در مقابل معارضان با آرامش زندگی بشر، معارضان با عدالت، معارضان با سعادت بشر است. لذا قرآن کریم و سیره ی پیغمبر را که ملاحظه کنید، می بینید از همان روزی که حکومت اسلامی تشکیل شد، کسانی بودند غیر مسلمان،

در زیر سایه ی پیغمبر، زندگی امن و امانی داشتند. یهودیانی که در مدینه بودند، پیغمبر با اینها قرارداد بست تا زندگی آرامی را در کنار پیغمبر بگذرانند؛ منتها توطئه کردند، معارضه کردند، خیانت کردند، از پشت خنجر فرو کردند؛ لذا پیغمبر در مقابل اینها ایستاد. اگر یهود مدینه معارضه نمیکردند، دشمنی نمیکردند، خیانت نمیکردند، شاید پیغمبر هرگز به آنها تعرضی هم نمیکرد.

دعوت اسلام؛ دعوت معنوی

بنابراین دعوت اسلامی، دعوت معنوی است؛ دعوت با استدلال است؛ دعوت به معنای عرضه ی زندگی روشن و سعادت آمیز برای بشر است.

معارضینی در مقابل پیدا میشوند؛ اسلام این معارضین را از سر راه برمیدارد. اسلام منفعل عمل نمیکند. اگر معارضی وجود داشته باشد که معارض سعادت انسان است، معارض دعوت حق است، اسلام با این معارض پنجه در می افکند و در مقابل او ایستادگی میکند. این را مقایسه کنید با آنچه که قدرتهای متجاوز عالم در طول تاریخ عمل کرده اند، امروز هم عمل میکنند؛ جنگ میکنند برای توسعه ی قدرت، جنگ میکنند برای توسعه ی بی عدالتی.

جاهلیت مدرن؛ گرفتاری دنیای امروز

امروز شما در دنیا نگاه کنید؛ قدرتهای مسلط و مستکبر عالم تسلیحات درست میکنند، برای تهدید بشریت، نه برای گسترش عدالت؛ برای گسترش بی عدالتی، نه برای دادن امنیت به بشر؛ بلکه برای سلب امنیت از کسانی که تسلیم آنها نباشند. امروز مسئله در دنیا این است.

اینکه ما جاهلیت مستقر امروز دنیا را جاهلیت مدرن مینامیم، به خاطر همین است. دوران جاهلیت پایان نیافته است. جاهلیت یعنی مقابله ی با حق، مقابله ی با توحید، مقابله ی با حقوق انسان، مقابله ی با

راهی که خدا برای انسانها در جهت سعادت گشوده است. این جاهلیت، امروز هم هست؛ با شکل مدرن، با استفاده ی از دانش، با استفاده ی از فناوری های پیشرفته، با استفاده ی از سلاح هسته ای، با استفاده ی از انواع تسلیحات برای پر کردن کیسه ی صاحبان صنعتهای مخرب و منهدم کننده ی زندگی بشر.

داستان تسلیحات و هزینه های نظامی، امروز در دنیا یکی از داستانهای غم انگیز بشریت است. امروز در دنیا کارخانه های اسلحه سازی انواع سلاحها را میسازند، برای اینکه این سلاحها فروش برود. در دنیا جنگ ایجاد میکنند، انسانها را به جان هم می اندازند، دولتها را در مقابل هم قرار میدهند، ایجاد تهدید میکنند تا بتوانند فکر خائنه و طمع خباثت آلود خودشان را تأمین و اشباع و ارضاء کنند.

منفعت جنگ برای ابرقدرتها

لذا تا وقتی که ابرقدرتها سلسله جنبان مسائل جهانی هستند، جنگ در دنیا تمام نمیشود. جنگ برای آنها دارای منافع مادی است. این جنگ، جنگ در راه عدالت نیست. دروغ میگویند آمریکائی ها و دیگران که میگویند ما جنگ میکنیم برای اینکه امنیت بدهیم؛ نه، درست عکس این است. هر جا حضور نظامی و حرکت نظامی دارند، موجب ناامنی و موجب بی عدالتی و موجب سخت کردن زندگی برای انسانها هستند. از وقتی که این ابزارهای مدرن در دنیا به وجود آمده است، انسانها دچار فشارند. در طول چهل و پنج سال - یعنی از بعد از جنگ جهانی دوّم تا سال ۱۹۹۰ مسیحی - که به اصطلاح دوران «جنگ سرد» نامیده میشود، در گزارشهای رسمی بین المللی آمده است که فقط سه هفته در دنیا جنگ وجود نداشته است! در تمام این چهل و پنج سال، در گوشه و کنار دنیا جنگهایی وجود داشته است. این جنگها را کی به وجود می آورد؟ همان کسانی که تسلیحات را تولید میکنند. هزینه های نظامی قدرتهای بزرگ، امروز یکی از سرسام آورترین هزینه هاست. طبق آمارهای

خودشان، در همین سال گذشته ی مسیحی، دولت آمریکا بیش از ششصد میلیارد دلار صرف هزینه های نظامی کرده است! این هزینه های نظامی را ما امروز در همسایگی خودمان داریم مشاهده میکنیم. این هزینه ها صرف افغانستان میشود، برای سرکوب ملت مسلمان افغانستان؛ صرف عراق میشود، برای در قبضه نگهداشتن ملت عراق؛ صرف کمک به رژیم خبیث صهیونیستی میشود، برای ملتیب نگهداشتن همیشگی خاورمیانه. امروز جهت قدرتهای فاسد این است. اسلام با اینها مبارزه میکند، با اینها مخالفت میکند.

آنهاى که صرفه و صلاحشان در این است که ملتهای مسلمان و دولتهای مسلمان با یکدیگر بجنگند، از یکدیگر متنفر باشند، از یکدیگر بترسند، یکدیگر را تهدید به حساب بیاورند، اینها همان کسانی هستند که دوام قدرت استکباری و استعماری شان به این وابسته است که در دنیا جنگ باشد؛ جنگ برای آنها وسیله ی غارتگری های آنهاست. این همه انسانها نابود بشوند، این همه اموال ملتها صرف خرید تسلیحات بشود، صرف تولید تسلیحات گران قیمت بشود، برای چه؟ برای اینکه صاحبان کمپانی های بزرگ پول بیشتری به دست بیاورند، لذت بیشتری از زندگی شان ببرند. این همان نظام طاغوتی جاهلانه ی خطرناک بشریت است که متأسفانه بر زندگی انسانهای دور از جاده ی توحید حاکم است.

زوال جاهلیت مدرن با بیداری ملتها

قطعاً این روش باقی نمیماند؛ چون خلاف حق است، چون باطل است، از بین رفتنی است؛ «جاء الحقّ و زهق الباطل انّ الباطل كان زهوقاً». باطل یعنی آن چیزی که برخلاف سنت الهی در آفرینش است؛ این از بین رفتنی است، این زائل شدنی است، این ماندنی نیست. و نشانه های این زوال را هم امروز انسان مشاهده میکند. انسان به وضع بین المللی که نگاه میکند، نشانه های این زوال را می بیند.

وضع دنیا عوض شده است؛ ملتها بیدار شده اند؛ خوشبختانه این

بیداری در ملت‌های مسلمان بیشتر است؛ ملت‌های مسلمان، حکومت‌های مسلمان، اهمیت اسلام و عظمت اسلام و عظمت این تکیه گاه مورد اعتماد و قابل اطمینان را دارند درک میکنند. امروز بیداری اسلامی در دنیای اسلام موجب شده است که قدرتها دیگر آن توانائی گذشته را نداشته باشند. وضع آمریکا امروز با گذشته فرق کرده است. قدرتها بعد از آمریکا هم وضعیتشان همین جور است؛ معلوم است. ملت‌های مسلمان باید راه توحید را مغتنم بشمرند و وعده ی الهی را صادق بدانند. امروز سعادت مسلمانها در این است که بر محور اسلام با یکدیگر متحد شوند.

دشمنی دشمنان بشریت با بیداری اسلامی

البته دشمنی هست و خواهد بود. هر جا بیداری بیشتر باشد، دشمنان بشریت احساس خطر بیشتری میکنند؛ لذا دشمنی بیشتری میکنند. ما معنای دشمنی هائی را که امروز با جمهوری اسلامی میشود، خوب میدانیم، خوب میشناسیم و علت این دشمنی ها را میدانیم: چون جمهوری اسلامی پرچم بیداری ملت‌های مسلمان را در دست گرفته است. چون جمهوری اسلامی ملت‌ها و دولت‌ها را به اتحاد و عزت دعوت میکند و میگوید ملت‌ها و دولت‌ها در سایه ی اسلام عزت خودشان را قدر بدانند. دشمنی به خاطر این است؛ این را ما میدانیم. ما میدانیم که این دشمنی ها ناکام خواهد شد؛ همچنان که تا امروز ناکام بوده است. سی و یک سال است که علیه جمهوری اسلامی تلاش میکنند، و سی و یک سال است که به فضل پروردگار جمهوری اسلامی روزه ریشه دارتر و قوی تر میشود. این روند همچنان ادامه خواهد داشت. دشمنی هرچه ادامه پیدا کند، مردم ما، مردم مسلمان، عقبه های مردمی در دنیای اسلام، بیشتر خود را باز خواهند یافت؛ بیشتر قدر خود را خواهند شناخت.

زوال پذیر بودن قدرتها باطل

امیدواریم که خداوند متعال به همه ی دولت‌های اسلامی و به همه ی

ملت‌های اسلامی کمک کند که به خودشان اعتماد کنند، به خودشان تکیه کنند، از قدرتهای مستکبر نترسند؛ بدانند که این قدرتها نیرویشان رو به زوال است؛ نیروی جعلی و باطل است، و این باطل باقی ماندنی نیست؛ آنچه که میماند، آن چیزی است که به سود بشریت است، به سود انسانهاست؛ «و اما ما ینفع الناس فیمکث فی الأرض».

امیدواریم خداوند متعال به برکت بعثت نبوی، همه ی ما را به طریق اسلام و به راه های اسلام بیشتر نزدیک کند؛ دل‌های ما را با احکام الهی و با معارف الهی، بیشتر آشنا کند؛ دل‌های ملت‌های مسلمان را به یکدیگر نزدیک کند؛ دست‌های دولتهای مسلمان را در دست یکدیگر گره بزند تا امت اسلامی ان شاءالله بتواند قدرت خود و عزت خود و آبروی خود را از دست رفته ی خود را باز یابد.

والسلام علیکم ورحمہ اللہ وبرکاتہ

ص: ۷۶

گفتار هفتم: خطبه های نماز جمعه تهران در سالروز شهادت حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام

اشاره

۱۵/۱۱/۱۳۸۹

ص: ۷۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين نحمده و نستعينه و نستغفره و نتوكل عليه و نصلي و نسلم على حبيبه و نجيبه و خيرته في خلقه حافظ سرّه و مبلغ رسالاته بشير رحمته و نذير نعمته سيدنا و نبينا ابي القاسم المصطفى محمد و على اله الأطيبين الأطهرين المنتجبين الهداه المهديين المعصومين المكرمين سيما بقيه الله في الأرضين. و نصلي و نسلم على ائمه المسلمين و حماه المستضعفين و هداه المؤمنين.

اوصيكم عباد الله بتقوى الله.

تقوا؛ عامل گشوده شدن همه ی راه های بسته

همه ی شما برادران عزیز و خواهران عزیز و نمازگزاران گرامی و خودم را توصیه میکنم به رعایت تقوای الهی. امروز روز شهادت علی بن موسی الرضا ابي الحسن (عليه الاف التحية و السلام) است. روزهای قبل هم مردم ما یاد رحلت نبی معظم و مکرم اسلام، حضرت محمد بن عبدالله (صلى الله عليه و اله و سلم) و شهادت جانسوز سبط اکبر، حضرت مجتبی را گرامی داشتند. این مصیبتهای بزرگ، این حوادث ناگوار و دردآور تاریخ را به شما مؤمنان نمازگزار و همه ی ملت ایران و همه ی شیعیان و همه ی مسلمین عالم تسلیت عرض میکنم. خدای متعال به پیغمبر خود هم میفرماید: «يا ايها النبي اتق الله». تقوا، لزوم تقوا، رعایت تقوا، مخاطبش حتی وجود مقدس پیغمبر است. خدا را در نظر داشته باشیم؛ مراقب اعمال خود، رفتار خود، گفتار خود، حتی افکار و تصورات خود باشیم؛ این معنای تقواست. اگر این حاصل شد، همه ی راه های بسته گشوده خواهد شد و خدای متعال در همه ی مراحل، ملتی

را که دارای تقواست، یاری خواهد کرد.

بیداری اسلامی کشورهای عربی؛ انعکاس صدای ملت ایران

دهه ی فجر و بیست و دوّم بهمن امسال یک شور و حال دیگری دارد؛ زیرا مردم پس از سالها مجاهدتِ خود مشاهده میکنند که انعکاس صدای آنها، فریاد مظلومانه و قدرتمندانه ی آنها امروز در مناطق دیگری از دنیای اسلام با قوّت و قدرت شنیده میشود.

حوادث امروز شمال آفریقا، کشور مصر، کشور تونس، برخی کشورهای دیگر، برای ما ملت ایران معنای دیگری دارد، معنای خاصی دارد؛ این همان چیزی است که همیشه به عنوان حدوث بیداری اسلامی، به مناسبت پیروزی انقلاب بزرگ اسلامی ملت ایران گفته میشود؛ امروز خودش را دارد نشان میدهد؛ لذا این دهه مهمّ است.

انقلاب اسلامی؛ برهم زنده ی معادلات مستکبران

امروز من در خطبه ی اوّل، یک مطلبی را درباره ی انقلابمان عرض میکنم، در خطبه ی دوّم هم اندکی به مسائل مصر و تونس میپردازم و بعد با اجازه ی شما نمازگزاران محترم، خطاب را به زبان عربی به مسلمانان عرب زبان در سراسر منطقه متوجه خواهم کرد؛ ان شاءالله.

آنچه که من درباره ی انقلابمان، درباره ی این حادثه ی عظیم ملت ایران عرض میکنم - که برای ما آموزنده است، عبرت آموز است - اوّلاً یک تصویری است از واقعتهای جهان، تا بینیم مستکبران، استعمارگران، زورگویان عالم، قدرتهای مسلط چه میخواستند و چه شد؛ دنبال چه بودند، اما در عمل چه اتفاق افتاد؛ بعد هم دو ویژگی از ویژگی های انقلاب را که مربوط به همین دوره ی ماست، عرض خواهم کرد.

در آن بخش اوّل که مربوط به تصویر وضعیت موجود و تطبیق و مقایسه ی آن با آن چیزی است که زورگویان و قلدران عالم دنبال آن بودند، عرض میکنم: فاتحان جنگ بین الملل اوّل و دوّم که عمدتاً چند

کشور اروپائی و آمریکا بودند، اینها برای این منطقه ی مهم خاورمیانه یک سیاست تثبیت شده ای داشتند؛ چون این منطقه، هم از لحاظ موقعیت سوق الجیشی مهم است، منطقه ی اتصال آسیا و اروپا و آفریقا، هم یکی از بزرگترین انبارهای نفت عالم است - که نفت، شریان حیاتی همه ی قدرتهای صنعتی است که بر دنیا مسلطند - هم از لحاظ ملتها، اینجا دارای ملت‌های کهن، ریشه دار و با سوابق تاریخی است؛ لذا برای این منطقه یک سیاستی را اتخاذ کردند. آن سیاست عبارت بود از اینکه در این منطقه باید کشورهایی، واحدهای سیاسی ای وجود داشته باشند که این خصوصیات را داشته باشند: اولاً ضعیف باشند؛ ثانیاً با یکدیگر دشمن باشند، مخالف باشند، با هم کنار نیایند، نتوانند اتحاد بکنند - لذا دیدید سیاست تقویت ناسیونالیسم عربی، ناسیونالیسم ترکی، ناسیونالیسم ایرانی در طول سالهای متمادی دنبال شد - ثالثاً حکامشان از لحاظ سیاسی، دست نشانده باشند، مطیع باشند، زیر بار قدرتهای غربی بروند، حرف گوش کن باشند؛ رابعاً از لحاظ اقتصادی مصرف کننده باشند؛ یعنی نفتی را که تقریباً مفت از چنگ اینها خارج میکنند، پول همان نفت را باز خرج واردات کنند، خرج مصرف کنند تا کارخانه های غربی رونق بگیرد؛ خامساً از لحاظ علمی عقب افتاده باشند، اجازه ی پیشرفت علمی به آنها داده نشود. اینهایی که من عرض میکنم، سرفصل است. هر کدام از اینها حقیقتاً یک کتاب شرح و تفصیل دارد. چطور در ایران ما، در بعضی کشورهای دیگر، از توسعه ی علم، تعمیق علم جلوگیری میکردند. ملت‌های این منطقه، از لحاظ فرهنگی، مقلد محض اروپائی ها باشند؛ از لحاظ نظامی، ذلیل و آسیب پذیر و ضعیف باشند؛ از لحاظ اخلاقی، فاسد باشند، دچار انحطاطهای گوناگون اخلاقی باشند؛ از لحاظ مذهبی هم کاملاً سطحی و قانع به مذهب فردی و احیاناً مذهب تشریفاتی باشند. این تصویری بود که آنها از این منطقه برای خودشان درست کرده بودند، برای این سیاستگذاری کردند؛ شاید استراتژیستهای غربی هزارها ساعت نشستند درباره ی این مسائل مطالعه کردند، فکر کردند، برنامه ریزی

کردند، آدمه‌اشان را اینجا در کشورهای این منطقه معین کردند و به وسیله‌ی آنها کارها را انجام دادند. با این تحلیل میشود رفتار رضاخان را درست فهمید، رفتار محمدرضا را فهمید، رفتار مصطفی کمال ترکیه و دیگران و دیگران را فهمید. این، برنامه‌ی اینها بود.

موفق هم شدند. تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، جز در برهه‌های کوتاهی از زمان، آن هم در بخشی از این مسائل، موفق شدند. فقط در یک برهه‌های کوتاهی، حالا در مصر مثلاً در یک چند سالی یک حکومت ملی سر کار آمد، در ایران یک جور دیگر، در جاهای دیگر یک جور دیگر؛ لیکن عموماً به طور مطلق که نگاه میکنیم، در همه‌ی این بخشها اینها پیشرفت کردند، تا قبل از انقلاب. اما ناگهان حادثه‌ی بزرگی، انفجار عظیمی رخ داد که همه‌ی اوضاع اینها را به هم ریخت. یک مرد عالم، برجسته، حکیم، فقیه، مجاهد، شجاع، خطرپذیر و نافذالکلمه به نام امام خمینی در ملت ایران ظهور کرد که حقیقتاً ظهور این مرد، حضور این مرد، تربیت این انسان بزرگ، کار خدا بود. این تقدیر الهی بود که یک چنین اتفاقی بیفتد. مردم ایران هم آماده بودند، استقبال کردند، پذیرفتند، خطرها را به جان خریدند، وارد میدان شدند، جانشان را دادند، مالشان را دادند، امتحان خوبی پس دادند؛ لذا انقلاب اسلامی به وجود آمد. همه‌ی این حسابها به هم ریخت، این محاسبات خراب شد، دچار اختلال شد. انقلاب اسلامی در ایران، قوی ظاهر شد و قوی ادامه پیدا کرد. یعنی اینجور نبود که سال اول و دوم و سوم یک هیجانی به وجود بیاید، بعد مسائل تمام بشود؛ نه، ادامه پیدا کرد؛ که من بعداً درباره‌ی همین ادامه و استمرار عرائضی دارم که عرض خواهم کرد.

توطئه‌های استکبار برای شکست انقلاب اسلامی

الف) به سقوط کشاندن انقلاب

امام مثل کوه ایستاد، ملت هم پشت سر امام مثل کوه استواری ایستادند؛ جبهه‌ی دشمن هم - یک دشمن نبود، یک جبهه بودند - هرچه

توانستند، تلاش کردند؛ هر کاری از دستشان برمی آمد، کردند؛ از جنگهای خیابانی، تا جنگهای قومی، تا کودتای نظامی، تا تحمیل جنگ هشت ساله، تا تحریم اقتصادی، تا به راه انداختن ماشین عظیم جنگ روانی در طول سی و دو سال. سی و دو سال است که علیه ملت ایران و علیه انقلاب و علیه امام جنگ روانی وجود دارد: دروغ گفتند، تهمت زدند، شایعه پخش کردند، سعی کردند ایجاد اختلاف کنند، سعی کردند راه ها را در داخل منحرف کنند.

هدفهایی که آنها دنبال میکردند، در درجه ی اول، سقوط انقلاب و سقوط نظام جمهوری اسلامی بود. هدف اول، براندازی بود.

ب) استحاله ی انقلاب

هدف بعدی این بود که اگر براندازی نظام جمهوری اسلامی تحقق پیدا نکند، انقلاب را استحاله کنند؛ یعنی صورت انقلاب باقی بماند، اما باطن انقلاب، سیرت انقلاب، روح انقلاب از بین برود. در این زمینه خیلی تلاش کردند؛ که آخرین نمایشنامه ی آنها که روی صحنه آمد، همین فتنه ی ۸۸ بود. در حقیقت، یک تلاشی بود. یک عده ای در داخل، به خاطر حب به نفس، حب به مقام - از این قبیل امراض خطرناک نفسانی - اسیر این توطئه شدند. من بارها گفته ام؛ طراح و نقشه کش و مدیر صحنه، در بیرون از این مرزها بود و هست. در داخل با آنها همکاری کردند؛ بعضی دانسته، بعضی ندانسته. این هم هدف دوم.

ج) نفوذ عناصر ضعیف النفس در نظام

هدف سوم هم باز این بود و هست که کاری کنند که اگر نظام اسلامی باقی میماند، از عناصر ضعیف النفسی که میتوان در آنها نفوذ کرد، استفاده کنند و اینها را در مسائل کشور، در واقع طرفهای اصلی خودشان قرار بدهند. بالاخره نظامی به وجود بیاید و ادامه پیدا کند که قدرت کافی نداشته باشد، ضعیف باشد، مطیع باشد - عمده این است که

سرسپرده باشد، مطیع باشد - در مقابل آمریکا نایستد، قد علم نکند. اهداف اینهاست.

بیداری نخبگان و ملت؛ عامل به شکست کشاندن توطئه ها

این کارها و این مراحل گوناگون تا امروز شکست خورده است، تا امروز نتوانستند. البته خیلی تلاش کرده اند، کارهای گوناگونی را دنبال کرده اند - که حالا- در خلال عرایض به بعضی از آنها اشاره خواهم کرد - در تلاش خودشان کم نگذاشتند، لیکن توفیق پیدا نکردند؛ چون مردم بیدار بودند. ما در جامعه، نخبگان خوبی داریم؛ ملت خوبی داریم؛ مسئولان خوبی داریم. الحمدلله تا امروز دشمن نتوانسته است آن هدفهای خود را انجام دهد. انقلاب راه خود را ادامه داده است و پیش رفته است.

تغییرات اساسی برخاسته ی از انقلاب

اشاره

حالا- در انقلاب چه اتفاق افتاد؟ ببینید، اینها مهم است. این انقلابی که در ایران اتفاق افتاد، تغییراتی را به وجود آورد که از لحاظ عمق و ژرفا تغییرات مهمی است، تغییرات اساسی است. بر اساس این تغییرات است که میشود جامعه را پیش برد و تغییرات گسترده ای به وجود آورد. این پایه های اصلی، محکم گذاشته شد.

من چند مورد از این تغییراتی را که اتفاق افتاد، عرض میکنم. البته اینها را همه میدانید، همه میدانیم، جلوی چشم ماست؛ لیکن همان طوری که خدای متعال در قرآن، ما را متوجه خورشید میکند - «والشَّمْسُ وَضَحِيهَا»؛ خورشید جلوی چشم ماست، اما سوگند یاد میکند تا ما توجه پیدا کنیم که این پدیده، این حادثه، این موجود اینقدر دارای عظمت است - ما هم باید به این پدیده های عظیم اطراف خود توجه کنیم؛ لذا گفتن اینها از این جهت لازم است که خودمان توجه پیدا کنیم.

اولاً- پیش از انقلاب، نظام حاکم بر کشور، یک نظام اسلام ستیز عمقی بود. آنها با ظواهر خیلی کاری نداشتند، اما از لحاظ عمق، حقیقتاً دنبال زدن ریشه های ایمان اسلامی مردم بودند. در این زمینه هم مثالها، شواهد، خاطره ها، فراوان در ذهن بنده هست، که مجال نیست عرض کنم. انقلاب آمد درست صد و هشتاد درجه نقطه ی مقابل آنها، اسلام را محور اداره ی کشور قرار داد؛ محور مدیریت قرار داد؛ احکام و قوانین اسلامی، معیار و ملاک رد و قبول قوانین کشور و معیار عمل مجریان کشور است.

ب) تبدیل کشور از یک وابسته به یک کشور مستقل

قبل از انقلاب، کشور از لحاظ سیاسی وابسته بود؛ یعنی حکومت، چه خود محمدرضا، چه دستگاه های گوناگون، مطیع آمریکا بودند؛ منتظر اشاره ی آمریکا بودند. باز شواهد فراوان است. آدمی پا میشود از اینجا میرود آمریکا - دکتر امینی - برای اینکه آمریکائی ها را قانع کند که بشود نخست وزیر در ایران. آمد، شد نخست وزیر! بعد از یکی دو سال، شاه که با او مخالف بود، بلند شد رفت آمریکا، آمریکائی ها را قانع کرد که او را از نخست وزیری عزل کند. آمد او را از نخست وزیری عزل کرد! این، وضع مملکت ما بود. برای انتخاب نخست وزیر، شاه مملکت، رئیس کشور محتاج موافقت و رضایت آمریکا بود! در بسیاری از مسائل، شاه سفیر آمریکا و سفیر انگلیس را به کاخ خود دعوت میکرد تا تصمیمی را که میخواهد بگیرد، با آنها در میان بگذارد! اگر آنها مخالف بودند، تصمیم عملی نمیشد. وابستگی سیاسی یعنی این. مطیع آمریکا بودند؛ قبل از دوره ی آمریکا هم مطیع انگلیس. رضاخان را انگلیسی ها خودشان آوردند سرکار؛ وقتی دیدند دیگر به دردشان نمیخورد، خودشان از حکومت عزلش کردند، از کشور بیرونش کردند، پسرش را آوردند سر کار. این قبل از انقلاب بود.

انقلاب آمد استقلال کامل سیاسی را به کشور داد. یعنی امروز در این

دنیای بزرگ، در میان این قدرتهای بزرگ، یک قدرت وجود ندارد که بتواند ادعا کند خواست او، اراده ی او بر اراده ی مسئولین کشور یا ملت ایران اندک تأثیری دارد. این نکته ی بخصوص - یعنی ایستادگی، استقلال، عزت سیاسی - بیشترین جذابیت را برای ملتها دارد. اینکه می بینید ملتها نسبت به ملت بزرگ ایران احساس احترام میکنند، بخش عمده اش مربوط به این قسمت است: استقلال سیاسی.

ج) تبدیل نظام سلطنتی به نظام مردم سالار

قبل از انقلاب، حکومت سلطنتی بود. نقطه ی مقابل آن، مردم سالاری است. در حکومت سلطنتی، مردم هیچکاره اند؛ در حکومت مردم سالاری، مردم همه کاره اند. قبل از انقلاب، حکومت، وراثتی بود؛ یکی میمرد، یکی را به جای خودش معین میکرد؛ یعنی مردم هیچ نقشی نداشتند؛ میخواستند، نمیخواستند، ناچار باید قبول میکردند. در جمهوری اسلامی به برکت انقلاب، حکومت انتخابی است؛ مردم انتخاب میکنند؛ مذاق مردم، خواست مردم تعیین کننده است. قبل از انقلاب، حکومت، دیکتاتوری امنیتی بود؛ دیکتاتوری سخت و سیاه. بنده یادم هست؛ یکی از دوستان ما از پاکستان آمد پیش من - قاجاقی آمده بود مشهد - نقل میکرد، صحبت میکرد؛ گفت بله، فلان اعلامیه را ما توی پارک، با دوستان داشتیم میخواندیم. من تعجب کردم؛ توی پارک؟! اعلامیه؟! ممکن است چنین چیزی؟! اصلاً به ذهن ما خطور نمیکرد که کسی یک اعلامیه توی جیبش باشد و مقداری انتقاد از دستگاه در آن اعلامیه باشد و بتواند توی کوچه راه برود. این وضع دیکتاتوری امنیتی آن روز بود. انقلاب آمد فضای آزاد را، فضای نقد را، فضای اصلاح را، فضای تذکر را، حتی فضای مخالفت و اعتراض را برای مردم باز کرد. در طول این سی و دو سال همین جور بوده است؛ حتی سالهای اول انقلاب.

د) تبدیل کشور از وابسته ی علمی، صنعتی و نظامی به کشوری خودکفا

قبل از انقلاب، تکیه ی علم و فناوری کشور به طور کامل به غرب بود. بارها گفته ام؛ بعضی از قطعات هواپیماهای نظامی ما را که خراب شده بود، سائیده شده بود، بنا بود اصلاح شود، اجازه نمیدادند مهندسین داخلی نیروی هوایی این قطعه را باز کنند، ببینند چی هست، چه برسد به اینکه به فکر درست کردنش بیفتند. قطعه را می گذاشتند توی هواپیما، میبردند آمریکا، یکی به جایش می آوردند؛ یا اگر بنا بود اصلاحش کنند، اصلاحش میکردند. صنعتی که وجود داشت، صنعت مونتاژ محض بود، بدون هیچ ابتکاری. بعد از انقلاب، خودباوری علمی و اعتماد به نفس ملی به وجود آمد؛ حضور این همه دانشمند، دانشمندان برجسته و بزرگ، در رشته های مختلف، مشاهده شد. امروز ما دانشمندانی در داخل کشور داریم که در سطح جهان، شبیه آنها و نظیر آنها قابل شمارشند؛ تعداد معدودی هستند. دانشمندان ما پیش رفتند؛ غالباً هم جوان.

ه) تبدیل کشور از عنصر بی تأثیر به کشوری تأثیرگذار در مسائل جهانی

قبل از انقلاب، کشور ایران در مسائل جهان، حتی در مسائل منطقه، هیچ تأثیری نداشت؛ یک کشور تحقیر شده ای بود؛ هیچگونه تأثیری در مسائل نمیتوانست بگذارد. بعد از انقلاب، عزت و عظمت این ملت در چشم ملتهای جهان، تأثیرش در قضایای منطقه، دشمنان را مبهوت کرده؛ دشمنان به اقرار و اعتراف وادار شدند. امروز شما نگاه کنید؛ توی این سایتهایی که خبرهای خارجی را می آورند، دائم از نفوذ ایران، از تسلط ایران، از حضور ایران در قضایای منطقه ذکر میشود؛ حتی با انگیزه های مغرضانه، اما اعتراف میکنند.

قبل از انقلاب، در زمینه های فرهنگی، ما مقلد محض بودیم؛ اما بعد از انقلاب، تهاجم فرهنگی به عنوان یک خطر شناخته شد. از این قبیل سرفصلها زیاد است. اینها چیزهای اساسی است.

ثمرات انقلاب؛ پایه های بنای تمدنی عظیم

وقتی در یک کشور این پایه ها گذاشته شد، آنگاه این ملت میتواند امیدوار باشد که بر روی این پایه ها بنای یک تمدن جدید و عظیم را میتواند پایه گذاری کند. خب، هر کدام از این خصوصیات به نحوی جلب نظر ملتها را میکند. ملتهای دیگر نگاه میکنند، می بینند، مجذوب میشوند، تحسین میکنند؛ که البته از همه مهمتر، همان مسئله ی استقلال سیاسی و ایستادگی در مقابل زورگویی دشمنان است.

قانون اساسی و کارنامه ی موفقیتهای جمهوری اسلامی؛ شکننده ی تابوهای غرب

من یک جمله ای را از یک مقام غربی نقل کنم. بنده دأبم نیست از قول این سیاستمدارها و معاریف غربی چیزی بگویم؛ اما این جمله ی جالبی است. او میگوید: دو چیز است که اگر در میان مسلمانها دست به دست بگردد و ملتهای مختلف مسلمان از این دو چیز آگاه شوند، دیگر همه ی تابوهای غرب - یعنی اصول جزمی غرب - در هم خواهد شکست و باطل خواهد شد. این دو چیز چیست؟ این متفکر غربی میگوید: یکی قانون اساسی جمهوری اسلامی است؛ که این قانون اساسی، یک حکومت مردمی و پیشرفتهی امروزی و در عین حال دینی را در چشم مسلمانان جهان ممکن میسازد. این قانون اساسی نشان میدهد که میتوان یک حکومتی داشت که هم متجدد باشد، امروزی باشد، پیشرفته باشد و هم کاملاً دینی باشد. قانون اساسی این را تصویر میکند. میگوید چنین چیزی ممکن است. این یک. دوّم، کارنامه ی موفقیتهای

علمی و اقتصادی و سیاسی و نظامی جمهوری اسلامی است؛ که اگر این دست مسلمانها برسد، می بینند که آن امر ممکن اتفاق افتاده است، واقع شده است. او میگوید اگر ملت‌های مسلمان از این امکان و وقوع نسبی که هم ممکن است، هم در ایران امروز اسلامی به طور نسبی واقع شده است، مطلع شوند، این نظام سازی را پیش چشم داشته باشند، دیگر جلوی سلسله‌ی انقلابها را نمیتوان گرفت.

اشتباه سیاسی غرب؛ عامل افزایش محبوبیت جمهوری اسلامی

امروز این اتفاق افتاده است. البته این اتفاق، امروز نیفتاده است؛ سی سال است. یک مطلبی تدریجاً و آرام آرام در ذهن ملت‌ها جا میگیرد، رشد میکند، پخته میشود، بعد به این صورتی که امروز در شمال آفریقا و در مناطق دیگر مشاهده میکنید، بروز میکند.

البته خود غربی‌ها اشتباهات سیاسی‌ای داشتند؛ این اشتباهات سیاسی هم به جمهوری اسلامی کمک کرد. ببینید، در همین قضیه‌ی هسته‌ای، غربی‌ها اشتباه کردند. برای اینکه با قضیه‌ی هسته‌ای ایران مقابله کنند، آن را بزرگ کردند، جنجال کردند، فشار آوردند که باید جمهوری اسلامی از قضیه‌ی هسته‌ای عقب نشینی کند. خوب، در طول این هفت سال - هفت سال است که آنها دارند تلاش میکنند - دوجیز برای مردم دنیا روشن شد: یکی اینکه ایران توانسته است در قضیه‌ی هسته‌ای پیشرفتهای غیر قابل انتظاری پیدا کند. دوّم اینکه ایران با همه‌ی این فشارها ایستاده و عقب نشینی نمیکند. خوب، این به نفع ملت ایران بود. حالا همه‌ی دنیا میدانند که آمریکا و اروپا و دستیارانشان و دنباله‌روانشان با همه‌ی فشاری که آوردند، نتوانستند بر جمهوری اسلامی فائق بیایند و او را به عقب نشینی وادار کنند. این به دست خود دشمنان ملت ایران شناخته شد؛ یعنی کمک شد به معرفی ملت ایران.

در قضایای دیگر هم همین جور است. جنجال کردند که می‌خواهیم بنزین را تحریم کنیم تا بنزین وارد نشود. خوب، ما وارد کننده‌ی بنزین

بودیم و هستیم. گفتند می‌خواهیم جلوی ورود بنزین را بگیریم. جنجال و هیاهو و سروصدا کردند. تحلیل‌گران‌شان پیش بینی کردند، گفتند کشور شلوغ خواهد شد، مردم چه خواهند کرد. خب، این موجب شد که مسئولین کشور به فکر تولید بیشتر بنزین افتادند. امروز طبق گزارشی که من دارم - البته به توفیق الهی تا بیست و دوّم بهمن - کشور به طور کامل از واردات بنزین بی نیاز میشود. طبق گزارشی که به من دادند، بعد از آن ما حتّی میتوانیم بنزین را صادر کنیم؛ که دستورش را هم داده اند. خب، این جنجال آنها به نفع ملت ایران تمام شد. ناظران بین المللی هم این را دیدند. در همه ی قضایا همین جور است؛ در تحریم سلاح در دوران جنگ همین جور است، در ایجاد جریان موازی و افراطی اسلامی همین جور است. آمدند در همسایگی ما یک جریان افراطی اسلامی را به وجود آوردند، برای تنه زدن به جمهوری اسلامی. حالا آفتی شده به جان خودشان افتاده، نمیتوانند جلویش را بگیرند، نمیدانند چه جوری علاجش کنند. در ایجاد اختلافات مذهبی همین جور بود. در همین فتنه ی ۸۸ همین جور بود. جنجال کردند، هیاهو کردند، گفتند جمهوری اسلامی تمام شد رفت، اختلافات شد، چنین شد، چنان شد؛ بعد نگاه کردند، دیدند ملت ایران فائق آمد. نه دی و بیست و دوی بهمن پارسال جزو ایام الله - به معنی حقیقی کلمه - بود. دلها دست خداست. خدای متعال این دلها را آورد وسط صحنه، ملت ایران عظمت خودش را نشان داد. هر کاری میکنند، به ضررشان تمام میشود. بعد از این هم همین جور خواهد بود. خب، این واقعیتی است که امروز در دنیا وجود دارد. چی می‌خواستند، چی شد!

ثبات و ایستادگی انقلاب، مهمّ ترین عامل برای الگوشدن آن

و اما آن قسمت دوّم که عرض کردم باید بگویم. در هر پدیده ای اگر بخواهیم اهمیت آن را تشخیص دهیم و همچنین موفقیت این کار را تشخیص دهیم، باید نگاه کنیم بینیم این پدیده چقدر توانسته است

الگوسازی کند و سرمشق واقع بشود و چقدر استقامت به خرج داده است، ثبات به خرج داده است، پای حرف خود ایستاده است. انقلابها هم همین جور است. یک انقلاب اگر بخواهد بر روی ذهن و عمل دیگران تأثیر بگذارد و الگو واقع بشود، باید خصوصیاتِ داشته باشد. مهمترین این خصوصیات، همین ثبات و استقامت و ایستادگی است. اگر این شد، انقلاب برای دیگران الگو واقع خواهد شد؛ و آلاً برقهایی که یک جایی بزند و خاموش شود، خیلی نمیتواند الگوسازی کنند، خیلی نمیتواند دیگران را به دنباله روی خود تشویق کنند. انقلاب ما اینجوری بوده است.

مواردی از ایستادگی انقلاب

اشاره

انقلاب ما توانسته است الهامبخش باشد، الگوساز باشد؛ و این بر اثر ثبات و استقامت و ایستادگی بر اصول و پایه های اصلی است که این انقلاب به وسیله ی امام اعلام کرد.

این انقلاب ایستادگی کرد. من در این مورد هم چند نمونه را عرض بکنم.

الف) ایستادگی بر اسلامیت نظام

یک نمونه، اسلامی بودن است. امام از اوّل گفت انقلاب ما اسلامی است، مبتنی بر اسلام است. در دنیا هو و جنجال زیاد شد؛ گفتند اسلامی بودن با دموکراسی نمیسازد، اسلامی بودن ارتجاع است، اسلامی بودن عقبگرد است، احکام اسلام قابل پیاده شدن نیست و چه و چه و چه. یک عده ای هم صداهای آنها را در داخل کشور منعکس کردند؛ کتاب نوشتند، مقاله نوشتند، شایعه پخش کردند، برای اینکه جمهوری اسلامی را از پایداری به اسلام وادار به عقب نشینی کنند. جمهوری اسلامی ایستاد و تسلیم هوچیگری ها نشد. بله، ما اسلامی هستیم؛ به این افتخار میکنیم و ثابت میکنیم که راه نجات بشر این است. جمهوری اسلامی این را با

صدای بلند به همه ی دنیا اعلام کرد.

امروز بعد از سی و دو سال، شما نگاه کنید به جامعه ی ما؛ رفتارها از روز اوّل اگر اسلامی تر نباشد، حداقل مثل روز اوّل پیروزی این انقلاب است. جوانهایی که امام را ندیدند، دوران جنگ را ندیدند، از انقلاب چیزی به یادشان نیست، اما پایبندی و التزامشان به مبانی اسلام، از بعضی ما پیرمردها بهتر است؛ قوی ترند. مسئولین کشور افتخار میکنند به اسلامی بودن. البته در طول این سی و دو سال خیلی تلاش شد؛ حتّی در داخل تشکیلات حکومتی کسانی بودند که تلاش کردند شاید بتوانند راه ها را به صورت زیگزاگی در بیاورند و تدریجاً دور کنند، زاویه بدهند؛ اما نتوانستند. جمهوری اسلامی بر سر مبانی خود، مبنای اسلامی بودن ایستاد. این یک نمونه.

(ب) ایستادگی بر جمهوریت نظام

یک نمونه ی دیگر، مسئله ی مردم سالاری است. امام از اوّل اعلام کرد که مردم باید نظر بدهند؛ چه در اصل انتخاب جمهوری اسلامی، چه در تدوین قانون اساسی، چه در پذیرش آن قانونی که در مجلس خبرگان تصویب شده بود، چه در انتخاب رئیس جمهور، چه در انتخاب مجلس. امام ایستاد. ببینید، سی و دو سال از انقلاب میگذرد، با محاسبه ی رفتار و مهائلی که شده است، ما سی و دو تا حضور مردم داشتیم - یعنی به طور متوسط سالی یکی - مردم رفتند رأی دادند، انتخاب کردند. انتخاب مردم خیلی مهمّ است. در دوران جنگ، این تهران زیر بمباران بود، اما انتخابات تعطیل نشد. دوران جنگ، در شهرهایی که موشکباران رژیم صدام بود، انتخابات تعطیل نشد. در یکی از دوره های مجلس فشار آوردند شاید بتوانند به دلائل سیاسی خودشان انتخابات را تأخیر بیندازند، اما موفق نشدند. تا امروز در انتخابات جمهوری اسلامی و حضور مردم، یک روز تأخیر نشده است؛ این مردم سالاری است. روز اوّل امام گفت و جمهوری اسلامی بر سر این مردم سالاری ایستاد؛ قبول

نکرد که از مردم سالاری عبور کند. امروز مسئولین کشور، از خبرگان رهبری که رهبر را نصب میکنند و عزل میکنند، گرفته، تا ریاست جمهوری، تا مجلس، تا شوراها، منتخبین مردمند. جریانهای گوناگون هم سر کار آمدند. اینجور هم نبوده است که ما بگوئیم یک جریان؛ نه، از اول تا امروز، این چند رئیس جمهوری که سر کار آمدند، هر کدام به یک شکل، یک جهتگیری و گرایش سیاسی داشتند؛ اما همه با انتخاب مردم بر سر کار آمدند.

ج) ایستادگی در استقرار عدالت اجتماعی

نمونه‌ی بعدی، نمونه‌ی عدالت اجتماعی است. امام از اول اعلام عدالت کردند. خب، عدالت اجتماعی از همه‌ی این کارها سخت‌تر است؛ من به شما عرض بکنم. از حفظ مردم سالاری و بقیه‌ی کارهایی که در جمهوری اسلامی شده است، استقرار عدالت اجتماعی کار سخت‌تری است؛ بسیار کار دشواری است. نمیگویم هم که ما تا امروز توانستیم به طور کامل عدالت اجتماعی را مستقر کنیم؛ نه، هنوز خیلی فاصله داریم. آن عدالتی که اسلام از ما خواسته است، با آنچه که امروز در جامعه‌ی ماست، فاصله‌ی زیادی دارد؛ اما حرکت به سمت عدالت اجتماعی متوقف نشد و ادامه پیدا کرد و روزه روز شدیدتر شده است. امروز حرکت به سمت عدالت اجتماعی از سالهای قبل هم بیشتر است، از دوره‌های قبل هم بیشتر است.

تقسیم و توزیع متناسب فرصتهای کشور؛ از نمونه‌های مهم عدالت اجتماعی

یکی از نمونه‌های مهم عدالت اجتماعی، تقسیم و توزیع متناسب فرصتهای کشور است. در نظامهای غافل از حقیقت عدالت اجتماعی، بر روی طبقه‌ی خاصی تکیه میشود، بر روی مناطق خاصی از کشور تکیه میشود؛ اما در جمهوری اسلامی هرچه پیش می‌آیم - تا امروز که سی و

دو سال گذشته - این معنا را قوی تر می بینیم. روستاها در حوزه ی مراقبت قرار میگیرند، شهرهای دوردست در حوزه ی مراقبت قرار میگیرند. این همه مسکن سازی در روستاها، این همه جاده سازی به سمت شهرهای دور کشور و روستاها، راه های ارتباطی، ارتباطات گوناگون، نیروی برق، آب مناسب، تلفن، امکانات زندگی، اینها در سرتاسر کشور توزیع شده است.

این سفرهائی که مسئولین کشور به استانهای مختلف، به شهرهای مختلف میکنند، بعضی از این شهرهای دوردست تصور نمیکردند که بتوانند یک مسئول درجه ی دو را هم ببینند؛ حالا می بینند که مسئولین بالای کشور میروند سراغ اینها. اینها خیلی بااهمیت است، خیلی ارزش دارد. وقتی انسان رفت، مشکلات را مشاهده میکند، برای برطرف کردن مشکلات انگیزه به وجود می آید؛ و همین، استقرار عدالت اجتماعی است. داریم میرویم به سمت عدالت اجتماعی.

ساده زیستی مسئولان ارشد نظام

آنچه که انسان در دنیا از زندگی مسئولان مشاهده میکند، زندگی های اشرافی است؛ کسی که به حکومت میرسد، رئیس جمهور میشود یا یک مقام بالائی پیدا میکند، زندگی اش کأنه از این رو به آن رو میشود؛ در کشور ما نه. البته امثال بنده باید زندگی هامان را مطابق با ضعیف ترین اقشار جامعه قرار بدهیم. نتوانستیم، این توفیق را نداشتیم، این نشده است؛ اما زندگی مسئولین جامعه، مسئولین کشور بحمدالله مثل زندگی متوسط مردم، گاهی بعضی پائین تر از متوسط مردم است؛ اینها خیلی باارزش است.

برخی از عوامل استقرار عدالت اجتماعی

همین مسئله ی سهام عدالت، همین مسکن روستائی، همین هدفمند کردن یارانه ها، یک کار بزرگی است. اگر ان شاءالله مسئولین کشور

بتوانند این را خوب اجرا کنند و عمل کنند، این خیلی مهم است. این یارانه ای که دولت برای نیروی برق به همه ی مردم میداد، خب، آن کسی که توی خانه چهلچراغ و لوستر روشن میکند و مصرف برق بیشتری میکند، آن کجا، آن کسی که یک شعله، دو شعله ی برق توی خانه دارد، این کجا؟ آن کسی که ثروتمندتر است، بیشتر از این یارانه استفاده میکرد؛ این ظلم بود. میخواهند جلوی این ظلم را بگیرند. همین طور در قضیه ی نان، همین طور در قضیه ی بنزین و غیر اینها. ما ایستادیم. نظام بر روی شعار عدالت اجتماعی ایستاد.

(د) ایستادگی در استکبارستیزی

نقطه ی بعدی، استکبارستیزی است؛ عدم تسلیم در مقابل فشارها. در این زمینه هم ایستادیم. این کار، سخت بود؛ اما جمهوری اسلامی توانست این کار سخت را با موفقیت انجام دهد. خیلی ها بودند از همان اوائل انقلاب، میگفتند آقا حالا که انقلاب پیروز شد، دیگر بس است؛ برویم با آمریکائی ها مسائل را تمام کنیم! این معنایش این بود که شعار ظلم ستیزی انقلاب تخطئه شود. این را تشویق میکردند. در طول زمان، بودند کسانی که دنبال این بودند؛ یعنی برویم با آمریکا همراه شویم؛ آن کسی که دشمن اصلی ماست، برویم زیر بال او؛ به دامن او پناه ببریم. معنای این حرف، فروختن قضیه ی فلسطین است. معنای این حرف، اغماض کردن از جنایات آمریکا در عراق و افغانستان و امثال اینهاست. معنای این حرف، چشم بستن بر روی این همه ظلمی است که آمریکا در جهان بر ملت‌ها دارد انجام میدهد. معنای این حرف، یعنی به این مسائل اعتراض نکنیم. خب، عادی کردن روابط معنایش این است که دیگر ملت ایران و مسئولین ایران نتوانند صریح اعتراض کنند و حرفشان را بزنند؛ و یک مرحله آن طرف تر، تدریجاً مجبور بشوند حرف آنها را قبول کنند.

خب، این ثبات و استقامت، پر زحمت بود؛ اما بابرکت بود، رحمت الهی را هم جلب کرد، توجه ملت‌ها را هم جلب کرد. ایستادگی شما ملت ایران ظرف این سی و دو سال بر روی شعارهای اصلی انقلاب، این برکت بزرگ را داشته است که امروز دنیای اسلام به چشم عظمت نگاه میکند. وقتی مسئولین کشور شما به کشورهای مختلف سفر میکنند، آنجور استقبالی از آنها میشود. وقتی حسابگرها میخواهند محبوبیت شخصیتهای سیاسی را محاسبه کنند، مسئولین کشور شما در ردیف اول قرار میگیرند. ملت ایران کارش الگو شد؛ امروز دارید نشانه‌های این را مشاهده میکنید. این برکت بزرگ و این خصوصیت از خصوصیات است که جز با گذشت زمان معلوم نمیشد.

انعکاس صدای ملت ایران در مصر

امروز در کشور مصر دارد انعکاس صدای شما شنیده میشود. آن رئیس جمهور آمریکا که در دوره ی انقلاب ما رئیس جمهور بود، همین چند روز پیش مصاحبه کرده، گفته این صداهائی که در مصر شنیده میشود، برای من آشناست! یعنی آنچه امروز در قاهره شنیده میشود، در تهران آن روزهای ریاست جمهوری او شنیده میشد. اینها را دنیا دارد قضاوت میکند. لذا امسال دهه ی فجر ما مهم است، حساس است، پر شور و حال است. ان شاءالله راهپیمائی بیست و دوی بهمین به وسیله ی شما ملت عزیز بر همه ی این افتخارات خواهد افزود.

بسم الله الرحمن الرحيم

أنا اعطيناك الكوثر. فصل لربك وانحر. ان شائتك هو الأبر

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين و الصلاه و السّلام على سيّدنا و نبينا ابى القاسم المصطفى محمّد و على اله الأَطيبين الأَطهرين المنتجبين سيّما على اميرالمؤمنين و الصّديق الطّاهر سيّده نساء العالمين و الحسن و الحسين سبطى الرّحمه و امامى الهدى و على بن الحسين و محمّد بن على و جعفر بن موسى و موسى بن جعفر و على بن موسى و محمّد بن على و على بن محمّد و الحسن بن على و الخلف القائم الحّيّ حججك على عبادك و امنائك فى بلادك. و صلّ على ائمّه المسلمين و حماه المستضعفين و هداه المؤمنين و استغفر الله لى و لكم.

اوصيكم عباد الله بتقوى الله.

توصيه ی به تقوا

بار دیگر همه ی شما برادران و خواهران عزیز را و خودم را توصیه میکنم به رعایت تقوا.

حوادث مصر و تونس؛ یک زلزله ی واقعی

چند دقیقه ی کوتاه درباره ی این حوادثی که در مصر و تونس در حال وقوع است، نکاتی را عرض میکنم. این حوادث، بسیار مهمّ است؛ یک زلزله ی واقعی است. اگر ملت مصر به کمک الهی، به توفیق الهی بتواند این کار را پیش ببرد، آنچه برای سیاستهای آمریکا در منطقه به وجود خواهد آمد، یک شکست غیرقابل جبران است. امروز شاید بیش از خود مسئولین فراری تونس و مصر، اسرائیلی ها نگران این حوادثند.

علت نگرانی اسرائیل از بیداری اسلامی در مصر و تونس

اسرائیلی ها و دشمنان صهیونیست بیش از همه نگرانند. اینها میدانند که اگر مصر از همپیمانی با آنها دست بکشد و در جایگاه حقیقی خود

قرار بگیرد، چه اتفاق عظیمی در این منطقه خواهد افتاد؛ همان پیش بینی هائی که امام بزرگوار ما میکردند، تحقق پیدا خواهد کرد. لذا حوادث، فوق العاده مهم است. در تحلیلهای جهانی سعی میکنند عامل اصلی این قیامها ندیده گرفته شود. اشاره میکنند به مسائل اقتصادی و غیر اقتصادی - که البته مؤثر است - اما عامل اصلی این حرکت عظیم مردم، اول در تونس و بعد اوج آن در مصر، احساس تحقیری است که در مردم از وضعیت سران خود به وجود آمد. مردم تحقیر شدند، احساس کردند به آنها توهین شده است. این نامبارک مصر، ملت مصر را ذلیل کرد.

اسلام ستیزی و وابستگی بن علی به امریکا دلیل قیام ملت تونس

قبلاً یک جمله راجع به تونس عرض بکنم. این رئیس جمهور فراری تونس، این بن علی، به طور کامل وابسته ی به امریکا بود؛ حتی ما گزارشهایی داریم که وابسته به سیای امریکا - دستگاه جاسوسی امریکا - بود! ببینید برای یک ملت چقدر سخت است که رئیس یک ملت، آن هم رئیسی با آن تبختر و نخوت که او داشت - که آدم بسیار متکبر بدی بود - نوکر رسمی دستگاه های آمریکائی باشد. سالها با شدت و حدت بر مردم حکومت کرد؛ علیه مصالح مردم، از جمله علیه دین. در تونس که یک کشور مسلمان و دارای سابقه ی طولانی اسلامی است و در فرهنگ اسلامی مفاخری از تونس برخاسته اند، مردم در زمان بن علی مسجد که میخواستند بروند، باید کارت ویژه داشته باشند؛ کارت ورود به مسجد که دولت میداد و به همه هم نمیداد! اجازه ی رفتن به مسجد داده نمیشد. اجازه ی نماز جماعت که هیچ، نماز فرادای در مساجد هم ممنوع بود؛ جلوی چشم ممنوع بود. حجاب رسماً ممنوع بود. خب، این مردم یک انگیزه ی مهمشان اسلام خواهی است. لذا دیدید بمجرد اینکه این خائن از کشورش فرار کرد و اوضاع به هم ریخت، دخترهای دانشجو با حجاب رفتند دانشگاه. این نشان دهنده ی انگیزه ی عمیق اسلامی است؛ این را

تحلیلگران غربی می‌خواهند کتمان کنند، مخفی نگه دارند. انگیزه‌ی بعد هم وابستگی به آمریکاست، که بسیار مهم است. آمریکائی‌ها مایل نیستند گفته بشود که علت قیام مردم تونس در اوّل و بعد اوج آن در مصر، وابستگی است؛ این حقیقت قضیه است. البته در تونس یک تغییر سطحی انجام گرفت. بن علی فرار کرد، اما دستگاه او بر سر کار است. خدا کند مردم در کشور تونس موقعیت خود را درست توجه کنند. مبادا خدای نکرده دشمن بتواند آنها را فریب بدهد.

مشخصات و مفاخر ملت مصر

و اما مصر. مصر کشور بسیار مهمی است. من چند نکته‌ی کوتاه را عرض بکنم. مصر اوّلین کشور اسلامی است که با فرهنگ غربی آشنا شد. اواخر قرن هجدهم، شروع آشنائی مصر با فرهنگ غربی بود، قبل از همه‌ی کشورها. مصر اوّلین کشوری بود از کشورهای اسلامی که با فرهنگ اروپائی آشنا شد، و اوّلین کشور اسلامی بود که در مقابل آن فرهنگ اروپائی و غربی ایستاد و عیوب آن را فهمید و در مقابل آن مقاومت کرد. سید جمال الدین بزرگ، آن مرد اسلام خواه شجاع مبارز بزرگ، بهترین جائی را که برای مبارزات خود توانست پیدا کند، مصر بود؛ بعد هم شاگردان او، محمد عبده و دیگران و دیگران. حرکات اسلام خواهی در مصر یک چنین سابقه‌ای دارد. مصری‌ها شخصیت‌های بزرگی دارند، از لحاظ سیاسی، از لحاظ فرهنگی؛ همه آزادیخواه. مصر شد رهبر دنیای عرب از لحاظ فکری و سیاسی. در دوره‌ی طولانی‌ای کشورهای عرب نگاه میکردند به مصر؛ مصر رهبر دنیای عرب شد. خوب، استقلال و آزادیخواهی در آن کشور موج میزد. البته فرصتهای خوبی در اختیار آن مردم قرار نگرفت؛ جز مدتهای کوتاهی. اوّلین کشوری بود یا بزرگترین کشوری بود که به اتفاق سوریه برای خاطر قضیه‌ی فلسطین وارد جنگ شد. کشورهای دیگر اسلامی هیچکدام در این چند جنگی که با اسرائیل داشتند، ورود پیدا نکردند. کشور مصر سربازان خودش را،

ارتش خودش را، مردم خودش را، پشتیبانی های خودش را برد، که البته موفق نشدند؛ یکی در سال ۱۹۶۷، یکی در سال ۱۹۷۳. مصر یک چنین کشوری است. لذا مصر ملجأ و پناه فلسطینی ها محسوب میشد؛ بلکه حتی ملجأ و پناه بسیاری از انقلابیون دیگر کشورها مصر بود که میرفتند آنجا.

خیانت‌های مبارک در مصر

خب، یک چنین کشوری سی سال است افتاده است دست کسی که نه فقط آزادیخواه نیست، بلکه دشمن آزادیخواهی است؛ نه فقط ضد صهیونیسم نیست، بلکه همراه و همکار و امین و به یک معنا نوکر صهیونیست‌هاست. کشوری که یک روز پرچم مبارزات ضد صهیونیستی در این کشور برای همه ی دنیای عرب الهامبخش بود، کارش به جایی رسید که اسرائیلی ها و دشمنان صهیونیستی در همه ی فعالیتهائی که علیه فلسطینی ها خواستند بکنند، متکی شدند به کمک این نامبارک؛ کمکشان کرد. در قضیه ی غزه اگر حسنی مبارک به اسرائیلی ها کمک نمی‌کرد، نمیتوانستند غزه را محاصره کنند. فلسطینی ها در غزه در محاصره بودند - الان چهار سال است در محاصره اند - در جنگ بیست و دو روزه، مرد و زن و کودک این مردم به وسیله ی آتش اسرائیلی سوختند، نابود شدند، خانه هاشان تخریب شد؛ اما نگذاشتند کاروانهای کمک رسانی به این مردم کمک کنند. نه اینکه از خود مصر، حتی دیگر کشورها هم میخواستند از مصر عبور کنند - از جمله مردم ما - میخواستند بروند به اینها کمک برسانند، اما حسنی مبارک نگذاشت. یک چنین وضعی در مصر حاکم بود.

عامل اصلی قیام مردم مصر

خب، این مردم را به ستوه آورد. مردم مصر به خاطر طرفداری رژیم کنونی مصر از اسرائیل، به خاطر دنباله روی و اطاعت محضش از آمریکا،

احساس ذلت میکنند، احساس تحقیرشدگی میکنند. عامل اصلی حرکت، این است. اینها مردمی هستند مسلمان. حرکت از نماز جمعه شروع میشود، از مساجد شروع میشود. شعارها، شعارهای «الله اکبر» است. مردم شعار دینی میدهند و قوی ترین جریان مبارز در آنجا، جریان اسلامی است. مردم مصر میخواهند این ذلت را از روی خودشان پاک کنند؛ عامل این است. غربی ها نمیگذارند این تحلیل در بین ملتها و افکار عمومی عالم رواج پیدا کند؛ همه اش اشاره میکنند به مسائل اقتصادی. البته بله، این هم یک حقیقتی است که نوکری کسی مثل حسنی مبارک نسبت به آمریکا، نتوانست یک قدم مصر را به سمت شکوفائی پیش ببرد. چهل درصد جمعیت هفتاد و چند میلیونی مصر زیر خط فقرند! در خود شهر قاهره، آنطوری که گزارشهای مسلم برای بنده وجود دارد، چند صد هزار - البته من تا دو سه میلیون هم شنیدم، اما قدر مسلم چند صد هزار - از فقرای قاهره توی قبرستانها زندگی میکنند! آواره، بیابانگرد، میروند به قبرستانها پناه میبرند. مردم در سختی معیشت زندگی میکنند. یعنی آمریکائی ها به خاطر این نوکری، پاداش هم ندادند.

برخورد آمریکا با مهره های سوخته ی خود

امروز هم به او پاداش نمیدهند. امروز هم هر ساعتی که او از مصر فرار کند و خارج بشود - به امید خدا - مطمئن باشد که اولین دروازه ای که به روی او بسته خواهد بود، دروازه های آمریکاست؛ راهش نمیدهند؛ همچنان که بن علی را راه ندادند، همچنان که محمّد رضا را راه ندادند. اینها اینجوری اند. این کسانی که دلشان برای دوستی آمریکا و رفاقت با آمریکا و اطاعت از آمریکا میتپد، این نمونه ها را ببینند. اینها مثل شیطانند. در دعای صحیفه ی سجاده میفرماید شیطان وقتی که من را دچار میکند، بعد نگاه میکند آن طرف - به تعبیر بنده - به من میخندد، به من پشت میکند، اعتنائی نمیکند. اینها اینجورند. آمریکائی ها به وسیله ی این افراد حقیر و ضعیف، دنبال منافع خودشانند.

البته امروز آمریکائی‌ها بشدت دستپاچه‌اند؛ اسرائیلی‌ها بیشتر از آنها دستپاچه‌اند. در قضیه‌ی مصر، دنبال یک‌علاجی هستند؛ علاجی هم پیدا نخواهند کرد. مشغول فریند؛ دم از طرفداری از مردم میزنند. حالا گفتند آمریکائی‌ها هم به او گفتند بایستی زودتر برکنار بشوی و بروی. این بسته به این است که مردم مصر چه جور عمل کنند و چگونه تصمیم بگیرند.

من مطالبی خطاب به برادران عرب نوشتم که میخوانم.

ترجمه‌ی خطبه‌ی عربی

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

بیداری اسلامی؛ زمینه‌ساز بازگشت ملت‌ها به اسلام و کرامت

درود بر آحاد امت اسلامی هر جا که باشند. اکنون در دنیای اسلام حادثه‌ی بزرگ و باشکوه و سرنوشت‌ساز در حال وقوع است. حادثه‌ی ثی که میتواند همه‌ی معادلات استکبار را در این منطقه بسود اسلام و بسود ملت‌ها دگرگون سازد. حادثه‌ی ثی که میتواند عزت و کرامت را به ملت‌های عرب و امت اسلامی برگرداند و غبار ده‌ها سال رفتار ظالمانه و تحقیر و تذیلی را که از سوی آمریکا و غرب بر این ملت‌های کهن و ریشه‌دار وارد آمد، از سر و روی آن‌ها پاک کند.

قیام مصر و تونس بر سر دو راهی

این حادثه‌ی معجزآسا به وسیله‌ی ملت تونس آغاز شد و به وسیله‌ی ملت بزرگ و رشید مصر به اوج رسیده است. نفس در سینه‌ی دنیای غرب و نیز دنیای اسلام - هر یک به دلیلی - حبس شده است که ببینند مصر بزرگ؛ مصر نوابغ قرن اخیر؛ مصر محمد عبده و سید جمال؛ مصر سعد زغلول و احمد شوقی؛ مصر جمال عبدالناصر و الشیخ حسن البنا؛

ص: ۱۰۲

مصر ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳، اکنون چه خواهد کرد؟ و پرچم همت خود را تا کجا بلند نگه خواهد داشت. اگر این پرچم معاذالله سقوط کند دوران تیره و تاری به دنبال خواهد داشت و اگر به قله برسد و نصب شود سر بر آسمان خواهد کشید.

لزوم ادامه ی انقلابها تا خروج همه ی وابستگان حاکمان خائن

ملت تونس توانستند حاکم خائن و سرسپرده ی آمریکا و دین ستیز را برانند، ولی خطا است اگر گمان شود که این، آن نتیجه مطلوب است. یک نظام وابسته باخروج مهره های آشکارش، ساقط نمیشود. اگر بجای آن مهره ها، هم پالکیهای آنها جایگزین شوند چیزی عوض نشده و دام فریب در برابر ملت گسترده شده است. در انقلاب اسلامی ایران بارها خواستند ملت ما را در این دام بیفکنند ولی هوشیاری ملت و رهبر عظیم و الهی اش، ترفند دشمن را دانستند و خنثی کردند و راه را تا آخر ادامه دادند.

مفاخر مصر

و اما مصر، مساله ی مصر یک نمونه بی نظیر است، زیرا مصر در دنیای عرب یک کشور بی نظیر است. مصر اولین کشور دنیای اسلام است که با فرهنگ اروپائی آشنا شد، و اولین کشور دنیای اسلام است که خطر تهاجم این فرهنگ را شناخت و در برابر آن موضع گرفت. اولین کشور عربی است که پس از جنگ جهانی دوم یک دولت مستقل تشکیل داد و از منافع ملی خود در ملی کردن کانال سوئز دفاع کرد، اولین کشوری است که با همه ی توان به کمک فلسطین رفت و در دنیای اسلام ملجأ فلسطینیان شناخته شد. سیدجمال الدین، مصری نبود ولی جز در مصر هم نمیتوانست امیدی به فهم دغدغه ی بزرگ خود از سوی یک ملت مسلمان داشته باشد. ملت مصر، در صحنه ی مبارزات دینی و سیاسی، لیاقت خود را به اثبات رسانید و در تاریخ ثبت کرد. محمد عبده و

شاگردانش و سعد زغلول و هوادارانش مردمی مرتجع و دنیانشناس نبودند. آنها نوابغ بزرگ و شجاع و بیداری بودند که هر ملّتی با پرورش یک نفر مانند آنان میتواند به لیاقت خود فخر بفروشد. مصر با این عمق فرهنگی و دینی و سیاسی، به حق، در جایگاه رهبری دنیای عرب قرار گرفت.

بزرگترین جنایت نظام مبارک در مصر

بزرگترین جرم نظام کنونی مصر این است که این کشور را از آن جایگاه رفیع به رتبه ی یک مهره ی بی اختیار در بازیهای سیاسی اش در منطقه، تنزل داد. انفجار امروز ملّت بزرگ مصر، پاسخی به این خیانت بزرگ است که دیکتاتور وابسته، نسبت به ملّت خود مرتکب شد.

علت اصلی قیام مردم مصر

امروز در همه دنیا بازار تحلیلهای گوناگون درباره ی قیام ملّت مصر، داغ است و هر کس چیزی می گوید، ولی هر کس مصر را بشناسد به روشنی خواهد دانست که مصر در حال دفاع از کرامت و عزّت خویش است. ملّت مصر گریبان خیانتکارانی را گرفته است که کرامت او را بر باد داده و ملّتی را که در اوج عزّت بود، پایمال غرور و تکبر دشمنانش کرده اند. یک نمونه ی بارز، جایگاه مصر در قضیه فلسطین است.

ارتباط سرنوشت کشورهای منطقه با فلسطین

فلسطین از ده ها سال پیش، محوری ترین مساله این منطقه است و در هم تنیدگی مسائل این منطقه چنان است که هیچ کشوری و هیچ ملّتی در آن، نمیتواند سرنوشت خود را جدا از مساله فلسطین تصور کند. دو جبهه بیشتر هم وجود ندارد: یا حمایت از فلسطین و از مبارزات عادلانه آن، و یا قرار گرفتن در جبهه مقابل.

خیانت مبارک؛ تبدیل مصر از حامی فلسطین به حامی اسرائیل

ملتهای منطقه از ابتدا موضع خود را روشن کرده اند، لذا وقتی دولتی به حمایت از فلسطین می پردازد از حمایت ملت خود و ملتهای عرب و مسلمان برخوردار میشود. این را مصر در سالهائی از دهه ۶۰ و ۷۰ آزموده است اما وقتی خود را در جبهه دیگری تعریف کند، ملت از او روی برمیگرداند. در مصر از پیمان ننگین کمپ دیوید این شکاف میان دولت و ملت مصر پدیدار شد. ملت مصر که در ۶۷ و ۷۳ با جان و مال خود به کمک فلسطین رفته بود، بتدریج دید که حاکمان چنان در سرسپردگی و اطاعت از آمریکا افراط کرده اند که مصر به هم پیمان وفادار دشمن صهیونیستی و غاصب تبدیل شده است. سیطره ی آمریکا بر حاکمان مصر همه ی زحمات گذشته ی آنان در حمایت از فلسطین را بر باد داد و مصر به بزرگترین دشمن فلسطین و بزرگترین حامی صهیونیستها تبدیل شد.

و این در حالی بود که سوریه شریک مصر در جنگ ۶۷ و ۷۳ با وجود فشارهای شدید آمریکا توانست مواضع مستقل خود را حفظ کند. کار نظام سرسپرده ی مصر به جایی رسید که مردم مصر برای نخستین بار در تاریخ دیدند که در جنگ اسرائیل علیه برادرانشان در غزه دولتشان در جبهه ی اسرائیل قرار گرفته است و نه تنها کمک نمیکند بلکه در جبهه ی دشمن بشدت فعال است. تاریخ هرگز فراموش نخواهد کرد که حسنی مبارک همان کسی است که در محاصره ی وحشتناک مردم غزه و در ۲۲ روز کشتار زن و مرد و کودک غزه، همکار و امین و شریک اسرائیل و آمریکا بود. مردم مصر در آن روزها چه کشیدند؟ تلویزیون صحنه هائی از احساسات شدید مردم مصر را نشان داد که با گریه از وضعیت خود و از این که اجازه نمی یابند به برادران فلسطینی خود یاری برسانند، سخن می گفتند. ملت مسلمان مصر دیگر چقدر میتواند تحمل کند؟ آنچه امروز در قاهره و دیگر شهرهای مصر مشاهده میشود، انفجار خشم مقدس و فوران عقده هائی است که در طول سالیان متمادی

رژیم نامسلمان و خائن و دست نشانده با رفتار خود در دل مردان و زنان آزاده ی مصری متراکم ساخته است.

قیام ملت مسلمان مصر؛ یک حرکت اسلامی و آزادیخواهانه

قیام ملت مسلمان مصر، یک حرکت اسلامی و آزادیخواهانه است. من بنام ملت و دولت انقلابی ایران به شما ملت مصر و ملت تونس درود میفرستم و پیروزی کامل شما را از خداوند عزیز مسألت میکنم. من به شما و قیامتتان افتخار میکنم.

تجربیات قابل استفاده ی قیام ملت ایران برای قیامهای مردمی

اشاره

شک نیست که قیام ملتها، بسته به اقتضائات جغرافیائی و تاریخی و سیاسی و فرهنگی، در هر کشوری دارای مختصات منحصر به فرد است و نمیتوان چیزی را که در انقلاب کبیر اسلامی در ۳۰ سال پیش در ایران واقع شد، عیناً در مصر یا تونس یا هر کشور دیگر اسلامی انتظار داشت، لیکن مشترکاتی هم وجود دارد که در آنها، تجربیات هر ملتی می تواند برای ملتهای دیگر به کار آید. تجربه هائی که امروز می تواند به کار بیاید اینها است:

الف) جنگ؛ جنگ اراده ها

۱. در هر قیام مردمی، جنگ واقعی بین اراده ها است. هر طرفی که مصمم تر باشد و سختی ها را تحمل کند پیروز قطعی است. قرآن به ما می آموزد که: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ» و به پیامبرش می فرماید: «فَلَا تَدْلِكُ فَاذُعُ وَإِنَّهُمْ كَمَا أُمِرَتْ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ» دشمن می کوشد با زور و فریب، اراده ی شما را تضعیف کند. مراقب باشید اراده ی شما سست نشود.

ص: ۱۰۶

ب) تلاش دشمن برای ناامید کردن مردم از رسیدن به اهداف

۲. دشمن شما سعی می کند شما را از دست یافتن به هدف های خود نومید کند. در حالی که وعده ی الهی می گوید: «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعْنَا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ». به وعده ی مؤکد و بی تردید خداوند اعتماد کنید که می گوید: «وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ».

ج) تلاش دشمن بر ایجاد هراس بر مردم

۳. دشمن شما با تجهیز مزدوران امنیتی خود آن ها را به مقابله با شما گسیل می کند تا با ناامنی و هرج و مرج مردم را به ستوه بیاورند. از آن ها نهراسید. شما از مزدوران قوی ترید. شما اکنون در مرحله ای قرار دارید که خداوند در آن مرحله به پیامبر و یارانش فرمود: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ». شما می توانید با اتکال به خدا و اعتماد به جوانان پر انگیزه ی خود بر هر ناامنی و هرج و مرجی فائق آئید.

د) اتحاد؛ سلاح ملتها برای غلبه بر دشمن

۴. سلاح مهم ملت ها در مواجهه با ابرقدرت ها و حکام مزدور، اتحاد و یکپارچگی آن ها است. دشمن شما تلاش می کند با انواع ترفندها یکپارچگی شما را از بین ببرد. مطرح کردن نقاط افتراق، مطرح کردن شعارهای انحرافی، مطرح شدن چهره های بدسابقه و نامطمئن به عنوان جانشین رئیس جمهور خائن، از جمله ی انگیزه سازی برای تفرقه است. اتحاد خود را بر محور دین و نجات کشور از شر مزدوران دشمن، حفظ کنید: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا».

ه) لزوم هوشیاری در برابر فریبکاری غرب برای نفوذ مهره های خود

۵. به مانورهای سیاسی و مزورانه ی آمریکا و غرب، اعتماد نکنید. آنها که تا چند روز پیش از رژیم فاسد پشتیبانی میکردند، اکنون که از نگهداشتن آن ناامید شده اند دم از حق ملت‌ها می زنند. آنها با این پوشش، تلاش میکنند مهره ها را جابجا کنند و با چهره سازی، وابستگان خود را بار دیگر بر شما مسلط کنند. این توهین به شعور ملت‌ها است، آن را تحمل نکنید و جز به استقرار یک نظام کاملا مستقل و مردمی و مؤمن به اسلام رضایت ندهید.

و) لزوم همکاری فعال علما با انقلاب

۶. علمای دین و ازهر شریف که سوابق درخشان آن زبانزد است، نقش خود را کاملا برجسته کنند. مردمی که قیام خود را از مسجد و نماز جمعه آغاز میکنند و شعار الله اکبر میدهند، از علمای دین توقع بیشتری دارند و این توقع بجا است.

ز) لزوم پیوستن ارتش به ملت

۷. ارتش مصر که افتخار شرکت در حداقل دو جنگ با دشمن صهیونیست را دارد در این مرحله در معرض آزمونی بزرگ و تاریخی است. دشمن میخواهد از آن برای سرکوب مردم استفاده کند. اگر خدای نخواسته این اتفاق بیفتد ضایعه ئی که پیش خواهد آمد برای ارتش قابل جبران نیست آن که از ارتش مصر باید بترسد صهیونیستهایند نه مردم مصر. البته عناصر ارتشی که خود از مردم و فرزندان آنهایند سرانجام به مردم خواهند پیوست و این تجربه ی شیرین یک بار دیگر در مصر تکرار خواهد شد.

ح) لزوم بدبینی به آمریکا

۸. و بالاخره آمریکا که سی سال از حکام مزدور، بر ضد ملت مصر

حمایت کرده، اکنون در موضعی نیست که بتواند در قضیه ی مصر به عنوان میانجی وارد شود. به هرگونه توصیه و اقدام آمریکایی در این زمینه ها به چشم بدینی بنگرید و به آن اعتماد نکنید.

توطئه ی دشمنان برای محروم کردن ملت‌ها از تجربیات انقلاب اسلامی ایران

برادران و خواهران عزیز! اینها تجربیات ما است، من به عنوان برادر مسلمان شما و از سر تعهد دینی، آن را با شما در میان گذاشتم. بوقهای تبلیغاتی دشمن مانند همیشه فریاد خواهند کرد که ایران میخواهد دخالت کند، میخواهد مصر را شیعه کند، میخواهد ولایت فقیه را به مصر صادر کند و میخواهد و میخواهد... این دروغها را سی سال است میگویند تا ملت‌های ما را از یکدیگر جدا و از کمک یکدیگر محروم کنند و مزدوران آنها هم آن را تکرار میکنند. «يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرَفَ الْقَوْلِ عَزُورًا وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَيَّا فَعَلُوهُ فَذَرَّهُمْ وَمَا يُفْتَرُونَ». با این ترفند‌ها، هرگز وظائفی را که اسلام بر دوش ما گذاشته است رها نخواهیم کرد. و الله من وراء القصد.

واستغفرالله لی و لکم.

(۱) احزاب: ۱

(۲) شمس: ۱

(۳) فصلت: ۳۰

(۴) شورا: ۱۵

(۵) قصص: ۵

(۶) حج: ۴۰

(۷) انفال: ۶۵

(۸) آل عمران: ۱۰۳

(۹) انعام: ۱۱۲

ص: ۱۰۹

گفتار هشتم: خطبه های نماز جمعه تهران + ترجمه خطبه عربی

اشاره

۱۳۹۰/۱۱/۱۴

ص: ۱۱۱

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين احمده و اشكره و استعينه و استغفره و اتوكل عليه و اصلى و اسلم على حبيبه و نجيبه و خيرته فى خلقه حافظ سرّه و مبلغ رسالاته بشير رحمته و نذير نعمته سيدنا و نبينا و حبيب قلوبنا ابى القاسم المصطفى محمّد و على ءاله الأطيبين الأطهرين و صحبه المنتجبين و من تبعهم باحسان الى يوم الدين و صلّ على ائمه المسلمين و حماه المستضعفين و هداه المؤمنين و صلّ على بقيه الله فى الأرضين. اوصيكم عباد الله بتقوى الله و نظم امركم.

رعایت تقوا؛ عامل نزول همه ی الطاف الهی

همه ی برادران و خواهران عزیز نماز گزار و خود را دعوت و توصیه میکنم به حفظ تقوای

الهی؛ این اصل حرکت یک انسان به سمت کمال و تعالی است. اگر به توفیق الهی بتوانیم در عمل فردی، در عمل جمعی، در کار سیاسی، در کار اجتماعی، رعایت تقوای الهی را بکنیم، همه ی خیرات و همه ی الطاف الهی شامل حال ما خواهد شد.

شکر خدا و تشکر از ملت به خاطر پیروزی انقلاب اسلامی

ایام مبارک دهه ی فجر است. در دهه ی فجر، آنچه که بر این حقیر و امثال این حقیر لازم است، دو تشکر است: اول، شکر الهی. با کمال خشوع، با کمال تواضع، جبهه ی شکر بر درگاه الهی میسائیم که این توفیق را نصیب ملت ایران کرد؛ این حرکت عظیم، این کار بزرگ، این نهضت تاریخ ساز، به دست ملت ایران و با رهبری امام بزرگوار انجام گرفت؛ نظام اسلامی تشکیل شد؛ حرکت ملت ایران به سمت خدا، به سمت اهداف الهی، به سمت ارزشهای الهی آغاز شد. هیچ نعمتی از این بالاتر نیست و شکر الهی بر این نعمت بزرگ همیشه لازم است و در ایام

دهه ی فجر، لازمتر. تشکر دوّم، تشکر از ملت ایران است؛ وفاداری کردند، جوانمردی به خرج دادند، گذشت کردند، ایثار کردند، شجاعت نشان دادند، بصیرت به خرج دادند؛ حضور دائمی خود را در طول این سی و سه سال آنچنان حفظ کردند که این نهال با همه ی خطرهای، با همه ی مشکلات، روزبه روز تنومندتر شد، بارورتر شد، بالنده تر شد. امروز مثل همان شجره ی طیبه ای که «اصلها ثابت و فرعها فی السّماء» در زمین زندگی بشریت ریشه دوانده است و ثمرات و آثار آن به طور متواتر نائل و واصل میشود.

خروج ملت ایران از غربت با پیروزی انقلابهای اسلامی

امسال بخصوص دهه ی فجر ما حال و هوای دیگری دارد. امسال در فضای انقلابهای پیروز این منطقه، چه در تونس، چه در مصر، چه در لیبی، حرکت انقلابی مردم به نتیجه رسید، کارهای بزرگی انجام گرفت؛ این برای ما ملت ایران مژده ی بزرگی است، حادثه ی شیرین و مبارکی است. امسال ما دهه ی فجر و بیست و دوی بهمن را در یک چنین فضائی برگزار میکنیم. باید گفت ملت ایران با پیروزی این انقلابها، به طور نسبی از غربت در آمد؛ که حالا امروز من ان شاءالله یک مختصری در این زمینه عرض خواهم کرد.

فهرست فرمایشات در خطبه

در این خطبه، سه سرفصل را برای برادران و خواهران عزیز نمازگزار و برای ملت ایران مطرح میکنم؛ در خطبه ی دوّم با برادران عرب بیشتر سخن خواهم گفت. این سه مطلب، یکی درباره ی انقلاب خود ماست؛ مسیری که در این سه دهه طی کردیم، دستاوردهائی که داشتیم، و آینده ای که در انتظار ماست. مطلب دوّم، نگاهی به مسائل منطقه و مسائل جهان است. مطلب سوّم هم دو سه نکته ی کوتاه در باب انتخابات پیش رو است.

اشاره

درباره ی مطلب اول، کتابها حرف وجود دارد برای گفتن. آنچه که من به عنوان خطوط اساسی انقلابمان عرض میکنم، فقط یک دو سه جمله است، که شرح و تفصیل آن بسیار طولانی و مفصل است. این خصوصیات در انقلاب ما وجود داشت.

الف) تبدیل رژیم ضد اسلام وابسته ی مستبد به نظام اسلامی مستقل مردم سالار

انقلاب ما رژیم ضد اسلام را از بین برد، رژیم اسلامی بر سر کار آورد؛ رژیم دیکتاتور و مستبد را از بین برد، رژیم مردم سالار به جای آن نشاند؛ وابستگی ای که کشور ما در طول سالهای متمادی گرفتار آن بود و در دوران پهلوی ها به فجیع ترین و فزاینده ترین وضع خود رسیده بود، از بین برد و استقلال همه جانبه را به ملت ما داد؛ اختناق نفسگیری که بر ملت ما حاکم بود، از بین برد، آزادی به این ملت داد - آراء خودشان را، حرفهای خودشان را بتوانند آزادانه ابراز کنند؛ فضا، فضای آزادی شد - تحقیرشدگی تاریخی ملت ما را از بین برد، عزت ملی داد.

ب) به عزت رساندن ملت

ده ها سال ملت ما تحقیر شد. این ملت بزرگ، با این سابقه ی تاریخی، با این موارث عظیم فرهنگی و علمی و تاریخی، در مقابل حکام زورگو و فاسد، و پشت سر آنها در مقابل مستعمران و سلطه گران بین المللی تحقیر شد. انقلاب ما این را از بین برد، تبدیل کرد به عزت ملی.

امروز ملت ایران احساس عزت میکنند، احساس تشخیص میکنند. انقلاب، ضعف نفس و خودکم بینی را در ملت ما از بین برد؛ به جای آن، اعتماد به نفس ملی را به ملت داد. ما خودکم بینی داشتیم؛ فکر میکردیم نه کار علمی از ما برمی آید، نه کار سیاسی از ما برمی آید، نه کار عظیم نظامی از ما برمی آید. ما فکر میکردیم یک ملت ضعیفی هستیم؛ این را به

ما تلقین کرده بودند، تزریق کرده بودند. انقلاب این را از ملت گرفت، به جای آن، اعتماد به نفس ملی به ما داد. ما امروز در همه ی میدانها اعتماد به نفس داریم؛ میدانیم که میتوانیم، و دنبال این توانستن حرکت میکنیم، و همه جا هم بحمدالله به مقاصدمان میرسیم.

ج) بالابردن رشد و آگاهی های سیاسی ملت

ملت ما از مسائل سیاسی منزوی بود، روگردان بود، حوادث کشور را مورد توجه قرار نمیداد. انقلاب این حالت را از ملت ما گرفت، ما را تبدیل کرد به یک ملت آگاه و سیاسی. امروز نوجوانهای ما هم در دورترین نقاط کشور تحلیل سیاسی میکنند، حوادث سیاسی را درک میکنند، روی هر مسئله ای تحلیل میگذارند. قبل از انقلاب اینجور نبود. سیاست گرائی و سیاست فهمی مخصوص یک عده ی انگشت شمار در این کشور بود. مردم عموماً دور از حوادث کشور بودند؛ دولتها می آمدند و میرفتند، قراردادهای بین المللی بسته میشد، کارهای بزرگ در دنیا انجام میگرفت، ملت خبر هم نمیشد. اینها خطوط اصلی این انقلاب است که این حوادث را در این کشور به وجود آورد. این اصول، نهادینه شده است؛ تثبیت شده است. این تحولات، سطحی نیست؛ مقطعی نیست.

بقای شعارهای روز اول انقلاب تا کنون

شعارهای انقلاب، امروز همان شعارهای روز اول است؛ که این نشان دهنده ی سلامت انقلاب است. شعارها مثل انگشت اشاره ای هستند که به هدفها اشاره میکنند، هدفها را ترسیم میکنند. وقتی شعارها تثبیت شده در یک نظامی، در یک انقلابی باقی ماند، معنایش این است که هدفها در این نظام به شکل اول است؛ هدفها تغییر پیدا نکرده است؛ دست اندرکاران و مردم از صراط مستقیم و هدفهای اصلی منحرف نشده اند. امروز شعارهای ملت ایران، همان شعارهای اول انقلاب است.

خب، در این دوره، در این سی و چند سال، زندگی ما تحت تأثیر همین خطوط اساسی قرار گرفته است. ما پیشرفتهائی داشتیم، ضعفها و نقصهائی هم داشتیم. پیشرفتهامان را باید بشناسیم، ضعفهامان را هم باید بشناسیم. اگر ضعفهای خودمان را پنهان کنیم، نشناسیم، تجاهل کنیم، این ضعفها خواهد ماند، نهادینه خواهد شد؛ برطرف نخواهد شد. همه ی نقاط قوت و ضعف را باید بدانیم.

نقاط مثبت و منفی هر دو هست، افت و خیز هست، اما حرکت ادامه داشته است؛ این مهم است. جوانهای عزیز ما بدانند؛ در طول این سی و دو سه سال مواردی شده است که ما ضعف نشان دادیم، این حرکت افت و خیز داشته است. همیشه یک جور نبوده است؛ گاهی سرعت و شتاب، گاهی کمتر، اما حرکت هرگز متوقف نشده است و ما در همان جهت اصلی پیش رفتیم؛ که امروز محصول آن را داریم مشاهده میکنیم.

نقاط قوت و ضعف نظام

اشاره

من چند تا از نقاط قوتی را که در این مدت داشته ایم، عرض کنم، چند تا هم از نقاط ضعف را عرض کنم.

الف) نقاط قوت:

۱. مهم ترین نقطه ی قوت نظام؛ غلبه ی بر چالشها

مهمترین نقطه ی قوت ما در این سی و دو سه سال عبارت است از غلبه ی بر چالشها؛ این خیلی مهم است. ما یک ملتی نبودیم که سرمان را پائین بیندازیم، راهمان را برویم، کسی به ما کاری نداشته باشد؛ نه، از روز اول قدرتهای مجهز جهانی، مسلطن جهانی با ما کار داشتند؛ بنای بر اذیت گذاشتند، بنای بر مانع تراشی گذاشتند؛ علیه ما جنگ تحمیل کردند، صدام را به جان ما انداختند، هشت سال ما را گرفتار کردند، تروریست آوردند، تحریم کردند. ما تا امروز بر همه ی این چالشها غلبه پیدا کرده ایم؛ یعنی هیچکدام از این چالشها نتوانسته است ملت ما و انقلاب

ما را پشیمان کند، به زانو دریاورد؛ ما بحمدالله راهمان را با قامت استوار ادامه داده ایم. این مهمترین نقطه ی قوت ماست.

۲. گسترش خدمات عمومی به ملت

یک نقطه ی قوت دیگر در این مدت، گسترش خدمات به ملت است، کماً و کیفاً. این خدمات نه با گذشته ی نزدیک قبل از انقلاب، بلکه با گذشته های دوردست هم قابل مقایسه نیست. خدمات عظیمی که در سراسر کشور گسترش پیدا کرده است، هم کیفیتهای این خدمات بالاست، خدمات درجه ی اول است - مادی و معنوی - هم کمیت و گسترش آنها زیاد است. این یک نقطه ی قوت مهمی است.

۳. پیشرفت علمی

نقطه ی قوت دیگر، پیشرفت علمی است. عزیزان من! این پیشرفت علمی را دست کم نگیرید. این پیشرفتها خیلی مهم است. علم، پایه ی پیشرفت همه جانبه ی یک کشور است. این حدیث را من یک وقتی خواندم: «العلم سلطان»؛ علم، اقتدار است. هر کس این اقتدار را داشته باشد، میتواند به همه ی مقاصد خود دست پیدا کند. این مستکبران جهانی به برکت علمی که به آن دست پیدا کردند، توانستند به همه ی دنیا زور بگویند. البته ما هرگز زور نخواهیم گفت، اما علم برای ما به عنوان یک پیشرفت حتماً لازم است.

پیشرفتهای علمی ما در این مدت سی و چند سال، پیشرفتهای حیرت آوری است. حالا فناوری هسته ای تصادفاً معروف شده است و همه توجه دارند - هم در کشور، هم در دنیا - لیکن فقط این نیست؛ فناوری هسته ای هست، علوم هوافضا هست، علوم پزشکی هست - خوشبختانه امروز کشور ما حائز رشته های بسیار مهم و دست نیافتنی پزشکی است و کارهای بزرگ پزشکی در این کشور انجام میگیرد - زیست فناوری هست، نانوفناوری که از علوم جدید و دانشهای نوی دنیاست، هست؛ سلولهای بنیادی که یکی از بزرگترین کارها در عرصه ی علم است، هست؛

شبه سازی، ساخت ابررایانه ها، فناوری انرژی های نو، رادیوداروهای مهم و داروهای ضد سرطان هست؛ و این فهرست ادامه دارد.

اینهایی که من عرض میکنم، رجزخوانی نیست؛ این گواهی مراکز علمی معتبر دنیاست. آنها میگویند سریع ترین رشد علمی در همه ی دنیا در این سالها، در ایران اتفاق افتاده است. این گزارش سال ۲۰۱۱ است که میگوید سریع ترین رشد علمی در همه ی دنیا در ایران اتفاق افتاده است. طبق گزارشی که مراکز علمی معتبر دنیا داده اند، رتبه ی علمی اول منطقه، ایران است. ما این رتبه ی اول علمی را برای سال ۱۴۰۴ در نظر گرفتیم؛ هنوز چهارده سال باقی است. همین سال میلادی گذشته گفتند ایران از لحاظ رتبه ی علمی در منطقه اول است، در دنیا هفدهم. در سطح دنیا رتبه ی علمی کشور ما هفدهم است؛ اینها خیلی مهم است. پس یکی از نقاط قوت ما، پیشرفت علمی است.

۴. پیشرفتهای کشور در ایجاد زیرساختهای فنی و مهندسی و صنعتی

یکی دیگر از نقاط قوت ما، پیشرفتهای کشور در ایجاد زیرساختهای فنی و مهندسی و صنعتی است؛ که هر وقت بینندگان خارجی آمدند دیدند و بازدید کردند، آنها را به تحسین وادار کرده است. این کارهای عظیمی که در زمینه ی ارتباطات، راه ها، ارتباطات مخابراتی و زیرساختهای گوناگون فنی و مهندسی و صنعتی و امثال اینها انجام گرفته است، یک داستان جداگانه است. من واقعاً متأسف میشوم وقتی می بینم این گزارشهای روشن و خوب، آنچنان که باید و شاید، به مردم داده نمیشود که مردم خوشحال بشوند؛ بفهمند در کشور چه اتفاقی دارد می افتد.

۵. انتقال ارزشهای انقلاب به نسل دوم و سوم

یکی دیگر از نقاط قوت ما در این مدت، انتقال ارزشهای

انقلاب به نسل دوم و سوم بود. امروز شما جوانها را نگاه میکنید، می بینید این ارزشها را دریافت کرده اند. همین شهید عزیز اخیر ما، مصطفی احمدی روشن - شهیدی که شهادتش دل ما را سوزاند - یا آن شهید جوان قبلی، شهید رضائی نژاد، که اوائل امسال به شهادت رسید، اینها دو تا جوان، دانشمند، سی

و دو سه ساله بودند؛ امام را درک نکردند، جنگ را درک نکردند، دوران انقلاب را درک نکردند، اما اینجور با شجاعت، با شهامت درس میخوانند، تحصیلات میکنند، مقامات عالی را طی میکنند؛ میدانند و میفهمند هم که مورد تهدیدند، اما میروند؛ این خیلی مهم است، این ارزش است؛ این ارزشهای انقلاب است در نسل سوم. احمدی روشن و رضائی نژاد و امثال اینها نسل سوم انقلابند. همین حرکت عظیم این جوانها که بعد از شهادت احمدی روشن اعلام کردند ما حاضریم بیائیم کار کنیم، خیلی مهم است؛ اینها را نباید دست کم گرفت. یکی از نقاط قوت و مثبت ما همین است که این ارزشها به نسلهای دوم و سوم منتقل شد. البته ریزش داشته ایم، توبه کار از انقلاب و پشیمان از انقلاب داشته ایم، اما رویشهای ما بیشتر از ریزشهای ما بوده است. نیروهای فرسوده ریزش پیدا کردند، اما نیروهای جوان و باطراوت بالا آمدند و رویش پیدا کردند.

۶. ارتقاء جهش وار در اثر گذاری در مسائل عمده ی منطقه و مسائل جهان

یکی دیگر از نقاط مثبت ما در این مدت، ارتقاء جهش وار در اثر گذاری در مسائل عمده ی منطقه و مسائل جهان است. امروز نظام

جمهوری اسلامی، یک کشور اثر گذار است؛ «آری» و «نه» او در مسائل منطقه، حتی در مسائل جهانی اثر میگذارد؛ این برای کشور خیلی مهم است.

۷. بنیه ی قوی و ساخت محکم کشور و نظام در مواجهه ی با دشمنی ها

یکی دیگر از نقاط قوت ما، بنیه ی قوی و ساخت محکم کشور و نظام در مواجهه ی با دشمنی هاست. ما در مقابل دشمنی ها مضطرب نمیشویم، نگران نمیشویم، دغدغه پیدا نمیکنیم. بنیه ی نظام و بنیه ی کشور، بنیه ی مستحکمی است.

۸. ارتقاء کمی و کیفی مراکز علمی

یکی دیگر از نقاط قوت ما، ارتقاء کمی و کیفی مراکز علمی ماست؛ یعنی دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمی. هم حوزه‌های علمی ما از لحاظ کمی و از لحاظ کیفی ارتقاء پیدا کرده است، هم دانشگاه‌های ما. اینها نقاط قوت ماست، و هر کدام از اینها شرح‌های طولانی می‌طلبد، آمارهائی دنبالش هست، و غیر از اینها هم نقاط قوت زیادی داریم.

تحقق نقاط قوت در شرایط تحریم

من این جمله را در ادامه‌ی نقاط قوت عرض بکنم که ملت ایران توجه داشته باشند همه‌ی این پیشرفتهای علمی و اجتماعی و فنی در شرایط تحریم اتفاق افتاده است؛ این خیلی مهم است. دروازه‌های علم را، دروازه‌های فناوری را بر روی ما بستند، راه‌ها را مسدود کردند، محصولات مورد نیاز ما را به ما نفروختند و ما اینجور پیشرفت کردیم. این اتفاقها در شرایط تحریم افتاده است؛ این است که امیدها افزایش پیدا میکند.

ب) نقاط ضعف و خطرهای بر سر راه:

اشاره

ما البته ضعفهائی هم داریم؛ این ضعفها را بایستی از بین ببریم. من بعد برمیگردم به این مسئله‌ی تحریم و شرائطی که تحمیل شده است و یک جمله‌ای عرض خواهم کرد. ضعفهای ما خطرهای است که در سر راه ماست و در این مدت وجود داشته است و باید بعدها جلوی اینها را بگیریم.

۱. گرایش مسئولین و مردم به دنیاطلبی

اولین ضعف ما گرایش به دنیاطلبی بود که گریبان بعضی از ماها را گرفت. بعضی از ما مسئولین دچار دنیاطلبی شدیم، دچار مادیگرایی شدیم؛ برای ما ثروت، تجمل، آرایش، تشریفات و اشرافیگری یواش یواش از قبح افتاد. وقتی ما اینجور شدیم، این سرریز میشود به مردم.

ص: ۱۲۱

میل به اشرافیگری، میل به تجمل، میل به جمع ثروت و استفاده ی از ثروت به شکل نامشروع و نامطلوب، به طور طبیعی در خیلی از انسانها هست. وقتی ما خودمان را رها کردیم، ول کردیم، دچار شدیم، این سرریز میشود به مردم؛ در مردم هم این مسئله پیدا میشود.

۲. اسراف زدگی و مصرف زدگی

ما امروز متأسفانه دچار اسراف و مصرف زدگی هستیم. من بارها این را عرض کرده ام، باز هم عرض میکنم؛ این خطر است در راه ما. مصرف زدگی را باید کم کنیم، حرص به متاع و کالای دنیا را باید کم کنیم. تا یک شایعه ای درست میشود که فلان چیز کم است، مردم هجوم می آورند برای اینکه بیشتر آن را جمع کنند، که نبادا دچار کمبود آن شوند؛ در حالی که آن شیء ممکن است جزو چیزهای لازم زندگی هم نباشد. خب، اگر آن جنس کم هم نیست، همین هجوم مردم آن را کم میکند. ما به این مسئله توجه نمیکنیم. این یکی از ضعفهای ماست؛ ما این ضعف را باید برطرف کنیم.

۳. کندی پیشرفت اخلاقی در مقایسه با پیشرفت علمی

یکی دیگر از ضعفهای ما این است که ما به موازات علم، به موازات پیشرفتهای علمی، پیشرفت اخلاقی و تزکیه ی اخلاقی و نفسی پیدا نکرده ایم؛ این عقب ماندگی است. البته امروز در مقایسه ی با قبل از انقلاب، بمراتب و مراتب بهتر است - در این هیچ شکی نیست - اما باید پیشرفت میکردیم. در علم پیشرفت کردیم، در سیاست پیشرفت کردیم؛ باید در معنویت و در تزکیه ی نفس هم پیشرفت میکردیم. در قرآن هر جا تزکیه و تعلیم از زبان پروردگار است، تزکیه مقدم است بر تعلیم؛ آن هم تعلیم کتاب و حکمت - «یزکیهم و یعلمهم الكتاب و الحکمه» - فقط یک جا از زبان حضرت ابراهیم، تعلیم مقدم است. بنابراین ما از تزکیه ی اخلاقی و نفسی غفلت کردیم.

۴. عدم تحقق عدالت اجتماعی مطلوب اسلام

در عدالت اجتماعی هنوز به نقطه ی مورد نظر اسلام - که آرزوی خود ما بوده است - نرسیده ایم؛ این هم از نقطه ضعفهای ماست. این ضعفها را بایستی جبران کنیم. اینها ضعفهایی است که نمیشود از آنها گذشت. هم مسئولین، هم آحاد مردم باید احساس کنند وظیفه دارند این ضعفها را برطرف کنند. ان شاءالله باید از خدای متعال کمک بخواهیم و این ضعفها را برطرف کنیم. و البته میشود برطرف کرد؛ اینها بدون تردید برطرف کردنی است.

راهکارهای از بین بردن ضعفها

خب، به نظر من کارهایی که باید انجام بگیرد برای اینکه این ضعفها برطرف شود،

۱. مسئولیت پذیری مسئولین

در درجه ی اول این نگاه به آینده است؛ در درجه ی اول مسئولیت پذیری ماهاست. همه ی ما باید احساس مسئولیت کنیم؛ بخصوص مسئولین کشور و خدمتگزاران مردم باید احساس مسئولیت کنند. تقصیرها را گردن هم نیندازیم. اینجور نباشد که اگر یک جا یک نقصی پیدا شد، مجلس بگوید تقصیر دولت است، دولت بگوید تقصیر مجلس است، آن یکی بگوید تقصیر قوه ی قضائیه است؛ نه، حدود مشخص است. قانون اساسی خطوط را مشخص کرده است. وظائف همه معلوم است. رهبری مسئولیت دارد، دولت مسئولیت دارد، مجلس مسئولیت دارد، قوه ی قضائیه مسئولیت دارد، نیروهای نظامی مسئولیت دارند، دستگاه های اجرائی هر کدام مسئولیتهائی دارند؛ به گردن هم نیندازیم. اشکالی به وجود می آید، متوجه رهبری است؛ رهبری متواضعانه قبول کند که این اشکال متوجه اوست و سعی کند آن را

برطرف کند. این یکی از اساسی ترین کارهاست.

۲. پرهیز از سرگرم شدن به مسائل فرعی و غفلت از ارزشهای اصولی

کار اصلی دیگر این است که از ارزشهای اصولی نباید غافل شد. سرگرم مسائل فرعی و فروع نشویم، از اصول غافل بمانیم. این هم شرح مفصلی دارد.

۳. حفظ اتحاد و همدلی

حفظ اتحاد و همدلی، یکی دیگر از وظائف ماست. بارها عرض کرده ایم که بین مسئولین باید اتحاد و همدلی باشد. سه قوه و دیگران باید با هم همدل باشند، همگام باشند، همدست باشند؛ ولو یک جاهائی اختلاف نظرهای دارند. اختلاف نظر اشکالی ندارد؛ اما بایستی در جهتگیری های نظام و کشور و انقلاب پشت به پشت یکدیگر بدهند، دست یکدیگر را محکم بفشردند و به پیش بروند؛ هم اینها، هم مردم با هم، هم مردم با مسئولین. این اتحاد و همدلی، علاج قطعی بسیاری از مشکلاتی است که در کشور وجود دارد.

۴. نخوردن فریب لبخند و وعده های دشمن

یکی از کارهای اصلی که باید انجام بدهیم و همه باید به آن توجه داشته باشیم، این است که فریب لبخند دشمن و وعده های دروغ جبهه ی دشمن را نخوریم. در این سی سال، تجربه هم پیدا کرده ایم. گاهی به روی ما لبخند زدند. اوائل گاهی بعضی از ما باور میکردیم. یواش یواش فهمیدیم پشت صحنه چیست. فریب لبخند دشمن را، فریب وعده های دروغ دشمن را نخوریم. جبهه ی قدرت مادی ای که امروز بر دنیا مسلط است، راحت عهد میشکند. بدون هیچ دغدغه ای عهدشکنی میکنند، زیر قولشان میزنند، زیر حرفشان میزنند، نه از خدا خجالت میکشند، نه از خلق خجالت میکشند، نه از طرف مذاکره خجالت میکشند؛ راحت دروغ میگویند! من نمونه های زنده دارم - که حالا در اینجا جای بحث نیست؛ شاید آن وقتی که لازم باشد، عرض بکنم - همین اظهاراتی که

ص: ۱۲۴

آمریکائی‌ها کردند، رئیس‌جمهور آمریکا کرد؛ نامه‌ای که به ما نوشت، جوابی که ما دادیم؛ بعد عکس‌العمل و اقدامی که آنها با مضمون آن نامه‌ها کردند. اینها یک روزی در اختیار افکار عمومی دنیا - آن وقتی که لازم باشد - قرار خواهد گرفت؛ خواهند دید که اینها چه جوری اند، حرفشان چقدر اهمیت و ارزش دارد، وعده‌شان چقدر ارزش دارد. بنابراین یکی از کارهای اساسی ما این است که فریب لبخند و وعده‌ی دروغ اینها را نخوریم.

۵. پرهیز از تنبلی و کمکاری

یکی هم پرهیز از تنبلی و کم‌کاری است. کسالت، کم‌کاری و تنبلی، یک انسان را، یک خانواده را، یک کشور و یک ملت را تباہ می‌کند. همه باید کار کنند؛ کار جهادی. این که ما امسال گفتیم جهاد

اقتصادی، یعنی تحرک اقتصادی باید جهادگونه باشد. خب، این راجع به مسائل انقلاب. حرف زیاد است، اما وقت کم است؛ به آن مسائل بعدی هم باید برسیم.

حادثه‌ی مهمّ به زیر کشیدهدشدن طواغیت در جهان اسلام

اما مسائل منطقه و جهان. در این یک‌سالی که بین دهه‌ی فجر گذشته و امسال هست، ملت‌های منطقه در به زیر کشیدن چهار طاغوت موفق شدند؛ این خیلی مهمّ است. برای اینکه یک ملت‌ی یکی از این طاغوت‌ها را به زیر بکشد، تلاش‌های زیادی لازم است. در این سالی که فاصله‌ی بین آن دهه‌ی فجر و این دهه‌ی فجر است، چهار طاغوت خطرناکِ خبیث این منطقه به زیر کشیده شدند؛ این خیلی حادثه‌ی مهمّی است.

رای مردم مصر و تونس به اسلام؛ نشانه‌ی شکست اسلام‌پراسی غرب

یک حادثه‌ی مهمّ دیگر این است که در تونس و مصر، مردم به اسلام رأی دادند. در مصر حدود هفتاد و پنج درصد مردم رفتند پای صندوق‌های رأی و به گروه‌های اسلامی رأی دادند؛ در تونس هم شبیه

ص: ۱۲۵

همین؛ اینها خیلی مهم است. این معنایش این است که همه ی تلاشی که آمریکائی ها و غربی ها و دستگاه های تبلیغاتی و هالیوود و غیره و غیره از لاج جمهوری اسلامی در این سالها انجام دادند برای اینکه اسلام هراسی کنند و حکومت اسلامی هراسی کنند، نقش بر آب شده است؛ مردم طرفدار اسلامند.

انزوای رژیم صهیونیستی و نشاط فلسطینیان؛ از آثار بیداری اسلامی

یکی از آثار این حرکتها، ضعف و انزوای رژیم صهیونیستی است؛ که این هم خیلی مهم است. چون رژیم صهیونیستی در این منطقه حقیقتاً غده ی سرطانی است و باید قطع بشود و قطع خواهد شد، بنابراین بر اثر این حرکتها دچار ضعف و انزوای بیشتر از همیشه شد. جوانان فلسطینی نشاط پیدا کردند، امید پیدا کردند، به مبارزات خودشان و آینده ی خودشان امیدوار شدند. ملتها امیدوار شدند.

مظلومیت ملت بحرین

البته در بین این ملتها، ملت بحرین از همه مظلوم ترند؛ چون متأسفانه مورد سکوت و بایکوت همه ی رسانه های دنیا قرار دارند. در هیچ منطق انسانی و جهانی، درخواست آنها مردود نیست، بلکه درخواست بحقی است، لیکن مظلوم واقع شده اند؛ بکلی اینها را از دایره ی تبلیغ و ترویج خارج کرده اند، بلکه علیه آنها مرتباً تبلیغ میکنند. البته اثر هم ندارد. آن ملت هم به توفیق الهی پیروز خواهد شد.

عدم دخالت ایران در بحرین

من همین جا به این مناسبت، این جمله را عرض بکنم: حکام بحرین ادعا کردند که ایران در قضایای بحرین دخالت میکند. این دروغ است. نه، ما دخالت نمیکنیم. ما آنجائی که دخالت کنیم، صریح میگوئیم. ما در قضایای ضدیت با اسرائیل دخالت کردیم؛ نتیجه اش هم پیروزی جنگ

سی و سه روزه و پیروزی جنگ بیست و دو روزه بود. بعد از این هم هر جا هر ملتی، هر گروهی با رژیم صهیونیستی مبارزه کند، مقابله کند، ما پشت سرش هستیم و کمکش میکنیم و هیچ ابائی هم از گفتن این حرف نداریم. این حقیقت و واقعیت است. اما اینکه حالا حاکم جزیره ی بحرین بیاید بگوید ایران در قضایای بحرین دخالت میکند، نه، این حرف درستی نیست؛ حرف خلاف واقعی است. ما اگر در بحرین دخالت میکردیم، اوضاع در بحرین جور دیگری میشد!

ضعف و شکست همجانبه ی آمریکا

در جهان هم اوضاع، اوضاع غریبی است. آمریکا دچار ضعف شده است - هم ضعف اقتصادی و مالی، هم ضعف سیاسی - این هم یک واقعیتی است. آمریکا در سیاست خاورمیانه ای خودش شکست خورد، در قضیه ی فلسطین شکست خورد، در قضیه ی عراق شکست خورد. آمریکائی ها میخواستند عراق را مستقیماً خودشان اداره کنند، نتوانستند - ملت عراق ایستاد و نگذاشت - خواستند دولتی دست نشاندۀ بیاورند، نتوانستند؛ خواستند با کاپیتولاسیون بمانند، دولت و ملت عراق اجازه ندادند. امروز دولت عراق یک دولت مردمی است، ملت عراق یک ملت زنده و بیدار است؛ و همین موجب شد که آمریکائی ها بدون هیچ دستاوردی، آنچه که میخواستند، نشد، از عراق خارج بشوند. البته دخالتهای نفتی دارند، دخالتهای امنیتی دارند؛ که لابد ملت و دولت عراق ان شاءالله در آینده برای آن هم فکری خواهند کرد.

در قضایای داخلی هم - که آمریکائی ها سعی میکنند این را پنهان کنند - آمریکا دچار ضعف است. نمیخواهند اقرار کنند که دچار ضعفند. اواما در سخنرانی چند روز پیش در کنگره، کمترین اشاره ای به این نکرد که ملت آمریکا بیش از چهار ماه است که توی خیابانهایش توی این هوای سرد، در سرتاسر آمریکا، در ایالتهای مختلف، این همه مردم بیایند توی خیابانها بایستند، در مقابل فشار پلیس و ضربه های سخت

پلیس ایستادگی کنند، این قابل اشاره کردن نبود؟! اصلاً اشاره ای نکردند. میخواهند پنهان کنند. این هم حقوق بشرشان است.

ضعف اروپاییان در زمینه ی سیاسی و اقتصادی

اروپا هم همین جور است. اروپا هم دچار ضعف است. غیر از مسائل اقتصادی و مالی و پولی - که اینها ضعفهای عجیبی است و مردم را خشمگین کرده است - از لحاظ سیاسی هم اروپا امروز دچار ضعف است.

من برای شما یک مثال بزنم. دولت فرانسه در دوران ژنرال دوگل که رئیس جمهور فرانسه بود، اجازه نداد که انگلیس وارد اتحادیه ی اروپا بشود. چرا؟ گفتند انگلیس وابسته ی به آمریکا است؛ نوع ارتباطات انگلیس و آمریکا، اتحادیه ی اروپا را از استقلال می اندازد. دوگل نگذاشت که انگلیس وارد اتحادیه ی اروپا شود، به خاطر ارتباط و اتصال و وابستگی به آمریکا. این مربوط به آن روز فرانسه است. این آقائی که امروز در فرانسه سر کار است، حرفهای آمریکا را رله میکند؛ همان حرفهایی را که آنها میخواهند، آنچه که در دل آنهاست، تکرار میکنند؛ شده تابع محض! خب، این ضعف است. کار اروپا به اینجا رسیده است. این فرانسه است؛ کشورهای دیگر اروپائی هم به طریق اولی همین طورند. این ضعف این دستگاه هاست.

شکست غرب در تحریم ایران

امروز غربی ها در مسائل اقتصادی دچار ضعفند، در مسائل سیاسی دچار ضعفند، در تصمیمات بین المللی دچار ضعفند؛ از جمله همین تصمیم به تحریم ما. اینها خواستند در واقع جمهوری اسلامی را، ملت ایران را به خاطر اسلام مجازات کنند. تهدید کردند: تحریمهای فلج کننده، تحریمهای دردآور! هی گفتند، گفتند.

این تحریمها از دو جهت به نفع ماست:

الف) خودکفایی

اولاً وقتی ما تحریم بشویم، به استعداد و ظرفیت داخلی رو می آوریم، از داخل رشد میکنیم؛ همچنان که در این سی سال این مسئله اتفاق افتاده است. اگر در زمینه ی سلاح تحریم نمیشدیم، امروز این پیشرفتهای عجیب را نداشتیم؛ اگر در قضیه ی اتمی، اینها نیروگاه بوشهر را خودشان ساخته بودند، ما در غنی سازی پیشرفت نمیکردیم؛ اگر درهای علم را به روی ما نبسته بودند، ما در سلولهای بنیادی و هوافضا و فرستادن ماهواره به آسمان، به اینجاها نمیرسیدیم. پس هرچه ما را تحریم میکنند، ما به ظرفیت داخلی خودمان متوجه میشویم و رو می آوریم و این ظرفیت و استعداد روزبه روز مثل چشمه ی جوشانی شکوفا میشود. پس این تحریم به نفع ماست.

ب) شکستشدن هیبت غرب در جهان با توجه به ایستادگی ایران

جهت دومی که این تحریمها به نفع ماست، این است که اینها همین طور مرتباً در تبلیغاتشان میگویند ما این تحریمها را میخواهیم بر ایران اعمال کنیم تا ایران را وادار به عقب نشینی کنیم؛ حالا مثلاً در قضیه ی هسته ای. پس همه ی دنیا فهمیدند که این تحریمها برای فشار بر ایران، برای عقب نشینی در قضیه ی هسته ای و قضایای دیگر است. خوب، وقتی ما عقب نشینی نکردیم، چه اتفاقی می افتد؟ این تحریمها برای این است که ایران را وادار به عقب نشینی کنند، ایران هم که عقب نشینی نخواهد کرد؛ نتیجه این میشود که هیبت غرب و هیبت تهدیدهای غرب در چشم این ملت‌های منطقه که قیام کردند، میشکند و عزت ملت ایران و قدرت ملت ایران در چشم اینها زیاد میشود؛ و این به نفع ماست. بنابراین، این تحریمها برای ضربه زدن به ماست، اما از این دو جهتی که عرض کردم، در واقع خدمت به ماست.

این وضع اروپاست. اروپا دچار مشکلات لاینحل اقتصادی است. مردم در اروپا خشمگینند، به مسائل اقتصادی معترضند. من قبلاً هم این را گفته ام؛ آن روزی که ملت‌های اروپا بدانند که این وضعیت ضعفی که دچارش شده اند، به خاطر دخالت آمریکا و دخالت شبکه ی صهیونیستی جهانی است، این اعتراض‌های به خاطر اهداف اقتصادی، تبدیل خواهد شد به یک نهضت عظیم اجتماعی؛ آن وقت است که دیگر باید منتظر دنیای جدیدی بود و دنیای جدیدی به وجود خواهد آمد.

ضرر تهدید نظامی ایران برای آمریکا

یک جمله هم راجع به این تهدیدهای آمریکا عرض بکنیم. مرتباً تهدید میکنند؛ تهدید به این زبان: همه ی گزینه ها روی میز است! یعنی حتی گزینه ی جنگ. این، تهدید به جنگ است با این زبان. خب، این تهدید به جنگ، به ضرر آمریکاست؛ خود جنگ، ده برابر به ضرر آمریکاست. چرا این تهدیدها به ضرر آمریکاست؟ به خاطر اینکه خود این تهدیدها نشان دهنده ی عجز آمریکا از مقابله ی منطقی و مقابله ی گفتمانی است؛ یک گفتمانی در مقابل گفتمان جمهوری اسلامی ندارند؛ نمیتوانند در میدان مقابله ی فکری و منطقی، برای خودشان غلبه ای ایجاد کنند؛ مجبور میشوند توسل به زور و تشبث به زور بکنند. این معنایش این است که آمریکا جز زور، هیچ منطقی ندارد؛ جز خونریزی، هیچ راهی برای پیشبرد خود ندارد. این، اعتبار آمریکا را بیش از آنچه که تاکنون شکسته است، در چشم ملت‌ها و در چشم ملت خودش خواهد شکست؛ این همان چیزی است که سرنوشت رژیم‌ها را معین میکند. آن رژیمی، آن نظامی که اعتبارش در چشم مردم خودش بشکند، سرنوشتش معلوم است؛ مثل رژیم شوروی سابق. اتفاقاً بعضی از صاحب نظران غربی همین چند روز قبل گفتند که امروز وضع آمریکا و غرب شبیه وضع

شوروی سابق در سالهای اواخر دهه ی ۸۰ میلادی است که منجر به سقوط شد. یعنی وقتی یک رژیم، یک نظامی از لحاظ گفتمان، از لحاظ منطق، در چشم مردم خودش ساقط بشود، دیگر امیدی به بقای این رژیم نیست. لذا هرچه تهدید کنند، به ضررشان است.

پاسخ ایران؛ تهدید در برابر تهدید

البته آنها و دیگران بدانند - میدانند هم - که ما هم در برابر تهدید به جنگ و تهدید به تحریم نفتی، تهدیدهائی داریم که در وقت خودش، آن وقتی که لازم باشد، ان شاءالله اعمال خواهد شد.

نمرهی حضور مردمی برای کشور

درباره ی انتخابات هم من چند جمله ای عرض بکنم. برادران و خواهران عزیز! ملت عزیز ایران! انتخابات مصونیت بخش به کشور است. آن چیزی که هیبت این ملت را حفظ میکنند، قدرت معنوی او را به رخ دشمنان میکشاند و آنها را از تعرض منع میکند و میترساند، حضور مردمی است؛ که یکی از مظاهرش همین انتخابات است، یکی از مظاهرش هم همین بیست و دوی بهمنی است که شما در مقابل دارید. هرچه حضور پررنگ تر باشد، اعتبار و ارزش ملی بالاتر خواهد رفت. انتخابات هم همین جور است. هرچه صندوقهای رأی شلوغ تر باشد، گسترش شرکت مردم بیشتر باشد، اعتبار کشور بالا خواهد رفت، مصونیت کشور بیشتر خواهد شد. مشارکت مردم میتواند آینده ی کشور را تأمین و تضمین کند. یک مجلس صالح و سالم و قوی میتواند بر عملکرد همه ی دستگاه های کشور اثر بگذارد؛ بر عملکرد دولت، بر عملکرد قوه ی قضائیه، حتی بر عملکرد نیروهای مسلح میتواند اثر بگذارد. مجلس قوی، مجلس صالح، مجلس سالم، یک چنین وضعی دارد. خب، این مجلس را کی میتواند تشکیل بدهد، جز مردم؟ دشمن این را نمیخواهد. الان دو سه ماه است بوقهای تبلیغاتی دشمن دارند

تلاش میکنند که مردم را ناامید و مأیوس کنند تا در انتخابات شرکت نکنند؛ بعضی هم در داخل بدون اینکه بفهمند چه کار دارند میکنند، متأسفانه با آنها همصدا میشوند! آنها مغرضند، اینها غافلند.

تلاش دشمن برای بحرانی نشان دادن کشور

مسائل کوچک را نباید بزرگ کرد. نباید القاء بحران کرد. سعی میکنند با هزار وسیله اثبات کنند که در ایران بحران هست. چه بحرانی؟ کدام بحران؟ کشور آرام، ملت قوی، بانشاط؛ این همه کار از سوی دستگاه های گوناگون، از سوی آحاد مردم در این کشور دارد انجام میگیرد. به توفیق پروردگار، امنیت کامل برقرار است. دستگاه ها با همدیگر همکاری داشته باشند. اگر همکاری بکنند، کارها خیلی بهتر هم خواهد شد. دشمن این را نمیخواهد.

لزوم انجام رقابت سالم در انتخابات

آنچه در انتخابات لازم است، رقابت سالم است؛ رقابت بدون تهمت زنی و بد گوئی به یکدیگر است. فضای انتخابات باید سالم باشد. مردم اگر خودشان نامزدهای انتخاباتی را میشناسند، طبق تشخیص خودشان حتماً عمل کنند؛ اگر نمیشناسند، از افراد بصیر و متدین در گزینشهای انتخاباتی استفاده کنند. مجریان انتخابات در اجرای درست انتخابات، دقت کامل را به کار ببرند. اینها چیزهایی است که میتواند یک انتخابات خوب را برای کشور به ارمغان بیاورد. این سی و دو سه انتخاباتی که از اول انقلاب تا امروز داشتیم، خوشبختانه همه ی اینها سالم بوده. البته در همه ی اینها کسانی معترض بوده اند، اعتراضها رسیدگی هم شده، احیاناً تخلفات بوده است، اما هرگز عدم سلامت در انتخابات وجود نداشته است. بعد از این هم باید همین جور باشد.

تذکره به شورای نگهبان در بررسی صلاحیتها

من دو سه جمله راجع به این مسئله ی صلاحیتها عرض بکنم. شورای محترم نگهبان صلاحیتهای افرادی را احراز میکند، بعضی را هم احراز نمیکند. من اینجا سه تا نکته عرض بکنم: نکته ی اول این است که شورای نگهبان از لحاظ قانونی موظف است صلاحیتها را احراز کند؛ باید تشخیص بدهد، باید برسد به این که این صلاحیت وجود دارد. البته توصیه ی همیشگی ما این بوده است که سطح صلاحیتها را آنقدر بالا نبرند که یک عده ی معدودی ته آن بمانند. آنچه که موجب صلاحیت است، یک قدری سطح آن را باسماحت تر نگاه کنند.

ضرورت تسلیم بودن در برابر قانون

نکته ی دوّم این که بعضی ها به این نظارتها ی شورای نگهبان و عوامل نظارتی معترضند. ممکن است اعتراضشان بجا و واقعاً درست هم باشد؛ منتها توجه کنیم که وقتی یک مقام مسئول قانونی مورد اعتماد تصمیمی گرفت، ما تسلیم باشیم. همه مان باید تبعیت کنیم. مثلاً مجلس یک قانونی را میگذرانند؛ ممکن است من به آن قانون اعتراض داشته باشم، بگویم این قانون معیوب است؛ اما قانون است، باید بر طبقش عمل کنم. وقتی یک مقام مسئولی که مورد اعتماد هم هست - مثل شورای نگهبان - تصمیمی گرفت، بایستی تسلیم آن شد، باید تبعیت کرد.

نبود ملازمه بین رد صلاحیت برای نامزدی مجلس با رد صلاحیت کلی

نکته ی سوّم: این را من اعلام میکنم، همه ی افراد بدانند؛ اینهایی که رد صلاحیت میشوند، لزوماً آدمهای بی صلاحیتی نیستند. اینجور خیال نشود که حالا چون فلانی در انتخابات رد صلاحیت شد، پس دیگر بکلی از صلاحیت ساقط است؛ نه، طبق قانون، در انتخابات نمیتواند به عنوان نامزد شرکت کند، اما ممکن است مقامی که او را رد صلاحیت کرده،

اشتباه کرده باشد. ممکن است برای این کار صلاحیت نداشته باشد، اما صلاحیتهای فراوان دیگری داشته باشد. اینجور نباشد که اگر کسی رد صلاحیت شد، این معنایش این باشد که او دیگر از هستی ساقط شد؛ نه، صلاحیتهای گوناگون دیگری وجود دارد.

لزوم هوشیاری نسبت به توطئه دشمن در امر انتخابات

آخرین مطلب در باب انتخابات این است که: مسئولان از توطئه دشمن در کار انتخابات غافل نشوند. آن کسانی هم که در انتخابات رأی نمی آورند، مواظب باشند آن کلاهی که بر سر رأی نیاوردگان سال ۸۸ رفت، بر سر آنها نرود؛ فریب نخورند. همه ی نامزدهای انتخابات و همه ی هوادارانشان، خودشان را در مقابل توطئه ی احتمالی دشمن مسئول امنیت بدانند. انتخابات را متهم نکنند؛ کسی آب به آسیاب دشمن نریزد؛ در تبلیغات، القاء فضای اختلاف و ناامیدی نشود، تا ان شاء الله انتخابات خوبی داشته باشیم.

بسم الله الرحمن الرحيم

والعصر. انّ الانسان لفي خسر. الاّ الذين ءامنوا و عملوا الصّالحات و تواصوا بالحقّ و تواصوا بالصّبر.

خطبه ی دوّم

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله ربّ العالمين و الصّلاه و السّلام على سيدنا و نبينا ابى القاسم المصطفى محمّد و على ءاله الأطيبين الأطهرين سيّما بقيهالله فى الأرضين و صلّى على على اميرالمؤمنين و فاطمه الزّهراء سيّده نساءالعالمين و صلّى على الحسن و الحسين سيّدى شباب اهل الجنّه و على على بن الحسين و محمّد بن علىّ و جعفر بن محمّد و موسى بن جعفر و علىّ بن موسى و محمّد بن علىّ و علىّ بن محمّد و الحسن بن علىّ و الخلف القائم المهديّ حججك على عبادك

ص: ۱۳۴

و امنائک فی بلادک و صلّ علی ائمّه المسلمین و حماه المستضعفین و هداه المؤمنین.

بار دیگر همه ی برادران و خواهران عزیز نماز گزار را دعوت میکنم به تقوای الهی. آنچه را که در خطبه ی دوّم به طور معمول عرض میکنیم، در خطبه ی اوّل به عرض شما برادران و خواهران رساندم. در این خطبه، با معذرت از همه ی نماز گزاران عزیز، خطاب من به برادران عرب ماست که دوران حساسی را میگذرانند. خطبه را عربی خواهم خواند.

ترجمه ی خطبه ی عربی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا و نبينا محمد و آله الطاهرين و صحبه المنتجبين و من تبعهم باحسان الى يوم الدين.

برادران مسلمان ما در هر جا که باشید! سلام عليكم و رحمهاالله و برکاته

میخواهم در ماه ربیع و در آستانه ی میلاد رسول خاتم (صلی الله علیه و آله)، نخستین سالگرد بهار بیداری اسلامی و برانگیختگی برادران و خواهران عرب را از مصر و تونس و لیبی تا بحرین و یمن و بعضی از سرزمینهای اسلامی دیگر، از سوی ملت ایران و همه ی مسلمین جهان تبریک بگویم.

بیداری اسلامی با ضربه ی بر جبهه ی امریکا و صهیونیستها

یک سال پُرماجرا گذشت. در تونس و مصر، رأی ملتها برای نخستین بار محترم شمرده شد و در هر دو کشور به جریانهای اسلامگرا تعلق گرفت. در لیبی نیز چنین خواهد شد و این اسلامگرایی با صفاتی چون ضد صهیونیستی بودن، ضد دیکتاتوری بودن، استقلال طلبی، آزادیخواهی و پیشرفت طلبی در سایه ی قرآن، مسیر محتوم و اراده ی قاطع همه ی ملت‌های مسلمان خواهد بود. این موج که سه دهه پیش سرنوشت ایران اسلامی را نیز در چنین ایامی (مصادف با ۲۲ بهمن) رقم

ص: ۱۳۵

زد و نخستین ضربه ی سنگین را بر جبهه ی آمریکا، ناتو و صهیونیسم فرود آورد و بزرگترین دیکتاتوری سکولار و دست نشانده ی منطقه را فروپاشاند، در همین ایام و با همان سبک و همان مطالبات، کل خاورمیانه ی اسلامی و عربی را در بر گرفته است.

الهام جوانان غربی از بیداری اسلامی

اراده ی خداوند به بیداری ملت‌ها تعلق گرفته است و قرن اسلام و عصر ملت‌ها فرا رسیده و در آینده، سرنوشت کل بشریت را تحت تأثیر قرار خواهد داد. و مگر جوانان و روشنفکران در واشنگتن و لندن و مادرید و ژم و آتن، با الهام از میدان تحریر، به خیابان‌ها نیامدند؟

بیداری اسلامی با بازگشت به اسلام

حساسترین بخش‌های جهان اسلام را نهضت بازگشت به اسلام و اعاده عزت و هویت و رهائی فرا گرفته است و همه جا شعار «الله اکبر» به گوش می‌رسد. ملت‌های عرب، دیکتاتورهایشان را نمی‌خواهند؛ سیطره دست نشانده‌گان و طواغیت را بر خود، دیگر تاب نمی‌آورند؛ از فقر و عقب ماندگی و تحقیر و وابستگی به ستوه آمده‌اند؛ سکولاریزم را در سایه ی سوسیالیسم و لیبرالیسم و ناسیونالیسم قومی آزمودند و همگی را بن بست یافتند؛ و البته ملت‌های عرب به دنبال افراطی‌گری، خشونت مذهبی، بازگشت به عقب، تعصبات فرقه ای و قشری‌گری با برچسب اسلامگرایی نیز نیستند.

درست‌ترین راه؛ ترکیبی از معنویت، عدالت، عقلانیت و مردمسالاری

انتخابات تونس و مصر و شعارها و رویکردهای مردم یمن و بحرین و سایر سرزمین‌های عربی، علامت می‌دهد که همه می‌خواهند «مسلمان معاصر» بدون افراط خشک سرانه و تفریط غرب‌گرایانه باشند و با شعار «الله اکبر» می‌خواهند مسلمانانه، با ترکیب «معنویت»، «عدالت» و

«عقلانیت»، و با روش «مردم سالاری دینی»، از پس تحقیر و استبداد و عقب ماندگی و استعمار و فساد و فقر و تبعیض صد ساله رهائی یابند؛ و این، درست ترین راه است.

خصوصیت طواغیت رژیمهای عربی

رژیم های عربی که در معرض خشم مردمشان قرار گرفته اند، چه خصوصیات داشته اند؟ دین ستیزی، سرسپردگی و دست نشانده گی غرب (آمریکا، انگلیس و...) همکاری با صهیونیستها و خیانت به فلسطین، دیکتاتوری های خانوادگی و وراثتی، فقر مردم و عقب ماندگی کشور در کنار ثروتهای انبوه خانواده های حاکم، تبعیض و بی عدالتی و فقدان آزادی قانونی و پاسخگوئی قانونی، از خصوصیات مشترک آنها بوده است. حتی تظاهر به اسلام یا جمهوریت در برخی موارد نیز نتوانسته مردم را فریب دهد. اینها واضح ترین علائم برای شناخت ماهیت خیزش ملت‌های عرب است؛ اعم از آنها که پیروزی های بزرگی به دست آوردند، یا آنان که ان شاءالله به دست خواهند آورد.

جنبشی اسلامی با شعار الله اکبر

هر ادعای دیگری در مورد ماهیت این جنبشها که با شعار «الله اکبر» صورت گرفته، نادیده گرفتن واقعیت در جهت بهره برداری های دیگر و تحمیلها و انحرافات بعدی است. آینده ی این انقلابها با همین اصول سنجیده خواهد شد و معیار اصالت یا انحراف انقلابها همین آرمانها خواهد بود. ضد را به ضد میتوان شناخت و انقلابها را به ضدیت با صفات رژیمهایی که به لرزه افتاده اند. انقلابیون همچنان باید مراقب هدف تراشی ها و تلاشهایی که برای تغییر شعارها صورت میگیرد، باشند.

تلاش غرب برای تبدیل انقلاب به ضد انقلاب

بی شک غرب میکوشد انقلابها را تبدیل به ضد انقلاب کرده و نهایتاً با بازسازی رژیمهای قدیمی به شیوه ی جدید و تخلیه ی احساسات

توده‌ها و جابه‌جائی اصول و فروع و تغییر مهره‌های خود و اصلاحات صوری و تصنعی و ظاهرسازی دموکراتیک، دوباره برای ده‌ها سال دیگر سیطره‌ی خود را بر جهان عرب حفظ کند.

تلاش غرب برای تحریف مبانی و معارف اسلامی

غرب در دهه‌های بیداری

اسلامی و بویژه سالهای اخیر پس از شکستهای پیاپی از ایران و افغانستان تا عراق و لبنان و فلسطین و اینک مصر و تونس و ... کوشیده است پس از شکست تاکتیک اسلام ستیزی و خشونت علنی، به تاکتیک بدل سازی و تولید نمونه‌های تقلبی دست بزند، تا عملیات تروریزم ضد مردمی را به جای «شهادت طلبی»، «تعصب و تحجر و خشونت» را به جای «اسلامگرایی و جهاد»، «قومیت‌گرایی و قبیله‌بازی» را به جای «اسلام‌خواهی و ائت‌گرایی»، «غربزدگی و وابستگی اقتصادی و فرهنگی» را به جای «پیشرفت مستقل»، سکولاریزم» را به جای «علم‌گرایی»، «سازشکاری» را به جای «عقلانیت»، «فساد و هرج و مرج» اخلاقی را به جای «آزادی»، «دیکتاتوری» را به نام «نظم و امنیت»، «مصرف‌زدگی، دنیاگرایی و اشرافیگری» را به نام «توسعه و ترقی»، «فقر و عقب‌ماندگی» را به نام «معنویت‌گرایی و زهد» قلمداد کند.

تشکیل دو قطبی مستضعفین و مستکبرین

دو قطبی سرمایه‌داری و کمونیزم که جنگ بر سر قدرت و ثروت بود، پایان یافت و امروز دو قطبی میان مستضعفین جهان به رهبری جنبش مسلمین با مستکبران به رهبری آمریکا و ناتو و صهیونیسم است. دو اردوگاه اصلی تشکیل شده است و اردوگاه سوّمی وجود ندارد.

چشم‌همه به بیداری اسلامی از جزیره‌العرب تا شمال آفریقا

این فرصت کوتاه را نمیخواهم با بازخوانی گذشته و تقدیر از ملت‌های عرب بگذرانم. بی‌شک همه‌ی ما و جهانیان چشم به منطقه دوخته‌ایم و ملت‌های برخاسته از جزیره‌العرب تا شمال آفریقا را تحسین میکنیم؛ ولی

ص: ۱۳۸

اینک مایلم از امروز و فردا بگویم.

سال گذشته در همین نماز جمعه با مردم شریف مصر، در حالی که هنوز سایه ی نامبارک حسنی مبارک بر سرشان بود، سخن گفتم و امروز که دوران جدید آغاز شده و دیکتاتور در حال محاکمه است، همه ی ما امیدوارانه تر به آینده ی جنبش مصر عزیز و سایر اعراب می اندیشیم.

سه گروه در اطراف انقلابها

اشاره

مؤلفه هائی که از اطراف گوناگون در صحنه ی انقلابها حضور دارند، چه کسانی اند؟

۱. آمریکا، ناتو، رژیم صهیونیستی و متحدین و وابستگانشان در برخی رژیمهای عربی

۲. ملتها و جوانان

۳. احزاب و فعالان سیاسی اسلامی و غیر اسلامی

هر یک در چه موقعیتی و با چه اهدافی اند؟

۱. آمریکا، ناتو، رژیم صهیونیستی و متحدین و وابستگانشان در برخی رژیمهای عربی

گروه اول، بازندگان اصلی در مصر و تونس و سایر نهضتها بوده و خواهند بود. مشروعیت و اینک موجودیت قطب سرمایه داری و الگوی لیبرال دموکراسی غرب، حتی در خود اروپا و آمریکا نیز با خطر اضمحلال روبه رو شده و در شرائطی شبیه شرائط بلوک شرق کمونیستی در دهه ۸۰ میلادی قرار گرفته اند. فروپاشی اخلاقی و اجتماعی، بحرانهای بی سابقه ی اقتصادی، شکستهای بزرگ نظامی در عراق و افغانستان و لبنان و غزه، سقوط یا تزلزل اکثر دیکتاتورهای وابسته و دست نشانده ی آنان در کشورهای مسلمان و عربی و بویژه از دست دادن مصر، به خطر افتادن رژیم صهیونیستی از شمال و غرب و از درون به نحوی بی سابقه، افشاء شدن ماهیت وابسته ی سازمانهای بین المللی و

ص: ۱۳۹

برخوردهای گزینشی و سیاسی با مسئله‌ی دموکراسی و حقوق بشر، تناقض گوئی و پریشان گوئی در موضعگیری دوگانه در برابر مسائل لیبی، مصر، بحرین، یمن و ...

اینها دسته‌ی اول را در بحران اعتماد جهانی و بحران تصمیم‌گیری عمیقی فرو برده است و اینک بزرگترین هدفشان پس از ناتوانی از مهار و سرکوب ملت‌ها، تلاش در جهت تسلط بر اتاق فرمان انقلابها و نفوذ به درون احزاب مؤثر، حفظ حداکثری ساختارهای قبلی رژیمهای فاسد و اکتفاء به رفرمهای سطحی و نمایشی، بازسازی نیروهای بومی خود در کشورهای انقلاب کرده، تطمیع، تهدید و احتمالاً در آینده، ترور و یا تلاش برای خریدن برخی افراد و گروهها در جهت متوقف ساختن یا ارتجاع در انقلابها و سرد کردن، مأیوس کردن یا درگیر کردن مردم با مسائل فرعی و با یکدیگر، دامن زدن به تضادهای قومی و قبیله‌ای یا مذهبی و یا حزبی، جعل شعارهای انحرافی در جهت تغییر ماهیت جنبشها، کنترل مستقیم یا غیرمستقیم بر ذهن و زبان انقلابیون و کشاندن آنان به درون بازی‌های سیاسی و یا تفرقه اندازی میان آنان و از طریق آنان، میان گروههای مردمی، تلاش برای سازش پشت پرده با برخی خواص با وعده‌های دروغ همچون کمک مالی و ... و ده‌ها ترفند دیگر است که به نمونه‌هایی از آنها در کنگره‌ی

بین‌المللی بیداری اسلامی در تهران قبلاً اشاره کردم.

برخی رژیمهای وابسته و محافظه‌کار عرب نیز در کنار آمریکا و ناتو، برای حفظ خود هم که شده، با تمام قوا میکوشند عقربه‌های زمان را متوقف کرده و انقلابهای منطقه را به عقب برگردانده و یا به ناکجاآباد بکشانند و تنها سرمایه‌شان برای این اثرگذاری، دلارهای نفتی است و هدف اصلی ایشان، شکست مردم مصر، تونس، یمن، لیبی و بحرین و ... و حفظ ثبات و تضمین بقاء رژیم صهیونیستی و ضربه به جبهه‌ی مقاومت در منطقه است.

اما گروه دوّم و اصلی، ملت‌هایند. ملت‌ها چه می‌خواهند؟ نظرسنجی‌های مکرر آمریکائی‌ها در مصر و اکثر کشورهای اسلامی، واقعیت را به آنها گفته است. از ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۸ میزان گرایش به مسجد و شعائر اسلامی، از جمله حجاب و پوشش زنان، بین ۴۰٪ تا ۷۵٪ در ملت‌ها از مصر و اردن تا ترکیه و مالزی و... افزایش یافته و میزان نفرت از آمریکا با میانگین ۸۵٪ در کشورهای اسلامی و عربی بالا رفته و بویژه پس از دیدن پیروزی جوانان حزب الله و حماس در جنگ‌های ۳۳ روزه و ۲۲ روزه و شکست و خروج آمریکا بدون هیچ دستاوردی در عراق، امید به پیروزی و آینده، در جوانان عرب مضاعف شده است.

شخصیتهای محبوب میان جوانان مصر، مجاهدان ضد صهیونیستی مسلمان بوده اند. نفرت از صهیونیسم، توجه به قضیه ی فلسطین و عزّت طلبی اسلامی، از شاخصهای اصلی ملت‌هاست. در انتخابات اخیر ۷۵٪ مردم مصر به شعارهای اسلامی رأی دادند. در تونس نیز اکثریت، همین پرچم را بالا بردند. در لیبی، این درصد اگر بالا تر نباشد، پائین تر نیست. مردم از نمایندگانشان و از حکومت‌های جدید، برای آینده نیز همین‌ها را می‌خواهند. مردم مصر عزیز و محترم و آزاد را می‌خواهند؛ مصر کمپ دیوید را نمی‌خواهند، مصر فقیر و وابسته را نمی‌خواهند، مصر تحت فرمان آمریکا و متحد اسرائیل را نمی‌خواهند، مصر متحجر و افراطی و نیز مصر غربگرا و لائیک و وابسته را نمی‌خواهند. مصر آزاد، عزیز، اسلامی و مترقی، مطالبه ی اصلی مردم و جوانان است و به دنبال درگیری نیستند. بدنه ی ارتش مصر با مردم است و کسانی در داخل و خارج مصر می‌خواهند ارتش را در آینده با مردم درگیر کنند و همه باید مراقب باشند. بدنه ی ارتش مصر، نفوذ آمریکا و دوستان اسرائیل را بر نخواهد تابید.

همچنین وقتی از اسلامگرایی در مصر یا تونس و لیبی سخن میرود، اسلام رسول الله (صلی الله علیه و آله) است که در مدینه سایه ی رحمت و امنیت بر سر اهل ذمه از مسیحی و یهودی گسترده. سخن از اسلام، به معنی دعوت به

جنگ دینی میان خداپرستان و یا جنگ مذهبی و فرقه ای میان مسلمانان نیست. مصر، مصر مجمع تقریب مذاهب اسلامی و شیخ شلتوت است.

مردم مصر و تونس و لیبی بدانند که آنچه اینک دارند، هنوز یک انقلاب ناتمام است و گرچه گامهای بلندی برداشتند، ولی ماجرا تازه آغاز شده است. مسائلی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و برای ما پیش آوردند و هنوز ادامه دارد و به فضل الهی در همه ی آنها شکست خورده اند و خواهند خورد، صدها برابر مشکلاتی بود که انقلاب تا پیش از سرنگونی شاه داشت. باید هوشیار باشید و انقلاببایان را گام به گام تا آخرین مراحل و در یک برنامه ی میان مدت و بلندمدت پیش ببرید.

رژیم طاغوتیهای مصر، اولین حکومت عربی بود که به آرمان فلسطین خیانت کرد و راه سازش اعراب را گشود، تا آنجا که به جز یک رژیم عربی - که همان سوریه است - بقیه همگی فلسطین را فروختند و با صهیونیسم از در آشتی درآمدند. رژیم مصر، یکی از دو رژیم اصلی عربی مورد اعتماد آمریکا و اسرائیل بود و رئیس جمهور ریاکار کنونی آمریکا برای ارسال پیام فریب و نفاق به مسلمانان، سفر به مصر حسنی مبارک را برگزید؛ اما مردم مصر در انقلابشان نظر خود را گفتند و همه را از توهم بیرون آوردند.

امروز مصر باید دوباره در صف اول دفاع از آرمان فلسطین قرار گیرد و پیمان خیانت کمپ دیوید را زیر پا بگذارد و بسوزاند. مصر انقلابی، دیگر نمیتواند انرژی و گاز رژیم رو به زوال صهیونیستی را از جیب ملت فقیر و گرفتار خود بدهد.

۳. احزاب و نخبگان سیاسی

مخاطب سوم ما، احزاب و نخبگان سیاسی در مصر و سایر کشورهای به پا خاسته اند. متفکران و مبارزان اسلامی در شمال آفریقا، از مصر و تونس تا الجزائر و مغرب، و بویژه مصر، از پدران فکر بیداری اسلامی و داعیان به وحدت و عزت امت و سپس رهائی قدس بوده اند.

امروز شما وارثان خون هزاران شهید و ده ها هزار زندان کشیدگان و تبعیددیدگان و شکنجه شدگان و مجاهدان و مبارزانی هستید که ظرف دهه های متوالی برای چنین روزها و پیروزی هائی فداکاری کردند.

دو آفت پیروزی؛ غرور و ساده انگاری

برادران و خواهرانم! مراقب این امانت بزرگ باشید. غرور و نیز ساده انگاری، دو آفت بزرگ پس از نخستین پیروزی هاینده. شما مسئول ترین افراد در عرصه ی نظام سازی، حفظ دستاوردهای مردم و حل مشکلات جنبش هستید. قدرتهای ضربه خورده ی جهان و منطقه، بی شک در افکار شیطانی به سر میبرند؛ از فکر حذف و انتقام، تا طرح فریب دادن و متزلزل کردن و ترساندن و به طمع انداختن شما و سپس به نابود کردن انقلابها و پدید آوردن اوضاع - و العیاذ بالله - بدتر از گذشته می اندیشند. تصمیمات، مواضع و اقدامات شما، ابعاد تاریخی خواهد یافت و این دوره، «شب قدر» تاریخ کشورهای شماست.

ضرورت پرهیز از اعتماد کردن به آمریکا و ناتو

به آمریکا و ناتو اعتماد نکنید. آنان هرگز به مصالح شما و منافع ملت شما نمی اندیشند. همچنین از آنان نترسید. آنان پوشالی اند و سرعت ضعیف تر نیز شده اند. حاکمیت آنان بر جهان اسلام، صرفاً محصول ترس و جهل ما در ۱۵۰ سال گذشته بوده است. به آنان امید نبندید و از آنان حساب نبرید. تنها به خدای متعال اعتماد کنید و فقط مردم خود را باور کنید. آنان در عراق شکست خوردند و با دستهای خالی خارج شدند؛ در افغانستان چیزی به دست نیاورده اند؛ در لبنان از حزب الله، و در غزه از حماس شکست خوردند و اینک در مصر و تونس به دست مردم، به پائین کشیده شده اند. هیچ چیز طبق برنامه ی آنان پیش نرفته است، بت غرب نیز چون بت کمونیزم شکست و ترس ملتها ریخت. مراقب آینده باشید که شما را نترسانند.

مراقب بازی های آنها باشید. همچنین وارد بازی دلارهای نفتی وابستگان و متحدان غرب در میان اعراب نشوید، که در آینده از این بازی ها سالم بیرون نخواهید آمد. اسرائیل رفتنی است، نباید بماند و نخواهد ماند. شروع انحراف در نهضت های کنونی، تن دادن به بقاء رژیم صهیونیستی است و ادامه ی مذاکرات سازش و تسلیم که رژیم های ساقط شده آن را پایه گذاری کردند.

خواست ملت ها از نخبگان؛ بازگشت به اسلام حقیقی در برابر اسلام تکفیری و لائیک

خواست عمومی ملت هایتان بازگشت به اسلام است؛ که البته به مفهوم «بازگشت به گذشته» نیست. اگر انقلابها باذن الله واقعی بمانند و ادامه یابند و دچار توطئه یا استحاله نگردند، مسئله ی اصلی شما، چگونگی نظام سازی، قانون نویسی و مدیریت کشور و انقلابها خواهد بود؛ این همان مسئله ی مهم تمدن سازی اسلامی مجدد در عصر جدید است.

در این جهاد بزرگ، کار اصلی شما این خواهد بود که چگونه یک تاریخ عقب ماندگی و استبداد و بی دینی و فقر و وابستگی حاکم بر کشورهایتان را در کوتاه ترین زمانها ان شاء الله جبران کنید و چگونه با رویکرد اسلامی و به شیوه ای مردم سالارانه و رعایت عقلانیت و علم، جامعه سازی کنید و تهدیدهای داخلی و خارجی را یک به یک از سر بگذرانید؛ چگونه «آزادی و حقوق اجتماعی» منهای «لیبرالیسم»، و «برابری» منهای «مارکسیزم»، و «نظم» منهای «فاشیزم غرب» را نهادینه کنید؛ چگونه تقید خویش به شریعت مرفعی اسلام را حفظ کنید، بی آنکه گرفتار جمود و تحجر شوید؛ چگونه مستقل شوید، بی آنکه منزوی شوید؛ چگونه پیشرفت کنید، بی آنکه وابسته شوید؛ چگونه مدیریت علمی کنید، بی آنکه سکولاریزه و محافظه کار شوید.

تعریفها باید بازخوانی و اصلاح شوند. دو الگوی «اسلام تکفیری» و «اسلام لائیک» از سوی غرب به شما پیشنهاد شده و خواهد شد تا

الگوی «اسلام اصولگرای معتدل و عقلانی» در میان انقلابهای منطقه تقویت نشود. کلمات را دوباره و بدقت تعریف کنید.

دموکراسی مطلوب و نامطلوب

«دموکرات بودن» اگر به معنای مردمی بودن و انتخابات آزاد در چارچوب اصول انقلابهاست، همه دموکرات باشید؛ و اگر به معنای افتادن به دام لیبرال دموکراسی درجه ی دوّم و تقلیدی باشد، هیچ یک دموکرات نباشید.

سلفی گری صحیح

«سلفی گری» اگر به معنای اصولگرایی در کتاب و سنت و وفاداری به ارزشهای اصیل و مبارزه با خرافات و انحرافات و احیاء شریعت و نفی غربزدگی باشد، همگی سلفی باشید؛ و اگر به معنای تعصب و تحجر و خشونت میان ادیان یا مذاهب اسلامی ترجمه شود، با نوگرایی و سماحت و عقلانیت - که ارکان تفکر و تمدّن اسلامی اند - سازگار نخواهد بود و خود باعث ترویج سکولاریزم و بی دینی خواهد شد.

لزوم بدبینی به اسلام مطلوب غرب

به اسلام مطلوب واشنگتن و لندن و پاریس بدبین باشید؛ چه از نوع لائیک و غربگرا، و چه از نوع متحجر و خشن آن. به اسلامی که رژیم صهیونیستی را تحمل میکند، ولی با مذاهب اسلامی دیگر بیرحمانه مواجه میشود، دست آشتی به سوی آمریکا و ناتو دراز میکند، ولی در داخل به جنگهای قبیله ای و مذهبی دامن میزند و اشدّاء با مؤمنین و رحماء با کفار است، اعتماد نکنید. به اسلام آمریکائی و انگلیسی بدبین باشید، که شما را به دام سرمایه داری غرب و مصرف زدگی و انحطاط اخلاقی میکشانند. در دهه های گذشته، هم نخبگان و هم حاکمان، به وابستگی بیشتر خود به فرانسه و انگلیس و آمریکا و یا شوروی افتخار میکردند و از سمبلهای

اسلامی میگریختند؛ و امروز همه چیز برعکس شده است.

غرب در صدد انتقام از ملت‌های انقلابی

بدانید که غرب در صدد انتقام بر خواهد آمد؛ انتقام اقتصادی، نظامی، سیاسی و تبلیغاتی! اگر ملت‌های مصر و تونس و لیبی و ... ان شاء الله در مسیر خدا ادامه دهند، ممکن است به تحریمها تهدید شوند.

اعلام آمادگی نظام و ملت ایران برای همکاری با نهضت‌های اسلامی

و اما کلام آخر: اعلام آمادگی جمهوری اسلامی و ملت بزرگ ایران برای همکاری و خدمت به شماست، و خدمت ما و شما به همدیگر. انقلاب اسلامی ایران موفق‌ترین تجربه‌ی اسلامی عصر جدید بود در عرصه‌ی خودباوری ملت‌ها و مردم باوری نخبگان، در عرصه‌ی نفی اسطوره‌ی شکست‌ناپذیری رژیم‌های طاغوتی و اربابشان، در عرصه‌ی شکستن غرور کمونیزم و سرمایه‌داری، ارائه‌ی مدل‌های کارآمد در پیشرفتهای بزرگ کشور، با حفظ مردم‌سالاری و دفاع از ارزشهای اساسی.

حقیقت در مورد ایران

اشاره

برادران و خواهران! سالهاست که علیه برادران ایرانی تان به شما دروغ میگویند، و اینک حقیقت در مورد ایران اسلامی همین است که به شما عرض میکنم:

الف) ایستادگی بی سابقه در دفاع از اسلام و مسلمین

اشاره

انقلاب ما پیروزی‌ها و البته ضعف‌هایی در مجاهدات سه دهه‌ی خود داشته است؛ اما هیچ جنبش اسلامی در جهان پس از تسلط غرب و شرق بر مسلمین در قرن گذشته، تا این حد جلو نیامده بود و این همه موانع را از سر نگذرانده بوده است.

ان شاء الله گفتگوهای بسیاری میان ما و شما برادران در پیش است. در رسانه‌های سرمایه‌داری و صهیونیسم جهانی، ایران متهم به «تروریسم»

میشود؛ تنها بدان علت که حاضر نشد برادران عرب خود را در فلسطین و لبنان و عراق و ... تنها بگذارند و اشغالگران را به رسمیت بشناسد؛ حال آنکه ما خود بزرگترین قربانی تروریسم در جهان هستیم و این ترورها همچنان ادامه دارد.

اگر انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی، برادران مظلوم افغانی و بوسنیائی و لبنانی و عراقی و فلسطینی خود را همچون سایر حکومت‌های بظاهر مسلمان، تنها میگذاشت، و اگر همچون بیشتر رژیم‌های عربی که به فلسطین خیانت کردند، ما هم ساکت میماندیم و از پشت خنجر میزدیم، هرگز ما را پشتیبان تروریسم و مداخله‌گری معرفی نمیکردند. ما به آزادی قدس شریف و تمامی سرزمین فلسطین می‌اندیشیم؛ این است آن جرم بزرگ ملت ایران و جمهوری اسلامی.

تهدید امپریالیسم ایرانی و شیعی به انقلاب اسلامی

از امپریالیسم ایرانی یا شیعی میگویند؛ حال آنکه همه میدانند ما هرگز انقلاب اسلامی را، انقلابی صرفاً شیعی یا ملی گرا و ایرانی ندانسته و نخوانده ایم و در این سی سال هرچه هزینه داده و تهدید شده ایم، به علت اسلامگرایی و امت‌گرایی و شعار وحدت و تقریب مذاهب و آزادی و عزت برادران مسلمان از شرق آسیا تا عمق آفریقا و اروپا بوده است.

ایران اسلامی در عرصه‌ی علم، تکنولوژی، حقوق اجتماعی، عدالت اجتماعی، توسعه، بهداشت، تأمین کرامت زنان و حقوق اقلیتهای دینی و ... گام‌های بزرگ و بی‌نظیری برداشت. ما ضعف‌های خود را نیز میشناسیم و بعون الله درمان میکنیم ان شاءالله.

(ب) تغییر معادله‌ی مقاومت در منطقه

معادله‌ی مقاومت در منطقه با کمک جمهوری اسلامی تغییر یافت. تبدیل و ارتقاء سنگ در دست فلسطینیان به «موشک جواب موشک» در غزه و سایر مقاومت‌های اسلامی در برابر اشغالگران، الهام از انقلاب

هدف ایران؛ احیاء امت اسلامی و نه شیعی کردن مسلمانان

ایران به دنبال ایرانی کردن اعراب یا شیعی کردن سایر مسلمانان نیست؛ ایران به دنبال دفاع از قرآن و سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت (علیهم السلام) و احیاء امت اسلامی است. برای انقلاب اسلامی، کمک به مجاهدان اهل سنت سازمانهای حماس و جهاد و مجاهدان شیعی حزب الله و امل، به یک اندازه واجب شرعی است و احساس تکلیف میکند. ملت و حکومت ایران با صدای بلند و قاطع اعلام میکند که به قیام ملتها (و نه به ترور)، به وحدت اسلامی (نه غلبه و تضاد مذاهب)، به برادری مسلمانان (نه به برتری قومی و نژادی)، به جهاد اسلامی (نه خشونت علیه بی گناهان)، ان شاء الله معتقد و ملتزم است.

برای سعادت همه ی ملت‌های مسلمان دعا کنیم و در کنار آن، وظیفه ی سنگین خود را بشناسیم و به آن عمل کنیم و بدانیم که «و الله غالب علی امره».

عباد الله اتقوا الله و كونوا للظالم خصما و للمظلوم عوناً. اقول قولى هذا و استغفر الله لى و لكم.

بسم الله الرحمن الرحيم اذا جاء نصر الله و الفتح. و رأيت الناس يدخلون فى دين الله افواجا. فسبح بحمد ربك و استغفره انه كان تواباً. والسلام عليكم و رحمها الله و برکاته

۱. ابراهیم: ۲۴

۲. شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۳۱۹

۳. آل عمران: ۱۶۴

۴. یوسف: ۲۱

ص: ۱۴۸

گفتار نهم: بیانات در اجلاس بین المللی بیداری اسلامی

اشاره

۱۳۹۰/۰۶/۲۶

ص: ۱۴۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ وَصَحْبِهِ الْمُنْتَجِبِينَ.

قال الله العزيز الحكيم: بسم الله الرحمن الرحيم. «يا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تَطْعَمِ الْكَاْفِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا. وَاتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا. وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلًا».

تعریف بیداری اسلامی

به حصار گرامی و میهمانان عزیز خوشامد می‌گوییم. آنچه ما را در اینجا گرد آورده، بیداری اسلامی است؛ یعنی حالت برانگیختگی و آگاهی ای در امت اسلامی که اکنون به تحولی بزرگ در میان ملت‌های این منطقه انجامیده و قیامها و انقلاب‌هایی را پدید آورده که هرگز در محاسبه‌ی شیاطین مسلط منطقه‌ای و بین‌المللی نمی‌گنجد؛ خیزش‌های عظیمی که حصارهای استبداد و استکبار را ویران و قوای نگهبان آنها را مغلوب و مقهور ساخته است.

تکیه‌ی تحولات بزرگ اجتماعی بر پشتوانه‌های تاریخی، معرفتی و تجربه‌ای

شک نیست که تحولات بزرگ اجتماعی، همواره متکی به پشتوانه‌های تاریخی و تمدنی و محصول تراکم معرفتها و تجربه‌ها است. در صدوپنجاه سال اخیر حضور شخصیت‌های فکری و جهادی بزرگ جریان‌ساز اسلامی در مصر و عراق و ایران و هند و کشورهای دیگری از آسیا و آفریقا، پیش‌زمینه‌های وضع کنونی دنیای اسلامند.

ص: ۱۵۱

همچنانکه تحولات دهه های پنجاه و شصت میلادی در تعدادی از این کشورها که به رژیمهای غالباً متمایل به تفکرات و ایدئولوژیهای مادی منتهی شد و به اقتضای طبیعت خود پس از چندی در دام قدرتهای استکباری و استعماری غرب گرفتار آمد، تجربه های درس آموزی اند که سهم وافری در شکل دادن به اندیشه ی عمومی و عمیق کنونی دنیای اسلام دارند.

جایگاه انقلاب اسلامی ایران در تحولات منطقه

ماجرای انقلاب کبیر اسلامی در ایران که در آن به تعبیر امام خمینی عظیم، خون بر شمشیر پیروز شد و تشکیل نظام ماندگار و مقتدر و شجاع و پیش رونده ی جمهوری اسلامی و تأثیر آن در بیداری اسلامی امروز، نیز خود داستان مفصل و در خور بحث و تحقیقی است که یقیناً فصل مشبعی در تحلیل و تاریخ نگاری وضعیت کنونی دنیای اسلام را به خود اختصاص خواهد داد.

بیداری اسلامی؛ جریانی ریشه دار و نه موجی گذرا

حاصل آنکه حقایق رو به افزایش کنونی در دنیای اسلام، حوادث بریده از ریشه های تاریخی و زمینه های اجتماعی و فکری نیستند تا دشمنان یا سطحی نگران بتوانند آن را موجی گذرا و حادثه ای در سطح بینگارانند و با تحلیلهای انحرافی و غرض آلود، مشعل امید را در دل ملت‌ها خاموش سازند.

خلاصه ی مطالب

من در این گفتار برادرانه میخوام بر روی سه نقطه ی اساسی درنگ کنم:

۱. نگاهی اجمالی به هویت این قیامها و انقلابها.
۲. خطرات و آسیبهای بزرگی که بر سر راه آن قرار دارد.

ص: ۱۵۲

۳. پیشنهادهایی در علاج جوئی و پیشگیری از آسیها و خطرها.

قیامهای اسلامی اخیر؛ قیامهای مردمی

۱. در موضوع اول، به نظر من مهمترین عنصر در این انقلابها، حضور واقعی و عمومی مردم در میدان عمل و صحنه ی مبارزه و جهاد است، نه فقط با دل و خواست و ایمانشان، بلکه علاوه بر آن، با جسم و تنشان. فاصله ی عمیقی است میان چنین حضوری با قیامی که به وسیله ی یک جمع نظامی یا حتی یک گروه مبارز مسلح در برابر چشمان بی تفاوت مردم یا حتی مورد رضایت آنان انجام میگردد.

در حوادث دهه ی پنجاه و شصت در تعدادی از کشورهای آفریقا و آسیا، بار سنگین انقلاب را نه قشرهای گوناگون مردم و جوانان از همه جای کشورها، که دستجات کودتاگر یا هسته های کوچک و محدود مسلح بر دوش داشتند. آنها تصمیم گرفتند و عمل کردند و آنگاه که خودشان یا نسل پس از آنها بر اثر انگیزه ها و عوامل قابل شمارش، راه خود را عوض کردند، انقلابها به ضد خود تبدیل شد و دشمن بار دیگر بر آن کشورها تسلط یافت. این بکلی متفاوت است با تحولی که بر دوش توده ی مردم است و آنهایند که جسم و جان خود را به میدان می آورند و با مجاهدت و فداکاری، دشمن را از صحنه بیرون میرانند.

در اینجا این مردم اند که شعارها را میسازند، هدفها را معین میکنند، دشمن را شناسائی و معرفی و تعقیب میکنند، آینده ی مطلوب را، اگر چه به اجمال، ترسیم میکنند و در نتیجه اجازه ی انحراف و سازش با دشمن و تغییر مسیر را به خواص سازشکار و آلوده و به طریق اولی به عوامل نفوذی دشمن نمیدهند.

در حرکت مردمی ممکن است کار انقلاب با تأخیر انجام گیرد، ولی از سطحی گری و ناپایداری به دور است؛ کلمه ی طیبه ای است مصداق کلام خداوند که فرمود:

«ألم تر کیف ضرب الله مثلاً کلمه طیبه کشجره طیبه اصلها ثابت و فرعها

فی السّماء». من وقتی پیکر دلاور ملت پر افتخار مصر را از تلویزیون در میدان تحریر دیدم، یقین کردم که این انقلاب پیروز خواهد شد.

انتظار تحقق زودتر قیام از ملت مصر

حقیقتی را بگویم: پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل نظام اسلامی در ایران که زلزله‌ی عظیمی را در حکومت‌های دنیا طلبان شرق و غرب پدید آورد و ملت‌های مسلمان را در جوش و خروشی بی سابقه انداخت، ما غالباً انتظار داشتیم که مصر پیش از همه جا به پا خیزد. سابقه‌ی جهاد و روشنفکری و تربیت شخصیت‌های بزرگ مجاهد و متفکر در مصر، این توقع را در دل ما برمی‌انگیخت. اما از مصر صدای واضحی شنیده نمیشد. من در دل، خطاب به ملت مصر این شعر ابوفراس را زمزمه میکردم:

أرَاكَ عَصِيَّ الدَّمْعِ شَيْمُتَكَ الصَّبْرِ / أَمَا لِلْهَوَى نَهْيٌ عَلَيْكَ وَ لَا أَمْرٌ

وقتی ملت مصر را در میدان تحریر و میادین دیگر شهرهای مصر دیدم، پاسخ خود را شنیدم. ملت مصر با همان زبان دل به من میگفت:

بَلَى أَنَا مُشْتَاقٌ وَ عِنْدِي لَوْعَةٌ / وَلَكِنَّ مِثْلِي لَا يَنْدَاعُ لَهُ سِرٌّ

این سرّ مقدس؛ یعنی انگیزه و عزم قیام، بتدریج در ذهنیت ملت مصر قوام یافت و شکل گرفت و در لحظه‌ی مناسب تاریخی، عریان در صحنه‌ی پرشکوه به میدان آمد.

پیش بینی موفقیت همه‌ی نهضت‌های مردمی

تونس و یمن و لیبی و بحرین هم دقیقاً محکوم به همین حکمند؛ «و منهم من ينتظر و ما بدلوا تبديلاً».

در چنین انقلاب‌هایی، اصول و ارزش‌ها و هدف‌ها، نه در مانیفست‌های پیش ساخته‌ی گروه‌ها و حزب‌ها، بلکه در ذهن و دل و خواست آحاد مردم حاضر در صحنه، نگاشته و در قالب شعارها و رفتارهای آنان اعلام و تثبیت میشود.

اشاره

با این محاسبه بروشنی میتوان تشخیص داد که اصول انقلابهای کنونی منطقه، مصر و دیگر کشورها، در درجه ی اول اینها است:

۱. احیاء و تجدید عزت و کرامت ملی

احیاء و تجدید عزت و کرامت ملی که در طول زمان با دیکتاتوری حاکمان فاسد و با سلطه ی سیاسی آمریکا و غرب، در هم شکسته و پایمال شده است.

۲. برافراشتن پرچم اسلام

برافراشتن پرچم اسلام که عقیده ی عمیق و دل بستگی دیرین مردم است و برخورداری از امنیت روانی و عدالت و پیشرفت و شکوفائی ای که جز در سایه ی شریعت اسلامی به دست نخواهد آمد.

۳. ایستادگی در برابر نفوذ و سلطه ی آمریکا و اروپا

ایستادگی در برابر نفوذ و سلطه ی آمریکا و اروپا که در طول دو قرن بیشترین لطمه و خسارت و تحقیر را بر مردم این کشورها وارد آورده اند.

۴. مبارزه با رژیم غاصب و دولت جعلی صهیونیست

مبارزه با رژیم غاصب و دولت جعلی صهیونیست که استعمار چون خنجری در پهلوی کشورهای منطقه فرو برده و وسیله ای برای ادامه ی سلطه ی اهریمنی خود ساخته و ملّتی را از سرزمین تاریخی خود بیرون رانده است.

بی شک این حقیقت که انقلابهای منطقه متکی به این اصول و خواستار تحقّق آنها است، مورد پسند آمریکا و غرب و صهیونیسم نیست و آنها همه ی تلاش خود را به کار میبرند تا آن را انکار کنند، ولی

واقعیت با انکار آن دگرگون نمیشود.

مردمی بودن این انقلابها؛ مهمترین عنصر در تشکیل هویت آنها

مردمی بودن این انقلابها مهمترین عنصر در تشکیل هویت آنها است. قدرتهای خارجی که با آخرین توانائیها و شگردهای خود سعی میکردند حکام مستبد و فاسد و وابسته را در این کشورها حفظ کنند و تنها هنگامی از حمایت آنها دست برداشتند که قیام و عزم مردم، هیچگونه امیدی برای آنها باقی نگذاشت، حق ندارند خود را در پیروزی این انقلابها سهیم بدانند.

تأثیر مخرب دخالت غرب در لیبی

در جایی مانند لیبی هم، ورود و دخالت آمریکا و ناتو نمیتواند حقیقت را مشوب کند. در لیبی، ناتو ضایعه های بی جبران آفریده است. اگر دخالت نظامی ناتو و آمریکا نبود، ممکن بود مردم اندکی دیرتر پیروز شوند، ولی در عوض این همه زیرساخت نابود نمیشد؛ این همه نفوس بی گناه از زنان و کودکان کشته نمیشدند و آنگاه دشمنانی که خود سالها همراه و همدست قذافی بوده اند، مدعی حق دخالت در این کشور مظلوم و جنگ زده، نمیشدند.

مردم و نخبگان انقلابی صاحب انقلابها

مردم و نخبگان مردمی و کسانی که از مردم برآمده اند، خود صاحبان این انقلابها و متعهد به حراست از آن و ترسیم کننده ی مسیر آینده و رو به تکامل آن میباشند و خواهند بود ان شاءالله.

راه مصونیت در برابر خطرها

در موضوع آسیبها و خطرها. نخست باید تأکید کنم که خطر هست، ولی راه مصونیت از آن نیز هست. توجه به خطر نباید ملتها را بترساند.

بگذارید دشمنانتان از شما بترسند و بدانید که: «انّ کید الشّیطان کان ضعیفا». خداوند درباره ی گروهی از مجاهدان صدر اسلام میفرماید: «الذّین قال لهم النّاس انّ النّاس قد جمعوا لکم فاحشوهم فزادهم ایماناً و قالوا حسبنا الله و نعم الوکیل. فانقلبوا بنعمه من الله و فضل لم یمسسهم سوء و اتّبعوا رضوان الله و الله ذو فضل عظیم».

خطرها را باید شناخت تا در مواجهه با آن حیرت و تردید پیش نیاید و چاره و علاج، شناخته شده باشد.

ما با این خطرها پس از پیروزی انقلاب اسلامی روبه رو شدیم و آنها را شناختیم و تجربه کردیم و به خواست خدا و رهبری امام خمینی و بصیرت و فداکاری مردمان، از بیشتر آنها سلامت گذشتیم. البته توطئه ها از سوی دشمن و عزم راسخ از سوی ملت ما همچنان ادامه دارد.

دسته بندی آسیبهای نهضتها:

اشاره

من این آسیبها را به دو قسم میکنم: آنها که در درون خود ما ریشه دارد و از ضعفهای ما بر میخیزد، و آنها که دشمن به طور مستقیم آن را برنامه ریزی میکند.

آسیبهای درونی:

الف) سادهانگاری پس از پیروزی و غفلت از افراد فرصت طلب

دسته ی اوّل، چیزهایی از این قبیل است: احساس و گمان اینکه با سقوط حاکم وابسته و فاسد و دیکتاتور، کار تمام شد. راحتی خیال ناشی از احساس پیروزی و به دنبال آن کم شدن انگیزه ها و سست شدن عزمها، نخستین خطر است. و آنگاه این خطر مهیتر میشود که اشخاص در صدد تصاحب سهم ویژه در غنیمت به دست آمده باشند.

ماجرای جنگ اُحد و غنیمت جوئی مدافعان تنگه که به شکست

مسلمانان انجامید و مجاهدان از سوی خداوند متعال سرزنش شدند، یک نمونه ی نمادین است که هرگز نباید از یادها برد.

ب) مرعوب شدن از هیمنه ظاهری مستکبران

مرعوب شدن از هیمنه ظاهری مستکبران و احساس ترس از آمریکا و دیگر قدرتهای مداخله گر، آسیب دیگری از این دسته است که باید از آن پرهیز کرد. نخبگان شجاع و جوانها باید این ترس را از دلها بیرون کنند.

ج) اعتماد به دشمن و کوچک شمردن دشمن

اعتماد به دشمن و در دام لبخندها و وعده ها و حمایتهای آنها افتادن نیز آسیب بزرگ دیگری است که به طور ویژه باید پیشروان و نخبگان از آن بر حذر باشند. دشمن را با علامتاش در هر لباس باید شناخت و از کید او که در مواردی در پس ظاهر دوستی و کمک پنهان میشود، باید ملت و انقلاب را مصون ساخت. روی دیگر این صفحه، مغرور شدن و دشمن را غافل دانستن است؛ شجاعت را باید با تدبیر و حزم در هم آمیخت. در مقابل شیطان جن و انس، باید همه ی ذخائر الهی در وجود خود را به کار گرفت. ایجاد اختلاف و به جان هم انداختن انقلابیون و رخنه در پشت جبهه ی مبارزه، نیز آفتی بزرگ است که با همه ی توان باید از آن گریخت.

آسیبهای بیرونی:

الف) بر روی کار آوردن نیروهای غرب زده و وابسته

آسیبهای دسته ی دوّم را غالباً ملت‌های این منطقه در حوادث گوناگون آزموده اند. نخستین آسیب، بر روی کار آوردن عناصری است که خود را متعهد به آمریکا و غرب میدانند.

ص: ۱۵۸

غرب میکوشد پس از سقوط ناگزیر مهره های وابسته، اصل سیستم و اهرمهای اصلی قدرت را حفظ کند و سر دیگری را بر روی این بدن بگذارد و بدین وسیله سلطه ی خود را همچنان ادامه دهد. این به معنای هدر رفتن همه ی تلاشها و مجاهدتهاست.

ج) پیشنهاد مدلهای حکومتی و قانونی غربگرا و به حاشیه راندن جریات اصیل انقلاب

در این مرحله اگر با مقاومت و هشیاری مردم مواجه شوند، میکوشند تا بدیلهای انحرافی گوناگون در پیش پای نهضت و مردم بگذارند. این سناریو میتواند پیشنهاد مدلهای حکومتی و قانون اساسی هائی باشد که کشورهای اسلامی را بار دیگر در دام وابستگی فرهنگی و سیاسی و اقتصادی به غرب بیفکند، و میتواند نفوذ میان انقلابیون و تقویت مالی و رسانه ای یک جریان نامطمئن و به حاشیه راندن جریانهای اصیل در انقلاب باشد. این نیز به معنی بازگرداندن سلطه ی غرب و تثبیت مدلهای نوسازی شده ی غربی و بیگانه از اصول انقلاب و در نهایت، تسلط آن ها بر اوضاع است.

د) نومید کردن مردم با ایجاد هرج و مرج، تروریزم، حصر اقتصادی و هجوم رسانه ای

اگر این تاکتیک نیز به نتیجه نرسد، تجربه ها به ما میگوید که آنگاه روشهایی چون هرج و مرج و تروریزم و جنگ داخلی میان پیروان ادیان یا قومیتها یا قبائل و احزاب و یا حتی میان ملت‌ها و دولتهای همسایه، و همراه با آن، حصر اقتصادی و تحریم و بلوکه کردن سرمایه های ملی و نیز هجوم همه جانبه ی تبلیغاتی و رسانه ای را در پیش خواهند گرفت. مقصود آنان از این همه، خسته و نومید کردن مردم و مردد و پشیمان کردن مبارزان است، که میدانند در این صورت، شکست دادن انقلاب، ممکن و آسان خواهد شد.

ه) ترور و بدنام کردن نخبگان صالح و خریدن سستعنصران

ترور نخبگان صالح و مؤثر یا بدنام کردن برخی از آنان و از سوئی خریدن کسانی از سست عنصران، نیز در شمار روشهای متداول قدرتهای غربی و مدعیان تمدن و اخلاق است.

در ایران اسلامی، اسناد لائنه ی جاسوسی که به دست انقلاب افتاد، نشان داد که همه ی این توطئه ها، بدقت از سوی رژیم ایالات متحده ی آمریکا برای ملت ایران برنامه ریزی شده بود. برای آنان بازگرداندن ارتجاع و استبداد و حاکمیت وابسته در کشورهای انقلابی، اصلی است که همه ی این روشهای کثیف را تجویز میکند.

بیان تجربه هایی به ملتهای انقلابی

اشاره

۲. در آخرین بخش سخنانم، توصیه هائی را بر اساس تجربه ی عینی خودمان در ایران و آنچه از مطالعه ی دقیق دیگر کشورها به دست آمده است، در معرض دید و تشخیص و انتخاب شما میگذارم. شک نیست که شرایط ملتها و کشورها در همه چیز یکسان نیست، ولی بیناتی وجود دارد که میتواند برای همه مفید باشد.

الف) برداشتن موانع با توکل و خرد و عزم و شجاعت

اولین سخن آن است که با توکل به خداوند و اعتماد و حسن ظن به وعده های مؤکد نصرت الهی در قرآن و به کارگیری خرد و عزم و شجاعت، میتوان بر همه ی این موانع فائق آمد و پیروزمندانه از آنها عبور کرد. البته کاری که شما بدان همت گماشته اید، بسی بزرگ و سرنوشت ساز است. پس باید زحمات بزرگ را هم به خاطر آن تحمل کرد. امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در خطبه ای فرموده است. فَإِنَّ اللَّهَ لَمْ يَقْصَمْ جَبَّارِي دَهْرَ قَطِّ الْأَبْعَدِ تَمْهِيلِ وَ رِخَاءِ وَ لَمْ يَجْبِرْ عَظْمَ أَحَدٍ مِنَ الْأُمَّمِ إِلَّا بَعْدَ أَرْزُلٍ وَ بَلَاءٍ وَ فِي دُونَ مَا اسْتَقْبَلْتُمْ مِنْ عَتَبٍ وَ مَا اسْتَدْبَرْتُمْ مِنْ خُطْبٍ مَعْتَبِرٍ.

توصیه ی مهم آن است که خود را همواره در میدان بدانید: «فاذا

فرغت فانصب». همیشه خداوند را حاضر و کمک کار خود بدانید: «و الی ربّک فارغب». و پیروزیها ما را دچار غرور و غفلت نکند: «اذا جاء نصرالله و الفتح و رأیت الناس یدخلون فی دین الله افواجا فسبح بحمد ربّک و استغفره انه کان توابا». اینها پشتوانه های حقیقی یک ملت مؤمن است.

(ب) بازخوانی دائمی اصول انقلاب

توصیه ی دیگر، بازخوانی دائمی اصول انقلاب است. شعارها و اصول باید تنقیح و با مبانی و محکّمات اسلام تطبیق داده شوند. استقلال، آزادی، عدالتخواهی، تسلیم نشدن در برابر استبداد و استعمار، نفی تبعیضهای قومی و نژادی و مذهبی، نفی صریح صهیونیزم؛ اینها ارکان نهضت‌های امروز کشورهای اسلامی است و همه برگرفته از اسلام و قرآن است.

اصولتان را روی کاغذ بنویسید؛ اصالت‌های خود را با حساسیت بالا حفظ کنید؛ نگذارید اصول نظام آینده ی شما را دشمنان شما بنویسند؛ نگذارید اصول اسلامی در پای منافع زودگذر قربانی شود. انحراف در انقلابها، از انحراف در شعارها و هدفها آغاز میشود. هرگز به آمریکا و ناتو و به رژیمهای جنایتکاری چون انگلیس و فرانسه و ایتالیا که زمانی دراز سرزمین شما را میان خود تقسیم و غارت کردند، اعتماد نکنید؛ به آنها سوء ظن داشته باشید و لبخند آنها را باور نکنید؛ پشت این لبخندها و وعده‌ها، توطئه و خیانت نهفته است. راه حل خود را خود با بهره گیری از سرچشمه ی فیاض اسلام به دست آورید و نسخه های بیگانه را به خودشان پس دهید.

(ج) پرهیز از اختلافات مذهبی و قومی

توصیه ی مهمّ دیگر پرهیز از اختلافات مذهبی، قومی، نژادی، قبیله ای و مرزی است. تفاوتها را به رسمیت بشناسید و آن را مدیریت کنید. تفاهم میان مذاهب اسلامی کلید نجات است. آنها که آتش تفرقه ی

مذهبی را با تکفیر این و آن دامن میزنند، اگر خودشان هم ندانند، مزدور و عمله ی شیطانند.

(د) نظام سازی بر اساس مبانی اسلام با هدف ایجاد تمدن اسلامی و آزادی فلسطین

نظام سازی کار بزرگ و اصلی شماست. این کاری پیچیده و دشوار است. نگذارید الگوهای لائیک یا لیبرالیسم غربی، یا ناسیونالیسم افراطی، یا گرایشهای چپ مارکسیستی، خود را بر شما تحمیل کند.

اردوگاه شرق چپ فرو ریخت و بلوک غرب فقط با خشونت و جنگ و خدعه بر سر پا مانده و عاقبت خیری برای آن متصور نیست. گذشت زمان به زیان آنها و به سود جریان اسلام است. هدف نهائی را باید امت واحده ی اسلامی و ایجاد تمدن اسلامی جدید بر پایه ی دین و عقلانیت و علم و اخلاق، قرار داد.

آزادی فلسطین از چنگال درنده ی صهیونیستها نیز هدفی بزرگ است. کشورهای بالکان و قفقاز و آسیای غربی پس از هشتاد سال از چنگال شوروی سابق نجات یافتند؛ چرا فلسطین مظلوم نتواند پس از هفتاد سال از اسارت صهیونیستهای ظالم نجات یابد؟

(ه) اعتماد به نسل جوان و استفاده از تجربه ی پیران

نسل امروز کشورهای اسلامی این ظرفیت را دارد که به چنین کارهای بزرگی پردازد. نسل جوان امروز مایه ی افتخار نسلهای پیشین خویش است. به قول شاعر عرب:

قالوا: ابوالصَّخْرِ مِنْ شَيْبَانٍ قُلْتُ لَهُمْ/كَلَّا لَعَمْرِي وَلَكِنْ مِنْهُ شَيْبَانٌ

وَ كَمْ أَبٍ قَدْ عَلَا بِأَبْنِ ذُرِّي شَرَفٍ/كَمَا عَلَا بِرَسُولِ اللَّهِ عَدْنَانٌ

به نسل جوان خود اعتماد کنید، روح اعتماد به نفس را در آنان زنده کنید، و از تجربه های مجربان و پیران، آنها را بهره مند سازید.

دو نکته ی مهم

دو نکته ی مهم در اینجا وجود دارد:

لزوم تشکیل نظام مردمسالار دینی

اول آنکه ملتهای انقلاب کرده و آزاد شده، یکی از مهمترین خواسته هایشان حضور و نقش قاطع مردم و آرائشان در مدیریت کشور است، و چون مؤمن به اسلامند، پس مطلوب آنان «نظام مردمسالاری اسلامی» است؛ یعنی حاکمان با رأی مردم برگزیده میشوند و ارزشها و اصول حاکم بر جامعه، اصول مبتنی بر معرفت و شریعت اسلامی است. این خود میتواند در کشورهای گوناگون به اقتضای شرائط، با شیوه ها و شکلهای گوناگون تحقق یابد، ولی با حساسیت کامل باید مراقب بود که این با دموکراسی لیبرال غربی اشتباه نشود. دموکراسی لائیک و در مواردی ضد مذهب غربی با مردمسالاری اسلامی که متعهد به ارزشها و خطوط اصلی اسلامی در نظام کشور است، هیچ نسبتی ندارد.

ب) لزوم تمیز اسلامگرایی با تحجر و تعصبهای جاهلانه

نکته ی دوم آن است که اسلامگرایی نباید با تحجر و قشری گری و تعصبهای جاهلانه و افراطی مشتبه گردد. مرز میان این دو نیز باید پررنگ باشد. افراطهای مذهبی که غالباً با خشونت کور همراه است، عامل عقب ماندگی و دور شدن از هدفهای والای انقلاب است، و این به نوبه ی خود مایه ی جدا شدن مردم و در نتیجه شکست انقلاب خواهد بود.

جلو بردن بیداری اسلامی با تقوا، سرپیچی از فرمان کافران و منافقان پیروی از وحی و توکل بر خدا

خلاصه کنم:

سخن از بیداری اسلامی، سخن از یک مفهوم نامشخص و مبهم و قابل تأویل و تفسیر نیست؛ سخن از یک واقعیت خارجی مشهود و

ص: ۱۶۳

محسوس است که فضا را انباشته و قیامها و انقلابهای بزرگی را پدید آورده و مهره های خطرناکی از جبهه ی دشمن را ساقط کرده و از صحنه بیرون رانده است. با این حال، صحنه همچنان سیال و نیازمند شکل دادن و به سرانجام رساندن است. آیاتی که در طلوعه ی سخن تلاوت شد، دستورالعمل کامل و کارسازی است؛ برای همیشه و بویژه در این برهه ی حساس و سرنوشت ساز. خطاب به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) است، ولی در واقع ما همگی بدان مخاطب و مکلفیم. در این آیات، تقوا با همان معنی بلند و گسترده اش، اولین توصیه است، و سپس سرپیچیدن از فرمانبری کافران و منافقان، و پیروی از وحی الهی، و سرانجام توکل و اعتماد به خداوند.

بار دیگر این آیات را مرور کنیم: بسم الله الرحمن الرحيم. «يا أيها النبي اتق الله ولا تطع الكافرين والمنافقين ان الله كان عليماً حكيماً. واتبع ما يوحى اليك من ربك ان الله كان بما تعملون خبيراً. و توكل على الله و كفى بالله وكيلاً».

والسلام عليكم ورحمه الله

۱. احزاب: ۳ - ۱

۲. ابراهیم: ۲۴

۳. احزاب: ۲۳

۴. نساء: ۷۶

۵. آل عمران: ۱۷۴ - ۱۷۳

۶. نهج البلاغه: خطبه ی ۸۸

۷. شرح: ۷

۸. شرح: ۸

۹. نصر: ۳ - ۱

ص: ۱۶۴

گفتار دهم: بیانات در دیدار شرکت کنندگان در اجلاس جهانی «جوانان و بیداری اسلامی»

اشاره

۱۳۹۰/۱۱/۱۰

ص: ۱۶۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيد المرسلين و سيد الخلق اجمعين سيدنا و نبينا ابى القاسم المصطفى محمد و على آله الطيبين و صحبه المنتجبين و من تبعهم باحسان الى يوم الدين.

جوانان انقلابی؛ حاملان بشارتهای بزرگ برای آینده

خوشامد عرض میکنم به همه ی شما میهمانان عزیز، جوانان عزیز، حاملان بشارتهای بزرگ برای آینده ی امت اسلامی. هر کدام از شما، حامل یک بشارت بزرگ هستید. وقتی جوان در یک کشوری بیدار شد، امید به بیداری های عمومی در آن کشور افزایش پیدا میکند. امروز جوانهای ما در سرتاسر جهان اسلام بیدار شده اند. این همه دام مقابل پای جوانها قرار داده شده، اما جوان مسلمان و غیور و بلندهمت، از این گرفتاری ها خودش را نجات داده. شما می بینید در تونس، در مصر، در لیبی، در یمن، در بحرین چه اتفاق افتاد؛ در بقیه ی کشورهای اسلامی چه حرکتی به وجود آمده. اینها همه بشارت است.

بشریت بر سر پیچ بزرگ تاریخی تحول از سیطره ی دیکتاتوری جهانی به آزادی ملتها و حاکمیت ارزشهای الهی

آنچه که من به شما جوانان عزیز و فرزندان خودم عرض میکنم، این است که بدانید امروز تاریخ جهان، تاریخ بشریت، بر سر یک پیچ بزرگ تاریخی است. دوران جدیدی در همه ی عالم دارد آغاز میشود. نشانه ی بزرگ و واضح این دوران عبارت است از توجه به خدای متعال و استمداد از قدرت لایزال الهی و تکیه ی به وحی. بشریت از مکاتب و ایدئولوژی های مادی عبور کرده است. امروز نه مارکسیسم جاذبه دارد،

ص: ۱۶۷

نه لیبرال دموکراسی غرب جاذبه دارد - می بینید در مهد لیبرال دموکراسی غرب، در آمریکا، در اروپا چه خیر است؛ اعتراف میکنند به شکست - نه ناسیونالیستهای سکولار جاذبه ای دارند. امروز در میان امت اسلامی، بیشترین جاذبه متعلق است به اسلام، به قرآن، به مکتب وحی؛ که خدای متعال وعده داده است که مکتب الهی و وحی الهی و اسلام عزیز میتواند بشر را سعادت مند کند. این یک پدیده ی بسیار مبارک و بسیار مهم و پرمعنائی است.

قیام بر ضد دیکتاتورهای وابسته؛ مقدمه ی قیام علیه دیکتاتوری جهانی

امروز در کشورهای اسلامی علیه دیکتاتوری های وابسته قیام شده است؛ این مقدمه ای است برای قیام علیه دیکتاتوری جهانی و دیکتاتوری بین المللی، که عبارت است از دیکتاتوری شبکه ی فاسد و خبیث صهیونیستی و قدرتهای استکباری. امروز استبداد بین المللی و دیکتاتوری بین المللی متجسم است در دیکتاتوری آمریکا و پیروان آمریکا و شبکه ی شیطان و خطرناک صهیونیستی. امروز اینها با روشهای مختلف و با ابزارهای گوناگون در همه ی دنیا دارند دیکتاتوری میکنند. آنچه شما در مصر انجام دادید، در تونس انجام دادید، در لیبی انجام دادید، در یمن دارید انجام میدهید، در بحرین دارید انجام میدهید، در کشورهای دیگر انگیزه ی آن بشدت به وجود آمده است، جزئی از مبارزه ی با این دیکتاتوری خطرناک و مضر است که دو قرن است دارد بشریت را فشار میدهد. این پیچ تاریخی ای که گفتم، عبارت است از تحول از سیطره ی چنین دیکتاتوری ای به آزادی ملتها و حاکمیت ارزشهای معنوی و الهی؛ این پیش خواهد آمد؛ استبعاد نکنید.

عدم استبعاد شکست دیکتاتوری جهانی

این وعده ی الهی است که: «و لینصرن الله من ینصره». خدای متعال تأکید

میکنند که اگر او را نصرت کردید، شما را نصرت خواهد کرد. ممکن است در نگاه عادی و مبتنی بر محاسبات مادی، بعید به نظر بیاید؛ اما خیلی از چیزها بعید به نظر می‌آید و اتفاق افتاد. شما در یک سال و دو سه ماه قبل از این آیا فکر میکردید که طاغوت مصر اینجور ذلیل شود و از بین برود؟ اگر آن روز به کسانی گفته میشد که رژیم وابسته ی فاسد مبارک ساقط خواهد شد، بسیاری استبعاد میکردند؛ اما اتفاق افتاد. اگر کسی دو سال قبل از این ادعا میکرد که در شمال آفریقا این حوادث عجیب به وقوع خواهد پیوست، اکثر باور نمیکردند. اگر کسی میگفت که در کشوری مثل لبنان، یک گروه جوان مؤمن خواهند توانست رژیم صهیونیستی و ارتش مجهز صهیونیستی را شکست بدهند، کسی باور نمیکرد؛ اما اینها اتفاق افتاد. اگر کسی میگفت که نظام جمهوری اسلامی با این همه دشمنی که از شرق و غرب علیه او اعمال میشد، خواهد توانست سی و دو سال مقاومت کند و روزبه روز قوی تر شود و جلوتر برود، کسی باور نمیکرد؛ اما اتفاق افتاد. «وعدکم الله مغنم کثیره تأخذونها فعجل لکم هذه و کفّ ایدی الناس عنکم و لتکون ءایه للمؤمنین و یهدیکم صراطا مستقیما». این پیروزی ها آیت الهی است؛ اینها نشانه هائی از قدرت فائقه ی حق است که خدای متعال دارد به ما نشان میدهد. آن وقتی که مردم به میدان بیایند، آن وقتی که ما موجودی خودمان را وارد میدان کنیم، نصرت

الهی قطعی است. خدای متعال راه را هم به ما نشان میدهد؛ «والذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبیلنا». خدا، هم هدایت میکند، هم کمک میکند، هم به اهداف عالی میرساند؛ شرطش این است که ما در میدان باشیم.

آنچه تا امروز پیش آمده است، بسیار بزرگ است. دویست سال غربی ها با کمک پیشرفتهای علمی خودشان بر امت اسلامی حکمرانی کردند؛ کشورهای اسلامی را تصرف کردند؛ بعضی را مستقیماً، بعضی را غیرمستقیم به کمک دیکتاتورهای محلی. انگلیس، فرانسه و در منتهای کار، آمریکا - که شیطان

بزرگ است - بر امت اسلامی تسلط پیدا کردند.

هرچه توانستند، اَمّت اسلامی را تحقیر کردند؛ غده ی سرطانی صهیونیسم را در قلب خاورمیانه - این منطقه ی حساس - کاشتند و او را از همه جهت تقویت کردند و مطمئن بودند که مقاصد و سیاستهایشان در این منطقه ی بسیار مهمّ عالم تأمین شده است. اما همت ایمانی، همت اسلامی، حضور مردمی، همه ی این خوابهای باطل را از بین برد؛ همه ی این اهداف را متوقف کرد.

احساس ناتوانی استکبار جهانی در برابر بیداری اسلامی

امروز استکبار

جهانی در مقابل بیداری اسلامی احساس ناتوانی میکند. شما غالیید، شما پیروزید، آینده مال شماست. کاری که انجام گرفته است، کار بسیار بزرگی است؛ اما این پایان کار نیست - مهمّ این است - این شروع است، این آغاز است. ملتّهای مسلمان باید مجاهدت را ادامه بدهند تا بتوانند دشمن را از میدانهای گوناگون ازاله کنند.

مبارزه ی با استکبار؛ مبارزه ی همتها و ارادهها

مبارزه، مبارزه ی همتها و عزمها و اراده هاست. هر طرف اراده ی قوی تری داشته باشد، او غالب است. آن کسی که دلش متکی به خدای متعال است، او غالب است. «ان ینصرکم الله فلا غالب لکم»؛ اگر نصرت خدائی را به دست بیاورید، هیچ کس بر شما غلبه نخواهد کرد؛ شما پیش خواهید رفت. ما میخواهیم ملتّهای مسلمان که تشکیل دهنده ی اَمّت بزرگ اسلامی اند، آزاد باشند، مستقل باشند، عزیز باشند، تحقیر نشوند؛ با احکام مترقی و متعالی اسلام، زندگی خودشان را سامان بدهند؛ و اسلام میتواند. در طول سالیان دراز، ما را از لحاظ علمی عقب نگه داشتند؛ فرهنگ ما را پامال کردند، استقلال ما را از بین بردند. امروز ما بیدار شده ایم. ما میدانهای علم را هم یکی پس از دیگری تصرف خواهیم کرد.

ص: ۱۷۰

وقتی جمهوری اسلامی در سی سال قبل تشکیل شد، دشمنان میگفتند انقلاب

اسلامی به پیروزی رسید، اما قادر نیست میدانهای زندگی را یکی پس از دیگری مدیریت کند، و عقب خواهد نشست. امروز جوانان ما به برکت اسلام توانسته اند کارهای بزرگی را در عرصه ی علم انجام بدهند که در گذشته هرگز به فکر خود آنها هم نمیرسید. امروز به برکت توکل به خدای متعال، جوان ایرانی کارهای بزرگ علمی را انجام میدهد: اورانیوم را غنی سازی میکند، سلولهای بنیادی را تولید میکند و پرورش میدهد، در زیست فناوری قدمهای بلند برمیدارد، به فضا دست می اندازد؛ همه به برکت توکل به خدای متعال و با شعار «الله اکبر».

آفت تهاجم فرهنگی؛ دو تصور غلط و انحرافی

ما توانائی های خودمان را دست کم نگیریم. از بزرگترین آفت‌هایی که فرهنگ غربی بر کشورهای اسلامی وارد کرد، دو تصور غلط و انحرافی بود: یکی تلقین و تزریق ناتوانی ملت‌های مسلمان؛ باوراندند که از شما کاری بر نمی آید؛ نه در میدان سیاست، نه در میدان اقتصاد، نه در میدان علم؛ گفتند شما ضعیف هستید. ما کشورهای اسلامی ده ها سال طولانی در این باور غلط باقی ماندیم و عقب ماندیم. تلقین دوّم و باور دوّمی که به ما تزریق کردند، بی نهایت بودن و غیر قابل شکست بودن قدرت دشمنان ماست. اینجور تفهیم کردند که آمریکا را که نمیشود شکست داد، غرب را که نمیشود به عقب نشینی وادار کرد؛ مجبوریم در مقابل اینها تحمل کنیم.

امروز برای ملت‌های مسلمان عینی شده است که این هر دو باور، غلط اندر غلط است. ملت‌های مسلمان میتوانند پیش بروند؛ میتوانند مجد و عظمت اسلامی را که یک روز در اوج افتخار و در قله ی درخشندگی علمی و سیاسی و اجتماعی قرار داشتند، تجدید کنند و دشمن مجبور است در میدانهای متعددی عقب نشینی کند.

این قرن؛ قرن اسلام و معنویت

این قرن، قرن اسلام است. این قرن، قرن معنویت است. اسلام عقلانیت را و معنویت را و عدالت را با یکدیگر به ملت‌ها هدیه می‌دهد؛ اسلام عقلانیت، اسلام تدبیر و تفکر، اسلام معنویت، اسلام توجه و توکل به خدای متعال، اسلام جهاد، اسلام کار، اسلام اقدام؛ اینها تعالیم خدای متعال و تعالیم اسلامی است به ما.

توطئه‌ی دشمن در مقابل ضربه‌ی بیداری اسلامی

آنچه امروز مهم است، این است که دشمن در مقابل ضربه‌ی که در مصر و تونس و لیبی و بقیه‌ی کشورهای منطقه کم و بیش بر او وارد آمده است، مشغول طراحی و توطئه‌چینی است. باید متوجه توطئه‌های دشمن بود. باید مراقب بود انقلاب‌های مردم را از آنها نربایند، راه‌ها را منحرف نکنند. از تجربه‌های دیگران استفاده کنید. دشمن کارهای زیادی می‌کند برای اینکه انقلابها را منحرف کند، برای اینکه حرکتها را خنثی کند، برای اینکه مجاهدتها و خونهای ریخته شده را ناکام کند؛ باید مراقب بود، باید هوشیار بود. شما جوانها موتور این حرکتها هستید؛ هوشیار باشید، متوجه باشید.

وعده‌ی نصرت الهی برای ملت‌های مقاوم

ما در این سی و دو سال تجربیات زیادی داریم. سی و دو سال است که ما با دشمنی‌ها معارضا کرده ایم، ایستادگی

کرده ایم و بر دشمنی‌ها فائق آمده ایم. ... هیچ توطئه‌ای نبوده است که غرب و آمریکا بتوانند علیه جمهوری اسلامی انجام بدهند و انجام نداده باشند. هر کاری نکردند، چون نمیتوانستند. هر کاری توانستند، کردند و در همه‌ی مراحل توی دهنشان خورده است و شکست خورده اند. ... بعد از این هم همین جور خواهد بود. بعد از این هم در همه‌ی توطئه‌ها علیه جمهوری اسلامی شکست خواهند خورد؛ این وعده‌ی الهی است به ما، و ما شک نداریم.

الهی تردید نمیکنیم. ما به خدای متعال سوءظن نداریم. خدای متعال ملامت میکند کسانی را که به او سوءظن دارند؛ «و یعدّب المنافقین و المنافقات و المشرکین و المشرکات الظّائین بالله ظنّ السوء علیهم دائره السوء و غضب الله علیهم و لعنهم و اعدّ لهم جهنّم و سائت مصیرا». وعده ی خدای متعال، وعده ی صادق است. ما چون وارد میدانیم، داخل عرصه ی مبارزه هستیم - ملت ایران همه ی امکانات خود را وارد عرصه کرده است - بنابراین نصرت الهی قطعی است. در همه ی کشورهای دیگر هم همین جور است. منتها باید هوشیار باشیم. همه ی ما باید هوشیار باشیم. همه ی ما بایستی متوجه مکائد دشمنان باشیم. دشمن سعی میکند حرکتها را خنثی کند، اختلاف ایجاد کند.

نهضت اسلامی فراتر از مذاهب و قومیتها با اهداف مشترک

امروز نهضت اسلامی در دنیای اسلام شیعه و سنی نمیشناسد؛ شافعی و حنفی و جعفری و مالکی و حنبلی و زیدی نمیشناسد؛ عرب و فارس و بقیه ی قومیتها را نمیشناسد؛ در این میدان عظیم، همه هستند. سعی کنیم دشمن بین ما تفرقه نیندازد. همه با هم احساس برادری کنیم، هدف را مشخص کنیم. هدف، اسلام است؛ هدف، حکومت قرآنی و اسلامی است. البته بین کشورهای اسلامی مشترکاتی وجود دارد، تمایزهایی هم وجود دارد. هیچ الگوی واحدی برای همه ی کشورهای اسلامی وجود ندارد. در کشورهای مختلف، شرائط جغرافیائی، شرائط تاریخی، شرائط اجتماعی مختلف است؛ اما اصول مشترکی وجود دارد: همه با استکبار دشمنیم، همه با تسلط و سیطره ی خباثت آمیز غرب مخالفیم، همه با وجود غده ی سرطانی اسرائیل مخالفیم. ...

حرکت در مسیر منافع اسرائیل و امریکا؛ ملاک نادرستی حرکت

هر جایی که احساس بشود کاری دارد انجام میگیرد که به نفع

اسرائیل است، به نفع آمریکاست، آنجا باید هوشیار باشیم؛ بدانیم این حرکت، حرکت بیگانه است؛ حرکت غریبه است؛ حرکت خودی نیست. آنجائی که حرکت، یک حرکت اسلامی و ضد صهیونیستی و ضد استکباری و ضد استبدادی و ضد فساد است، آنجا حرکت، حرکت درستی است؛ آنجا همه با هم خودی هستیم؛ دیگر شیعه هستیم، سنی هستیم، از این کشوریم، از آن کشوریم، تفاوت نمیکند. باید همه یک جور فکر کنیم.

تلاش دشمن بر منزوی کردن مردم بحرین

ببینید امروز - این یک مثالِ پیش پا افتاده و جلوی چشم است - تمام دستگاه های رسانه ای دنیا سعیشان بر این است که مردم بحرین و حرکت بحرین را در انزوا قرار بدهند. داعی بر این کار چیست؟ چون مسئله، مسئله ی شیعه و سنی است. میخواهند اختلاف ایجاد کنند، میخواهد تمایز و خطکشی به وجود بیاورند. بین آن مسلمانان و مؤمنینی که به این مذهب یا آن مذهب اسلامی گرایش دارند، تفاوتی وجود ندارد. وجه مشترک همه، اسلام است. وجه مشترک همه، امت اسلامی است؛ وحدت امت اسلامی است. ... رمز پیروزی و تداوم حرکت، توکل به خدا، حسن ظن به خدا، اعتماد به خدای متعال و حفظ وحدت و پیوستگی است.

استقامت؛ رمز پیروزی

عزیزان من! فرزندان من! مواظب باشید دشمن حرکت شما را متوقف نکند. خدای متعال در دو جای قرآن به پیغمبرش میفرماید: «فاستقم كما امرت»، «و استقم كما امرت»؛ استقامت کن. استقامت یعنی ایستادگی کردن، ادامه دادن، راه را دنبال کردن، متوقف نشدن؛ این رمز کار است.

آفاق روشن آینده‌ی حرکت

باید پیش برویم. این حرکت، حرکت موفقی است؛ چون آفاق روشنی دارد. افق، روشن است. آینده، آینده‌ی بسیار روشنی است. آن روزی خواهد رسید که امت

اسلامی به حول و قوه‌ی الهی در اوج اقتدار و استقلال قرار بگیرد ... ملت‌های مسلمان با حفظ خصوصیات خود، تمایزهای خود، در زیر چتر واحد دعوت الی الله و الی الاسلام قرار بگیرند؛ همه با هم باشند. آن وقت است که امت اسلامی عزت خود را پیدا خواهد کرد.

ما در کشورهای خودمان منابع زیرزمینی داریم، مناطق راهبردی و استراتژیک داریم، امکانات طبیعی فراوان داریم، انسان‌های برجسته داریم، نیروهای انسانی پیشرفته و با استعداد داریم؛ بایستی همت کنیم. خدای متعال هم ان شاء الله به این همت برکت خواهد داد.

من به شما جوانها بگویم، آینده مال شماست. شما جوانها به حول و قوه‌ی الهی و باذن الله آن روز را خواهید دید و ان شاء الله افتخارات خودتان را به نسل‌های بعد از خودتان تحویل خواهید داد.

والسلام علیکم ورحمہ اللہ وبرکاتہ

۱. حج: ۴۰

۲. فتح: ۲۰

۳. عنکبوت: ۶۹

۴. آل عمران: ۱۶۰

۵. ندای تکبیر

۶. ندای تکبیر و شعار «لیبک یا خامنه‌ای»

۷. شعار «الموت لأمریکا»

۸. فتح: ۶

۹. شعار «الموت لاسرائیل»

۱۰. ندای تکبیر و شعار «وحده وحده اسلامیه»

١١. هود: ١١٢

١٢. شوری: ١٥

١٣. شعار «هیهات منّا الذّله»

ص: ١٧٦

گفتار یازدهم: بیانات در کنفرانس حمایت از انتفاضه فلسطین

اشاره

۹/۰۷/۱۳۹۰

ص: ۱۷۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَي سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

وَصَحْبِهِ الْمُنْتَجِبِينَ وَعَلَى مَنْ تَبِعَهُمْ بِإِحْسَانٍ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ.

قال الله الحكيم: «اذن للذين يقاتلون بأنهم ظلموا وإن الله على نصرهم لقدير. الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ أَلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبَّنَا اللَّهُ وَ لَوْلَا دَفَعَهُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهَدَمَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَالْجِبَالُ وَبُيْعُتُ بِالْبُيُوعِ وَصَلَوَاتُ وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيُنصَرَنَّ اللَّهُ مِنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ»

فلسطین؛ مسئله ی اول در میان همه ی موضوعات مشترک کشورهای اسلامی

به میهمانان عزیز و همه ی حضار گرامی خوشامد میگویم. در میان همه ی موضوعاتی که شایسته است نخبگان دینی و سیاسی از سراسر جهان اسلام به آن پردازند، مسئله ی فلسطین دارای برجستگی ویژه ای است. فلسطین، مسئله ی اول در میان همه ی موضوعات مشترک کشورهای اسلامی است.

مشخصات منحصر به فرد مسئله ی فلسطین

اشاره

مشخصات منحصر به فردی در این مسئله وجود دارد:

۱. غصب یک کشور و تشکیل جامعه ای جعلی

اول این که یک کشور مسلمان از ملت آن، غصب و به بیگانگانی که از کشورهای گوناگون گردآوری شده و جامعه ای جعلی و موزائیکی تشکیل داده اند، سپرده شده است.

۲. جنایت و اهانت بی سابقه

دوم این که این حادثه ی بی سابقه در تاریخ، با کشتار و جنایت و ظلم و اهانت مستمر انجام گرفته است.

۳. توهین و تخریب قبله ی اول و مراکز دینی

سوم آن که قبله ی اول مسلمانان و بسیاری از مراکز محترم دینی که در این کشور قرار دارد، به تخریب و توهین و زوال تهدید شده است.

۴. اسرائیل؛ پایگاه نظامی و سیاسی استکبار در قلب جهان اسلام

چهارم آن که این دولت و جامعه ی جعلی در حساسترین نقطه ی جهان اسلام، از آغاز تاکنون، نقش یک پایگاه نظامی و امنیتی و سیاسی را برای دولتهای استکباری بازی کرده و محور غرب استعماری که به علل گوناگون، دشمن اتحاد و اعتلاء و پیشرفت کشورهای اسلامی است، از آن همواره چون خنجر در پهلوی امت اسلامی استفاده کرده است.

۵. خطر اخلاقی، سیاسی و اقتصادی اسرائیل برای بشریت

پنجم آن که صهیونیسم که خطر اخلاقی و سیاسی و اقتصادی بزرگی برای جامعه ی بشری است، این جای پا را وسیله ای و نقطه ی اتکائی برای گسترش نفوذ و سلطه ی خود در جهان قرار داده است.

۶. هزینه مالی و انسانی سنگین ظلم بر فلسطین برای جهان اسلام

نکات دیگری را هم میتوان بر اینها افزود: هزینه ی مالی و انسانی سنگینی که کشورهای اسلامی تاکنون پرداخته اند. اشتغال ذهنی دولتها و ملت‌های مسلمان. رنج میلیونها آواره ی فلسطینی، که بسیاری از آنان پس از شش دهه هنوز در اردوگاه‌ها زندگی میکنند. انقطاع تاریخ یک کانون مهم تمدنی در جهان اسلام و الی غیر ذلک.

۷. نهضت بیداری اسلامی با انگیزه ی دشمنی با اسرائیل

امروزه بر این دلائل، یک نکته ی کلیدی و اساسی دیگر افزوده شده است و آن، نهضت بیداری اسلامی است که سراسر منطقه را فرا گرفته و فصل تازه و تعیین کننده ای در سرگذشت امت اسلامی گشوده است. این حرکت عظیم که بی گمان میتواند به ایجاد یک مجموعه ی مقتدر و پیشرفته و منسجم اسلامی در این نقطه ی حساس جهان منتهی شود و به حول و قوه ی الهی و با عزم راسخ پیشروان این نهضت، نقطه ی پایان بر دوران عقب ماندگی و ضعف و حقارت ملت‌های مسلمان بگذارد، بخش مهمی از نیرو و حماسه ی خود را از قضیه ی فلسطین گرفته است.

ظلم اسرائیل، همراهی حکام وابسته و پیروزی مقاومت از عوامل بیداری اسلامی

ظلم و زورگوئی روزافزون رژیم صهیونیستی و همراهی برخی حکام مستبد و فاسد و مزدور آمریکا با آن از یک سو، و سر برآوردن مقاومت جانانه ی فلسطینی و لبنانی و پیروزی های معجز آسای جوانان مؤمن در جنگهای سی و سه روزه ی لبنان و بیست و دو روزه ی غزه از سوی دیگر، از جمله ی عوامل مهمی بودند که اقیانوس بظاهر آرام ملت‌های مصر و تونس و لیبی و دیگر کشورهای منطقه را به تلاطم در آوردند.

این یک واقعت است که رژیم سرپا مسلح صهیونیست و مدعی شکست ناپذیری، در لبنان در جنگی نابرابر، از مشت گره شده ی مجاهدان مؤمن و دلاور، شکست سخت و ذلتباری خورد؛ و پس از آن، در برابر مقاومت مظلومانه و پولادین غزه، بار دیگر شمشیر کُند خود را آزمود و ناکام ماند.

اینها باید در تحلیل اوضاع کنونی منطقه مورد ملاحظه ی جدی قرار گیرد و درستی هر تصمیمی که گرفته میشود، با آن سنجیده شود.

پس این، قضاوت دقیقی است که مسئله ی فلسطین، امروز اهمیت و فوریت مضاعف یافته است و ملت فلسطین حق دارد که در

اوضاع کنونی منطقه، انتظار بیشتری از کشورهای مسلمان داشته باشد.

نگاهی به گذشته و حال و ترسیم نقشه ی راه برای آینده

نگاهی به گذشته و حال بیندازیم و برای آینده، نقشه ی راهی ترسیم کنیم. من رئوس مطالبی را در میان میگذارم.

گذشته ی خونبار فلسطین

بیش از شش دهه از فاجعه ی غصب فلسطین میگذرد. عوامل اصلی این فاجعه ی خونین، همه شناخته شده اند و دولت استعمارگر انگلیس در رأس آنهاست، که سیاست و سلاح و نیروی نظامی و امنیتی و اقتصادی و فرهنگی آن و سپس دیگر دولتهای مستکبر غربی و شرقی، در خدمت این ظلم بزرگ به کار افتاد. ملت بی پناه فلسطین در زیر چنگال بی رحم اشغالگران، قتل عام و از خانه و کاشانه ی خود رانده شد. تا امروز هنوز یک صدم فاجعه ی انسانی و مدنی ای که به دست مدعیان تمدن و اخلاق، در آن روزگار اتفاق افتاد، به تصویر کشیده نشده و بهره ای از هنرهای رسانه ای و تصویری نیافته است. اربابان عمده ی هنرهای تصویری و سینما و تلویزیون و مافیاهای فیلمسازی غربی این را نخواسته و اجازه ی آن را نداده اند. یک ملت در سکوت، قتل عام و آواره و بی خانمان شد.

مقاومتهائی در آغاز کار پدید آمد که با شدت و قساوت سرکوب شد. از بیرون مرزهای فلسطین و عمدتاً از مصر، مردانی با انگیزه ی اسلامی تلاشهایی کردند که از حمایت لازم برخوردار نشد و نتوانست تأثیری در صحنه بگذارد.

پس از آن، نوبت به جنگهای رسمی و کلاسیک میان چند کشور عرب با ارتش صهیونیست رسید. مصر و سوریه و اردن نیروهای نظامی خود را وارد صحنه کردند، ولی کمک بی دریغ و انبوه و روزافزون نظامی و تدارکاتی و مالی از سوی آمریکا و انگلیس و فرانسه به رژیم غاصب،

ارتش‌های عربی را ناکام کرد. آنها نه فقط نتوانستند به ملت فلسطین کمک کنند، که بخش‌های مهمی از سرزمین‌های خود را هم در این جنگ‌ها از دست دادند.

علت اساسی شکست سازمان آزادی بخش فلسطین؛ دوری از اسلام

با آشکار شدن ناتوانی دولتهای عرب همسایه با فلسطین، بتدریج هسته‌های مقاومت سازمان یافته در قالب گروه‌های مسلح فلسطینی شکل گرفت و پس از چندی از گرد آمدن آنها، «سازمان آزادیبخش فلسطین» تشکیل یافت. این برق‌امیدی بود که خوش درخشید، ولی طولی نکشید که خاموش شد. این ناکامی را میتوان به علل متعددی منسوب کرد، ولی علت اساسی، دوری آنان از مردم و از عقیده و ایمان اسلامی آنان بود. ایدئولوژی چپ و یا صرفاً احساسات ناسیونالیستی، آن چیزی نبود که مسئله‌ی پیچیده و دشوار فلسطین به آن نیاز داشت. آنچه میتوانست ملتی را به میدان مقاومت وارد کند و نیروئی شکست‌ناپذیر از آنان فراهم آورد، اسلام و جهاد و شهادت بود. آنها این را بدرستی درک نکردند. من در ماه‌های اول انقلاب کبیر اسلامی که سران سازمان آزادیبخش روحیه‌ی تازه‌ای یافته و به تهران مکرراً آمد و شد میکردند، از یکی از ارکان آن سازمان پرسیدم: چرا پرچم اسلام را در مبارزه‌ی بحق خود بلند نمیکنید؟ پاسخ او این بود که در میان ما، بعضی هم مسیحی‌اند. این شخص بعدها در یک کشور عربی به دست صهیونیستها ترور و کشته شد و ان شاءالله مشمول مغفرت الهی قرار گرفته باشد؛ ولی این استدلال او ناقص و نارسا بود. به گمان من، یک مبارز مسیحی مؤمن در کنار یک جمع مجاهد فداکاری که خالصانه، با ایمان به خدا و قیامت و با امید به کمک الهی می‌جنگد و از حمایت مادی و معنوی مردمش برخوردار است، انگیزه‌ی بیشتری برای مبارزه می‌یابد تا در کنار گروه بی‌ایمان و متکی به احساسات ناپایدار و دور از پشتیبانی وفادارانه‌ی مردمی.

نمود ایمان راسخ دینی و انقطاع از مردم، بتدریج آنان را خنثی و

بی تأثیر کرد. البته در میان آنان، مردان شریف و پرانگیزه و غیور بودند، ولی مجموعه و سازمان به راه دیگری رفت.

انحراف مبارزان و خیانت دولتهای عرب

انحراف آنان، به مسئله ی فلسطین ضربه زد و هنوز هم میزند. آنها هم مانند برخی دولتهای خائن عربی، به آرمان مقاومت - که تنها راه نجات فلسطین بوده و هست - پشت کردند؛ و البته نه فقط به فلسطین، که به خود هم ضربه ی سختی وارد کردند. به قول شاعر مسیحی عرب:

لئن اضعتم فلسطیناً فعیشکم طول الحیاه مضاضات وءالام

سی و دو سال از عمر نکبت، بدین ترتیب سپری شد؛ ولی ناگهان دست قدرت خداوند ورق را برگردانید. پیروزی انقلاب اسلامی در ایران در سال ۱۹۷۹ - ۱۳۵۷ هجری شمسی - اوضاع این منطقه را زیر و رو کرد و صفحه ی جدیدی را گشود. در میان تأثیرات شگرف جهانی این انقلاب و ضربه های شدید و عمیقی که بر سیاستهای استکباری وارد ساخت، از همه سریع تر و آشکارتر، ضربه به دولت صهیونیست بود. اظهارات سران آن رژیم در آن روزها، خواندنی و حاکی از حال و روز سیاه و پر اضطراب آنهاست. در اولین هفته های پیروزی، سفارت دولت جعلی اسرائیل در تهران تعطیل و کارکنان آن اخراج شدند و محل آن رسماً به نمایندگی سازمان آزادیبخش فلسطین داده شد؛ که تا امروز هم در آنجا مستقرند.

از هدفهای انقلاب اسلامی؛ آزادی سرزمین فلسطین و قطع غده ی سرطانی اسرائیل

امام بزرگوار ما اعلام کردند که یکی از هدفهای این انقلاب، آزادی سرزمین فلسطین و قطع غده ی سرطانی اسرائیل است. امواج پر قدرت این انقلاب، که آن روز همه ی دنیا را فرا گرفت، هر جا رفت - با این پیام رفت که «فلسطین باید آزاد شود». گرفتاری های پیاپی و بزرگی که

دشمنان انقلاب بر نظام جمهوری اسلامی ایران تحمیل کردند - که یک قلم آن، جنگ هشت ساله ی رژیم صدام حسین به تحریک آمریکا و انگلیس و پشتیبانی رژیمهای مرتجع عرب بود - نیز نتوانست انگیزه ی دفاع از فلسطین را از جمهوری اسلامی بگیرد.

مبارزه با تکیه بر ایمان در فلسطین بعد از انقلاب اسلامی ایران

بدینگونه خون تازه ای در رگهای فلسطین دمیده شد. گروه های مجاهد فلسطینی مسلمان سر بر آوردند. مقاومت لبنان، جبهه ی نیرومند و تازه ای در برابر دشمن و حامیانش گشود. فلسطین به جای تکیه به دولتهای عربی و بدون دست دراز کردن به سوی مجامع جهانی، از قبیل سازمان ملل - که شریک جرم دولتهای استکباری بودند - به خود، به جوانان خود، به ایمان عمیق اسلامی خود و به مردان و زنان فداکار خود تکیه کرد. این، کلید همه ی فتوحات و موفقیتهاست.

در سه دهه ی گذشته، این روند روزبه روز پیشرفت و افزایش داشته است. شکست ذلتبار رژیم صهیونیستی در لبنان در سال ۲۰۰۶ - ۱۳۸۵ هجری شمسی - ناکامی فضاحتبار آن ارتش پر مدعا در غزه در سال ۲۰۰۸ - ۱۳۸۷ هجری شمسی - فرار از جنوب لبنان و عقب نشینی از غزه، تشکیل دولت مقاومت در غزه، و در یک جمله، تبدیل ملت فلسطین از مجموعه ای از انسانهای درمانده و ناامید، به ملت امیدوار و مقاوم و دارای اعتماد به نفس، مشخصه های بارز سی سال اخیر است.

قراردادهای ننگین سران عرب برای خاموش کردن شعله ی مقاومت

این تصویر کلی و اجمالی آنگاه کامل خواهد شد که تحرکات سازشکارانه و خیانتباری که هدف از آن، خاموش کردن مقاومت و اعتراف گیری از گروههای فلسطینی و دولتهای عرب به مشروعیت اسرائیل بود، نیز بدرستی دیده شود. این تحرکات که آغاز آن به دست جانشین خائن و ناخلف جمال عبدالناصر در پیمان ننگین «کمپ دیوید»

اتفاق افتاد، همواره خواسته است نقش سوهان را در عزم پولادین مقاومت ایفاء کند. در قرارداد کمپ دیوید، برای نخستین بار، یک دولت عرب، رسماً به صهیونیستی بودن سرزمین اسلامی فلسطین اعتراف کرد و پای نوشته ای را که در آن، اسرائیل خانه ی ملی یهودیان شناخته شده است، امضای خود را گذاشت.

از آن پس تا قرارداد «اسلو» در سال ۱۹۹۳ - ۱۳۷۲ هجری شمسی - و پس از آن در طرحهای تکمیلی که با میداننداری آمریکا و همراهی کشورهای استعمارگر اروپائی، پی در پی بر دوش گروه های سازشکار و بی همتی از فلسطینیان گذاشته شد، همه ی سعی دشمن بر آن بود که با وعده های پوچ و فریب آمیز، ملت و گروه های فلسطینی را از گزینه ی «مقاومت» منحرف کنند و به بازی ناشیانه در میدان سیاست سرگرم سازند. بی اعتباری همه ی این معاهدات، بسیار زود آشکار شد و صهیونیستها و حامیان آنها بارها نشان دادند که به آنچه نوشته شده است، به چشم ورق پاره های بی ارزشی مینگرند. هدف از این طرحها، پدید آوردن دودلی در فلسطینیان، و به طمع انداختن افراد بی ایمان و دنیاطلب آنان، و زمینگیر نمودن حرکت مقاومت اسلامی بوده است و بس.

نصرت الهی برای مقاومان مسلمان

پادزهر همه ی این بازی های خیانت آمیز تاکنون، روحیه ی مقاومت در گروه های اسلامی و ملت فلسطین بوده است. آنها به اذن خدا در برابر دشمن ایستادند و همان طور که خداوند وعده داده است که: «و لَیَنْصُرَنَّ اللهُ مَنْ یَنْصُرُهُ إِنَّ اللهَ لَقَوِیٌّ عَزِیْزٌ»، از کمک و نصرت الهی برخوردار شدند. ایستادگی غزه با وجود محاصره ی کامل، نصرت الهی بود. سقوط رژیم خائن و فاسد حسنی مبارک، نصرت الهی بود. پدید آمدن موج پرقدرت بیداری اسلامی در منطقه، نصرت الهی است. برافتادن پرده ی نفاق و تزویر از چهره ی آمریکا و انگلیس و فرانسه و تنفر روزافزون ملتهای منطقه از آنان، نصرت الهی است. گرفتاری های پی در پی و بیشمار

رژیم صهیونیست، از مشکلات سیاسی و اقتصادی و اجتماعی داخلی اش گرفته تا انزوای جهانی و انزجار عمومی و حتی دانشگاه های اروپائی از آن، همه و همه مظاهر نصرت الهی است. امروز رژیم صهیونیستی از همیشه منفورتر و ضعیف تر و منزوی تر، و حامی اصلی اش آمریکا از همیشه گرفتارتر و سردرگم تر است.

اکنون صفحه ی کلی و اجمالی فلسطین در شصت و چند سال گذشته، پیش روی ماست. آینده را باید با نگاه به آن و درس گیری از آن تنظیم کرد.

دو نکته ی اساسی

دو نکته را پیشاپیش باید روشن کرد:

هدف ما آزادی همه ی فلسطین و حذف اسرائیل و تحقق شعار از نهر تا بحر

اول این که مدعای ما آزادی فلسطین است، نه آزادی بخشی از فلسطین. هر طرحی که بخواهد فلسطین را تقسیم کند، یکسره مردود است. طرح دو دولت که لباس حق به جانب «پذیرش دولت فلسطین به عضویت سازمان ملل» را بر آن پوشانده اند، چیزی جز تن دادن به خواسته ی صهیونیستها، یعنی «پذیرش دولت صهیونیستی در سرزمین فلسطین» نیست. این به معنای پایمال کردن حق ملت فلسطین، نادیده گرفتن حق تاریخی آوارگان فلسطینی، و حتی تهدید حق فلسطینیان ساکن سرزمینهای ۱۹۴۸ است؛ به معنای باقی ماندن غده ی سرطانی و تهدید دائمی پیکره ی امت اسلامی، مخصوصاً ملتهای منطقه است؛ به معنای تکرار رنجهای ده ها ساله و پایمال کردن خون شهداست.

هر طرح عملیاتی باید بر مبنای اصل «همه ی فلسطین برای همه ی مردم فلسطین» باشد. فلسطین، فلسطین «از نهر تا بحر» است، نه حتی یک وجب کمتر. البته این نکته نباید نادیده بماند که ملت فلسطین همان

طور که در غزه عمل کردند، هر بخش از خاک فلسطین را که بتوانند آزاد کنند، به وسیله ی دولت برگزیده ی خود، اداره ی امور آن را بر عهده خواهند گرفت، ولی هرگز هدف نهائی را از یاد نخواهند برد.

لزوم بکارگیری صبر و تدبیر برای آزادی فلسطین

نکته ی دوّم آن است که برای دستیابی به این هدف والاّ کار لازم است، نه حرف؛ جدی بودن لازم است، نه کارهای نمایشی؛ صبر و تدبیر لازم است، نه رفتارهای بیصبرانه و دچار تلّون. باید به افقهای دور نگریست و قدم به قدم با عزم و توکل و امید به پیش رفت. دولتها و ملت‌های مسلمان، گروه‌های مقاومت در فلسطین و لبنان و دیگر کشورها، هر یک میتوانند نقش و سهم خود از این مجاهدت همگانی را بشناسند و باذن الله جدول مقاومت را پر کنند.

طرح جمهوری اسلامی برای حل قضیه ی فلسطین

طرح جمهوری اسلامی برای حل قضیه ی فلسطین و التیام این زخم کهنه، طرحی روشن، منطقی و منطبق بر معارف سیاسی پذیرفته شده ی افکار عمومی جهانی است که قبلاً به تفصیل ارائه شده است. ما نه جنگ کلاسیک ارتشهای کشورهای اسلامی را پیشنهاد میکنیم، و نه به دریا ریختن یهودیان مهاجر را، و نه البته حکمیت سازمان ملل و دیگر سازمانهای بین المللی را؛ ما همه پرسى از ملت فلسطین را پیشنهاد میکنیم. ملت فلسطین نیز مانند هر ملت دیگر حق دارد سرنوشت خود را تعیین کند و نظام حاکم بر کشورش را برگزیند. همه ی مردم اصلی فلسطین، از مسلمان و مسیحی و یهودی - نه مهاجران بیگانه - در هر جا هستند؛ در داخل فلسطین، در اردوگاه‌ها و در هر نقطه ی دیگر، در یک همه پرسى عمومی و منضبط شرکت کنند و نظام آینده ی فلسطین را تعیین کنند. آن نظام و دولت برآمده ی از آن، پس از استقرار، تکلیف مهاجران غیر فلسطینی را که در سالیان گذشته به این کشور کوچ کرده اند، معین خواهد کرد. این یک طرح عادلانه و منطقی است که افکار عمومی

جهانی آن را بدرستی درک میکند و میتواند از حمایت ملت‌ها و دولتهای مستقل برخوردار شود.

وظیفه‌ی دولتهای اسلامی در قطع روابط آشکار و پنهان با اسرائیل

البته انتظار نداریم که صهیونیستهای غاصب به آسانی به آن تن در دهند، و اینجاست که نقش دولتها و ملت‌ها و سازمانهای مقاومت شکل میگیرد و معنی می‌یابد. مهمترین رکن حمایت از ملت فلسطین، قطع پشتیبانی از دشمن غاصب است؛ و این وظیفه‌ی بزرگ دولتهای اسلامی است.

اکنون پس از به میدان آمدن ملت‌ها و شعارهای قدرتمندانه‌ی آنان بر ضد رژیم صهیونیست، دولتهای مسلمان با چه منطقی روابط خود با رژیم غاصب را ادامه میدهند؟ سند صداقت دولتهای مسلمان در جانبداری شان از ملت فلسطین، قطع روابط آشکار و پنهان سیاسی و اقتصادی با آن رژیم است. دولتهائی که میزبان سفارتخانه‌ها یا دفاتر اقتصادی صهیونیست‌ها، نمیتوانند مدعی دفاع از فلسطین باشند و هیچ شعار ضد صهیونیستی از سوی آنان، جدی و واقعی تلقی نخواهد شد.

تکلیف سازمانهای مقاومت اسلامی

سازمانهای مقاومت اسلامی که بار سنگین جهاد را در سالهای گذشته بر دوش داشته‌اند، امروز نیز با همان تکلیف بزرگ روبه‌رویند. مقاومت سازمان یافته‌ی آنان، بازوی فعالی است که میتواند ملت فلسطین را به سوی این هدف نهائی به پیش برد. مقاومت شجاعانه از سوی مردمی که خانه و کشورشان اشغال شده، در همه‌ی میثاقهای بین‌المللی به رسمیت شناخته شده و مورد تحسین و تجلیل قرار گرفته است. تهمت تروریزم از سوی شبکه‌ی سیاسی و رسانه‌ای وابسته به صهیونیزم، سخن پوچ و بی‌ارزشی است. تروریست آشکار، رژیم صهیونیستی و حامیان غربی آنهایند؛ و مقاومت فلسطینی، حرکتی ضد تروریستهای جزار و حرکتی انسانی و مقدس است.

غرب بر سر دو راهی در قبال مسئله ی فلسطین

در این میان، کشورهای غربی نیز شایسته است صحنه را با نگاهی واقع بینانه بنگرند. غرب امروز بر سر دوراهی است. یا باید دست از زورگوئی طولانی مدت خود بردارد و حق ملت فلسطین را بشناسد و بیش از این از نقشه ی صهیونیستهای زورگو و ضد بشر پیروی نکند، و یا در انتظار ضربه های سخت تر در آینده ی نه چندان دور باشد. این ضربه های فلج کننده فقط سقوط پی در پی حکومتهای گوش به فرمان آنان در منطقه ی اسلامی نیست، بلکه آن روزی که ملت های اروپا و آمریکا دریابند که بیشترین گرفتاری های اقتصادی و اجتماعی و اخلاقی آنان منشأ گرفته از سلطه ی اختاپوسی صهیونیزم بین الملل بر دولت های آنهاست، و دولتمردان آنان به خاطر منافع شخصی و حزبی خود، مطیع و تسلیم در برابر زورگوئی های کمپانی داران زالوصفت صهیونیست در آمریکا و اروپایند، آنچنان جهنمی برای آنان به وجود خواهند آورد که هیچ راه خلاصی از آن متصور نیست.

چرایی اعلام امنیت اسرائیل به عنوان خط قرمز آمریکا

رئیس جمهور آمریکا میگوید که امنیت اسرائیل خط قرمز اوست. این خط قرمز را چه عاملی ترسیم کرده است؟ منافع ملت آمریکا، یا نیاز شخص اواما به پول و پشتیبانی کمپانی های صهیونیستی برای به دست آوردن کرسی دوّمین دوره ی ریاست جمهوری؟ تا کی شماها خواهید توانست ملت های خود را فریب دهید؟ آن روزی که ملت آمریکا بدرستی دریابد که شماها برای چند صباح بیشتر باقی ماندن در قدرت، تن به ذلت و تبعیت و خاکساری در برابر زرسالاران صهیونیست داده اید و مصالح ملت بزرگی را در پای آنان قربانی کرده اید با شما چه خواهند کرد؟

تهدید واقعی برای اسرائیل؛ عزم مسلمانان و نه موشکهای ایران و مقاومت

حضار گرامی و برادران و خواهران عزیز! بدانید این خط قرمزِ اوپاما و امثال او به دست ملت‌های به پا خاسته‌ی مسلمان شکسته خواهد شد. آنچه رژیم صهیونیست را تهدید میکند، موشکهای ایران یا گروه‌های مقاومت نیست، تا در برابر آن سپر موشکی در اینجا و آنجا به پا کنند؛ تهدید حقیقی و بدون علاج، عزمِ راسخ مردان و زنان و جوانانی در کشورهای اسلامی است که دیگر نمیخواهند آمریکا و اروپا و عوامل دست‌نشانده‌شان بر آنان حکومت و تحکم و آنان را تحقیر کنند. البته آن موشکها هم هرگاه تهدیدی از سوی دشمن بروز کند، وظیفه‌ی خود را انجام خواهند داد.

«فاصبر انّ وعد الله حقّ و لا یستخفّنک الذین لا یوقنون».

والسلام علیکم ورحمہ اللہ وبرکاتہ

۱. حج: ۳۹ و ۴۰

۲. روم: ۶۰

ص: ۱۹۱

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

